

\_\_\_\_\_

1  
2  
3  
4  
5  
6  
7  
8  
9  
10  
11  
12  
13  
14  
15  
16  
17  
18  
19  
20  
21  
22  
23  
24  
25  
26  
27  
28  
29  
30  
31  
32  
33  
34  
35  
36  
37  
38  
39  
40  
41  
42  
43  
44  
45  
46  
47  
48  
49  
50  
51  
52  
53  
54  
55  
56  
57  
58  
59  
60  
61  
62  
63  
64  
65  
66  
67  
68  
69  
70  
71  
72  
73  
74  
75  
76  
77  
78  
79  
80  
81  
82  
83  
84  
85  
86  
87  
88  
89  
90  
91  
92  
93  
94  
95  
96  
97  
98  
99  
100

---

دکتر هدايت الله فلسفي  
دکتر ابراهيم بيگ زاده

گاه شمار حقوق و روابط بين الملل  
در دهه نود [۱۹۹۰-۲۰۰۰]

\_\_\_\_\_



## به نام آنکه هستی نام از او یافت

### ● مقدمه

حقوق بین الملل همانند هر نظام حقوقی دیگر دارای سه بُعد مختلف است:

۱. بُعد ثبت و ضبط روابط که به روابط اجتماعی هویتی رسمی

می دهد:

۲. بُعد سازمانی که متضمن نهادها، مکانیسمها و آیینهای آن

نظام است:

۳. بُعد آرمانی که مشتمل بر اصول و اهدافی است که بر کل

نظام احاطه دارد و آن را تغذیه می نماید.

این سه بُعد که در نظامهای داخلی تفکیک ناپذیر می نمایند، در نظام بین المللی هر یک حوزه عملی متفاوت با دیگری دارد. علت این است که نظامهای داخلی، نظامهایی متجانس و هماهنگ هستند که با ساختی منظم و منطقی روابط اجتماعی میان افراد را تنظیم می نمایند؛

اما نظام بین‌المللی که از چنین اوصافی برخوردار نیست، طبعاً نمی‌تواند براساس آرمانهایی واقعاً مشترک، روابط بین‌المللی را سازمان دهد و نظم و آیینی موزون و یکنواخت برای تثبیت روابط اجتماعی ابتکار کند. به عبارت دیگر هر نظام داخلی مبتنی بر اصولی اساسی (قانون اساسی) است که قوانین ماهوی و شکلی آن نظام را می‌سازد و می‌پردازد. به همین جهت چون این اصول همه ملهم از واقعیات تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشترک در جامعه ملی است، تمام مقررات حقوقی باید بر مبنای و در محدوده آن اصول وضع گردد و به اجرا درآید. اما نظام بین‌المللی دارای چنین ساختی نیست؛ به این معنی که ابعاد آرمانی (اساسی) و سازمانی و ثبت و ضبط روابط در آن پراکنده و نامنسجم هستند. به همین علت حقوق بین‌الملل از آن وحدتی که در هر نظام حقوقی وجود دارد، بی‌بهره است.

با همه این احوال نظام بین‌المللی همانند هر نظام دیگر سکون ندارد و پیوسته در حال تغییر و تحول است. این تغییر و تحول که در هر نظام داخلی مبین پویایی نظامی تکامل یافته است، در حقوق بین‌الملل بیشتر نشان دهنده ناآرام بودن روابط بین‌الملل و روشن نبودن حد اهداف مشترک (اصول اساسی) و نبود تمدنی مشترک و واحد است.

البته از ۱۹۴۶ تا به حال در ساختار کلی نظام بین‌المللی تغییراتی به وجود آمده و اهداف و اصولی بین‌المللی در جامعه برآشفته جهانی پدیدار گردیده است. این اصول با اینکه به ظاهر مورد قبول جمیع اعضای جامعه بین‌المللی قرار گرفته، هنوز به سبب تسلط نظم کلاسیک بین‌المللی بر نظم جدید، کاملاً تحقق نیافته و یا به آن درجه از رشد و تعالی نرسیده است که بتوان از یک نظام منسجم و اساسی

سخن به میان آورد. بدیهی است که شناخت این اصول و معرفت به مراحل رشد و تحول این نظام مستلزم آگاهی از اعمال دولتها، روابط سیاسی دولتها با یکدیگر، پیمانهای بین المللی، اقدامات سازمانهای بین المللی مختلف، رویه قضایی بین المللی و سرانجام آموزه علمای حقوق بین الملل از ثمره این تحولات است. به همین جهت از آنجا که در هر تحلیل تاریخی - حقوقی، اعمال و روابط منضبط دولتها و احکام دادگاههای بین المللی و دکترین علما حقوق در مقام اسناد و مدارک بین المللی از اهمیت زیاد برخوردار است ما بر آن شدیم تا این اسناد و مدارک را جمع آوری و تدوین نماییم؛ از این رو کوشیدیم که با محدود کردن قلمرو زمانی تحقیق خود در دهه نود که سازمان ملل متحد آن را دهه حقوق بین الملل لقب داده است، و با اقتباس از منابع خارجی معتبر، گاه شماری از حقوق و روابط بین الملل در دهه نود فراهم آوریم تا به گمان خود راه را برای پژوهندگان مسایل مختلف حقوق بین الملل هموار ساخته باشیم. با این همه چون هنوز در آغاز راه هستیم و هنوز برای تکمیل این وجیزه نقشه ها در سرداریم، به نقص آن اعتراف می کنیم و آماده شنیدن و خواندن انتقادات منطقی هستیم.

اما سخن آخر آنکه، ما به راستی انتظار داریم که همکاران دانشمند گروههای دیگر (جزا - خصوصی) نیز در تدوین اسناد و مدارک ملی و احکام قضائی و آرا و عقاید صاحب نظران داخلی به صورتی منظم همت به خرج دهند و این سخن عالمانه بیل فیلد را از یاد نبرند که گفت: «حقوق (خاصه حقوق عمومی) بر وقایع تکیه دارد، برای آنکه آن را بشناسیم باید تاریخ بدانیم» ... و به درستی آنچه دیروز رخ داده است، به تاریخ تعلق دارد.

## ● دولتها

### روابط سیاسی دولتها

#### ۱. افغانستان

#### «ثمره دوازده سال جنگ» (۱۹۷۹-۱۹۹۱)

بر اساس گزارشی که سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۹۱ منتشر کرده است، در افغانستان ظرف مدت ۱۲ سال جنگ بیش از ۶۰۰,۰۰۰ نفر فقط در اثر مینهایی که به طور پراکنده در این سرزمین کار گذاشته شده بود کشته و معلول شده اند (۲۰۰,۰۰۰ کشته و ۴۰۰,۰۰۰ معلول). این جنگ فراموش شده از ۷ دسامبر ۱۹۷۹ نزدیک به میلیون قربانی داشته است. بر اساس گفته بسون سون (Besson Seven) نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان و پاکستان این جنگ چیزی جز خرابی و مرگ به جای

نگذاشته است.

## ۲. ایالات متّحد آمریکا آمار فروش اسلحه (۱۹۹۰)

فروش سلاحهای آمریکایی به کشورهای در حال توسعه در ۱۹۹۱ به بیش از دو برابر افزایش یافته است که این خود سبب شده است که این کشور مقام اول را در این زمینه از چنگ شوروی خارج نماید. فروش سلاحهای آمریکایی به کشورهای در حال توسعه از رقم ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ به رقم ۱۸/۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ افزایش یافته است؛ در حالی که در همین زمان فروش سلاح شوروی برای سومین بار متوالی کاهش یافته و به رقم ۱۲/۱ میلیارد دلار تنزل یافته است.

## ۳. آمریکا

### آمار پذیرش پناهندگان ۱۹۹۰

بر اساس گزارش کنگره آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱ حدود ۱۲۰۰۰ پناهنده در ۱۹۹۰ در ایالات متّحد آمریکا پذیرفته شده اند که از آن میان ۵۰,۰۰۰ نفر از شوروی، ۴۱,۰۰۰ نفر از ویتنام، ۱۸۰۰ نفر از کوبا، ۴۰۰۰ نفر از رومانی، ۳۱۰۰ از اتیوپی و ۳۱۰۰ نفر از ایران بوده اند.



## ۴. ایالات متّحد آمریکا و فیلیپین پایان حضور نظامی ایالات متّحد آمریکا در فیلیپین (۲۶ فوریه ۱۹۹۱)

حضور نظامی نزدیک به یک قرن آمریکا در فیلیپین، در نوامبر ۱۹۹۱ به طور کلی پایان گرفت و از این پس باید هم چون یک واقعه تاریخی متعلق به گذشته به آن نگریست. ایالات متّحد آمریکا در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۱ پایگاه هوایی کلارک (Clark) را که به علت آتشفشان غیرقابل استفاده شده بود به دولت ما نیل تحویل داد و ۲۴۵ نفر باقیمانده از نظامیان آمریکایی نیز پایگاه را در شب همان روز ترک نمودند. دولت فیلیپین در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ یک ضرب الاجل یک ساله برای خروج نیروهای آمریکایی از پایگاه دریایی خلیج سوبیک (Subic Bay) تعیین نمود که این خبر را هم پیتاگون و هم سخنگوی ریاست جمهوری (منشی دولتی ریاست جمهوری) فیلیپین رسماً تأیید کردند. با این حال ایالات متّحد آمریکا اعلام نمود که معاهده کمکهای متقابل مورخ ۳۰ اوت ۱۹۵۱ هم چنان به قوّت خود باقی خواهد بود.

## ۵. شوروی

### «حلّ مشکل ناشی از جانشینی دولتها میان شوروی و کشورهای عضو اتّحاد شوروی سابق» (مارس ۱۹۹۱)

جمهوریهای شوروی در مورد قروض خارجی اتّحاد شوروی سابق که بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار در پایان سال ۱۹۹۱ می گردد به توافق رسیدند. این موافقتنامه پیش بینی کرده است که این قروض به تناسب

سهم هر جمهوری در صادرات، واردات و درآمد ملی، که معادل تولید ناخالص ملی اتحادیه باشد و همچنین با توجه به درصد جمعیتشان میان آنان سرشکن گردد.

#### ۶. گواتمالا

##### مذاکرات صلح با چریکها: (آوریل ۱۹۹۱)

سه ماه پس از مذاکره صلح میان دولت گواتمالا و چریکها به میانجیگری کشیش رود لفوکسا در، طرفین دعوا در آوریل ۱۹۹۱ موفق به انعقاد قراردادی در خصوص «استقرار یک نظام آزادمنش در کشور» شدند.

#### ۷. مجارستان و چک و اسلوواکی

##### «مسأله احداث ساختمان سد ناگی مارُس» (مه ۱۹۹۱)

در مه ۱۹۹۱، به علت مشکلات مالی، مجارستان عملیات ساختمانی سه گابکوف ناگی مارُس را که قرار بود بر روی رودخانه دانوب احداث گردد متوقف نمود. این امر سبب بروز اختلافی میان این کشور و چک و اسلوواکی گردید.

با این عمل مجارستان ثمره چهارده سال همکاری میان دو کشور را در این زمینه به مخاطره افکند و علیرغم تغییر نظام سیاسی این کشور از کمونیست به دموکراتیک تا به حال تغییری در مواضع مجارستان نسبت به این پروژه ایجاد نشده است. عدم ادامه این طرح قطعی می نماید، اما تنها مسأله باقی مانده متقاعد کردن محافل مالی اتریش و چک و اسلوواکی است که برای انجام این طرح سرمایه گذاری کرده اند.

مذاکرات سیاسی دو دولت در مورد نتایج فسخ موافقتنامه ۱۹۷۷، از پایان سال ۱۹۹۰ آغاز شده است. عمده ترین دلیل مجارستان آن است که موافقتنامه ۱۹۷۷ از تصمیم نادرستی ناشی می شود که بدون توجه به نتایج اکولوژیکی طرح اتخاذ شده است. برای خروج از این بن بست، آقای ژرژ- سامسونه کیس نماینده دولت مجارستان در مسایل رودخانه دانوب توصیه کرده است که کمیته ای مرکب از کارشناسان اتریش، مجارستان و چک و اسلواکی با اختیار تصمیم گیری تشکیل گردد. با این وصف دولتهای ساحلی رودخانه دانوب همچنان به تلاش خود برای یافتن یک راه حل منطقی ادامه می دهند.

#### ۸. بریتانیای کبیر

### « شکست کنفرانس بلفاست در مورد وضعیت

### ایرلند شمالی» (۱۷ ژوئن تا ۳ ژوئیه ۱۹۹۱)

کنفرانس مربوط به وضعیت ایرلند شمالی (آلستر) با سه هفته تأخیر، سرانجام در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۱ در بلفاست گشایش یافت. این گردهمایی در واقع رویارویی بی سابقه ای است که از هفده سال پیش به این طرف برای اداره مشترک این استان بریتانیا انجام گرفته است. در این کنفرانس پروتستانها و کاتولیکهای ایرلند گردهم آمدند تا شاید بتوانند دولت دوبلین را نیز به جمع خود ملحق نمایند.

مخاصمه ای، که در ۱۹۲۱ منجر به تقسیم ایرلند شد، از آغاز شورشها یعنی از ۱۹۶۹ تا به حال حدود ۳۰۰۰ کشته بر جای گذاشته است. این مذاکرات که شاخه سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند (Sinn Fein) در آن شرکت داشت، به ریاست نینیان مارتین استپن

(Martin Steppen) حقوقدان و فرماندار کل استرالیا از ۱۹۸۲ تا

۱۹۸۹، انجام گرفت.

پس از چند هفته مذاکره، دولت بریتانیا در ۳ ژوئیه ۱۹۹۱ به شکست آخرین تلاش برای صلح اقرار نمود. در یک بیانیۀ آقای پیتر بروک وزیر (secrétaire) ایرلند شمالی آرزو کرد که در زمان مقتضی بتواند با ایجاد فضایی مناسب مذاکرات جدیدی را از سرگیرد. این کنفرانس صلح که توسط آقای بروک پس از چهارده ماه تلاش فراوان آماده شده بود سرانجام موفق گردید مردان سیاست انگلیسی و ایرلندی و همچنین کاتولیکها و پروتستانهای آلستر را گرد هم آورد. ولی آنها خیلی زود بر مسایل جزئی دچار اختلاف شدند. عدم نرمش اقلیتهای پروتستان ایرلند سبب شد تا کنفرانس انگلیس و ایرلند که برای ۱۶ ژوئیه تدارک دیده شده بود تشکیل نگردد. این کنفرانس قرار بود طبق موافقتنامه ۱۵ مه نوامبر ۱۹۸۵ در هیلز بورو میان دولتهای انگلیس و ایرلند تشکیل شود. بر اساس این موافقتنامه قرار بود حکومت آیر بر مسایل ایرلند شمالی نظارت نماید.

## ۹. کلمبیا

### «ممنوعیت رسمی استرداد اتباع کلمبیایی»

(۲۹ ژوئن ۱۹۹۱)

مجلس قانون اساسی کلمبیا در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۱، با ۴۵ رأی موافق از ۷۳ رأی، به طور قطعی با استرداد اتباع کلمبیایی که تحت پیگرد کشورهای دیگر بودند مخالفت کرد و آن ممنوع اعلام نمود. قاچاقچیان مواد مخدر که خود را تسلیم مقامات کلمبیایی کرده مدتها

منتظر چنین تصمیمی بودند. این ممنوعیت، در قانون اساسی جدید این کشور که از ۵ ژوئیه ۱۹۹۱ لازم الاجرا می‌گردد درج شده است. از ۱۹۸۴ حداقل ۴۹ کلمبیایی متهم به قاچاق مواد مخدر به ایالات متحد مسترد شده‌اند.

## ۱۰. آفریقای جنوبی

### «الغای مجازاتهای اقتصادی توسط امریکا»

#### (۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱) و اسرائیل (۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱)

دولت آمریکا در ۱۹۸۶ اعلام نموده بود که رژیم آفریقای جنوبی باید به پنج شرط عمل نماید تا این کشور بتواند مجازاتهای اقتصادی برضد آن کشور را حذف نماید.

این شروط عبارت بودند از:

- پایان بخشیدن به حالت فوق العاده؛
- الغای قانون مربوط به آپار تاید؛
- صدور مجوز فعالیت برای احزاب مخالف؛
- مذاکره با اکثریت سیاهان؛
- استخلاص زندانیان سیاسی؛

جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، با توجه به این که شرایط یاد شده جامه عمل پوشیده است و هیچ مانعی برای برداشتن بخشی از مجازاتهای اقتصادی وجود ندارد، در کنفرانس مطبوعاتی ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۱ اعلام نمود که الغای مجازاتهای اقتصادی که از ۱۹۸۶ برقرار شده امکان پذیر است.

چهار روز بعد، در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱، دولت اسرائیل نیز تصمیم گرفت از اعمال مجازاتهای اقتصادی و فرهنگی که بر ضد آفریقای جنوبی برقرار نموده، دست بردارد.

#### ۱۰. آلمان و اسپانیا

«حمله به کنسولگریهای اسپانیا در مونیخ

و دوسلدورف» (۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱)

کنسولگریهای اسپانیا در مونیخ و در دوسلدورف لحظاتی بعد از نیمه شب ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ در اثر انفجار دو بمب متحمل خسارات زیادی شدند. یک پلیس آلمان این سوءقصد را به جدایی طلبان باسک (ETA) نسبت داد.

#### ۱۱. بریتانیای کبیر و ترکیه

اشغال سفارت ترکیه در لندن بدست هواداران کردها»

(۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱)

حدود سی نفر تظاهرکننده کرد در سحرگاه ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۱ بعد از اشغال کوتاه مدت سفارت ترکیه در لندن، توسط پلیس بریتانیا دستگیر شدند. تظاهرکنندگان که با عقب راندن پلیس و شکستن در ورودی سفارت، وارد آن محل شده بودند، بی هیچگونه مقاومتی خود را تسلیم کردند. در اثر این حادثه به کسی آسیب وارد نیامد.

۱۲. فرانسه و ترکیه  
«حمله به کنسولگری ترکیه در فرانسه»

(۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱)

افرادی ناشناس در روز ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱، یک کوکتل مولوتف به طرف کنسولگری ترکیه در پاریس پرتاب کردند. این عمل به نشانه اعتراض به عملیات ضد تروریستی پلیس ترکیه در استانبول در شبهای ۱۲ و ۱۳ ژوئیه انجام گرفت. بر اثر این سوء قصد فقط ساختمان کنسولگری دچار خسارات مالی جزئی گردید. در همان روز حملاتی مشابه به کنسولگریهای ترکیه در بروکسل و در فرانکفورت صورت گرفت.

۱۳. کنگو و اسرائیل  
«برقراری مجدد روابط سیاسی میان دو کشور»

(۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱)

اسرائیل و کنگو در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱ مجدداً روابط سیاسی خود را که از ۱۷ سال پیش یعنی از ۱۳ دسامبر ۱۹۷۲ قطع شده بود برقرار کردند. کنگو آخرین کشور از نه کشور آفریقایی است که بعد از قطع روابط سیاسی اینان با اسرائیل در پی جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل مجدداً را با این کشور رابطه سیاسی برقرار می کند.

۱۴. آلمان و اتحاد جماهیر شوروی  
«تصادم هوایی» (۱۵ ژوئیه ۱۹۹۱)

دو هواپیمای شکاری و یک هلیکوپتر شوروی در ۱۵ ژوئیه

۱۹۹۱ یک هواپیمای آلمانی را وادار به فرود در فرودگاه پولکف در نزدیک لنینگراد نمودند. هواپیما از نوع ام-۲۰ از فنلاند حرکت کرده، بدون اجازه وارد حریم فضایی اتحاد جماهیر شوروی شده و به پرسشهای برجهای مراقبت در مورد اعلام هویت خود پاسخ نداده بود.

۱۵. یونان و ترکیه

«سوء قصد به مأموران دیپلماتیک ترک در آتن»

(۱۶ ژوئیه ۱۹۹۱)

آقای دنیز بولاک باسی کاردار سفارت ترکیه در آتن همراه دو نفر دیگر از اعضای این سفارت در ۱۶ ژوئیه در پولسویسی کو، در حومه آتن مورد سوء قصد قرار گرفتند. در این حادثه (اتوموبیل حامل آنان در اثر بمب کارگذاری شده منفجر گردید) کاردار ترکیه به طور سطحی زخمی گردید.

۱۶. آلمان و ایالات متّحد آمریکا

«محکومیت عامل ربودن هواپیمای خطوط هواپیمایی آمریکا در ۱۹۸۵ توسط دیوانعالی کارلسروهه در آلمان»

(۱۷ ژوئیه ۱۹۹۱)

دیوانعالی آلمان رأی دادگاه بدوی فرانکفورت را که در ۱۳ مه ۱۹۸۹ محمّد حمّاده را به حبس ابد محکوم کرده بود، تأیید نمود. حمّاده به اتهام مشارکت در ربودن یک فروند هواپیمای آمریکایی



متعلق به شرکت هواپیمایی T.W.A که منجر به مرگ یک ناوی  
آمریکایی در ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ شده بود محاکمه و مجازات گردید.

۱۷. آلمان، فرانسه، سوریه

«در جستجوی جنایتکاران جنگ دوم جهانی:

قضیه آلوتیس برونر» (۱۷ ژوئیه ۱۹۹۱)

ژان پیرژلتی، بازپرس دادگاه پاریس در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۱ از  
همکاری سوری خود درخواست نمود که از مقامات سوریه تحقیق کند  
که آیا آلوتیس برونر، مأمور مخفی سابق نازیها که ۷۹ سال سن دارد در  
دمشق با نام ساختگی یورگ فیشر پناه نگرفته است؟  
آلوتیس برونر از ژوئن ۱۹۸۸ بر اساس قرار توقیفی که قاضی  
کلگرولیه برای توقیف وی صادر کرده بود ترح تعقیب قرار داشت.  
نامبرده که در مقام معاون سابق آدلف آیشمن به عنوان جنایتکار جنگی  
تحت پیگرد قرار گرفته بود، احتمالاً با هویت غیر واقعی از ۱۹۵۴ در  
سوریه اقامت گزیده است. معاون وزیر حمل و نقل فرانسه آقای  
ژرژ سار ابراز امیدواری کرده که سوریه به محاکمه این جنایتکار جنگی  
که دیر زمانی به صورتی حساب شده از وی حمایت می کرد تن دهد.  
آلوتیس برونر از ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ فرمانده اردوگاههای بازداشتی  
درانسی (Drancy) بوده و مسؤل مرگ بیش از ۱۰۰,۰۰۰ یهودی از  
جمله صدها کودک است.

## ۱۸. آمریکای لاتین

### «کنفرانس گوادالاخارا» (۱۸-۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱)

در ۱۸ و ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱ سران ۲۱ کشور: (۱۹ رئیس جمهور از آمریکای مرکزی به علاوه رهبران اسپانیا و پرتغال) کنفرانسی در شهر گوادالاخارا در مکزیک برگزار نمودند. در اعلامیه پایانی کنفرانس، دولتهای شرکت کننده قصد خود را مبنی بر تقویت دموکراسی تأیید نمودند و برای از میان بردن نگرانی کوبا، که اخیراً روابط کنسولی خود را با شیلی و کلمبیا برقرار کرده بود، احترام به تصمیمات سیاسی هر دولت را از جمله اصول سیاسی روابط بین الملل اعلام کردند.

چند پیمان دو جانبه به خصوص میان آرژانتین و برزیل (: به موجب پروتکل امضا شده دو کشور متعهد شدند که فقط از انرژی اتمی در راه اهداف مسالمت آمیز استفاده نمایند) و میان کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا (موضوع موافقتنامه میان این کشورها که از اول ژانویه ۱۹۹۲ باید به اجرا درآید تسریع در ایجاد یک منطقه آزاد تجاری است) منعقد شده است.

رهبران آمریکای لاتین و شبه جزیره ایبریا (اسپانیا و پرتغال) در اعلامیه نهایی خاطر نشان کردند که تمام هم خود را صرف بازسازی سازمان ملل متحد جهت دستیابی به یک نظم نوین عادلانه تر و دموکراتیک تر خواهند نمود.

۱۹. اتریش

«اعلامیه فرانتزکی صدر اعظم اتریش  
در مورد سهم کشور متبوعش در جنایات نازیها»  
(۱۹ ژوئیه ۱۹۹۱)

فرانتزکی صدر اعظم اتریش مشارکت کشور متبوعش را در جنایات نازیها در خلال جنگ جهانی دوم پذیرفت. او در مقابل پارلمان اعلام نمود:

ما مسؤولیت تمام وجوه تاریخ خود و اعمال همشهریانمان اعم از بد و خوب را می پذیریم. همان طور که ما می توانیم از اعمال خوب شادمان باشیم، باید عذر تقصیر اعمال بدمان را نیز به پیشگاه بازماندگان و نزدیکان قربانیان جنگ دوم ببریم و طلب بخشایش کنیم.

۲۰. شیلی و ایالات متّحد آمریکا

«ابتکار سنای آمریکا در خصوص اصل ملت

کامله الواد» (۲۳ ژوئیه ۱۹۹۱)

سنای آمریکا در ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۱ برخلاف نظر کاخ سفید قانونی را با ۵۵ رأی موافق و ۴۴ رأی مخالف، به تصویب رساند. طبق این قانون شرایطی برای تمدید سالانه اصل ملت کامله الواد در مورد چین برقرار گردید.

اعطای اصل ملت کامله الواد به چین موکول به رعایت حقوق بشر، پایان دادن به کمکهای نظامی به خمربهای سرخ، تضمین این کشور مبنی بر عدم فروش موشک به سوریه و ایران و آزادی برخی از

زندانیان سیاسی شده است. مجلس نمایندگان نیز با ۳۱۳ رأی موافق و ۱۱۲ رأی مخالف یعنی با رأی بیش از  $\frac{2}{3}$  اعضا که حدّ نصاب برای تصویب این قبیل اعمال حقوقی است، پیش نویس قانون مشابهی را دو هفته پیش تصویب کرده بود تا رئیس جمهور نتواند آن را وتو کند.

۲۱. آفریقای جنوبی و مجارستان  
«برقراری مجدد روابط سیاسی میان دو دولت»  
(۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱)

آقای نیل وان هیردن دبیرکل وزارت امور خارجه آفریقای جنوبی و هم‌تای مجاری وی آقای فرنک سوموگری در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱ پروتکلی را در بوداپست امضا نمودند که بر اساس آن روابط رسمی میان دو کشور که از ۳۰ سال پیش [۱۹۶۱] قطع شده بود مجدداً برقرار گردید. مجارستان نخستین دولت اروپای شرقی است که روابط خود را با آفریقای جنوبی برقرار کرده است.

۲۲. ایالات متّحد آمریکا  
«برچیدن پایگاه‌های جدید نظامی آمریکا در اروپا»  
(۳۰ ژوئیه ۱۹۹۱)

وزرات دفاع آمریکا در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۱ اعلام کرد که ۷۹ پایگاه یا تأسیسات نظامی خود را در اروپا برچیده است که از آن تعداد ۳۸ عدد در آلمان (گوبینگن، فرانکفورت، هیل برون و نورنبرگ)، ۱۳ عدد در انگلستان، ۸ عدد در ایتالیا، ۷ عدد در ترکیه،

پنج عدد در اسپانیا و یک عدد در هلند می باشد. سربازان آمریکایی مستقر در اروپا بالغ بر ۳۰,۰۰۰ نفر هستند که قرار شده این تعداد تا ۱۹۹۵ به نصف تقلیل یابد.

### ۲۳. لیبریا

#### «تحوّل اوضاع و احوال» (۳۰ ژوئیه ۱۹۹۱)

در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۱ کنفرانسی در شهر یاموسوکرو (واقع در ساحل عاج) برای بررسی وضعیت لیبریا بعد از نوزده ماه جنگ داخلی تشکیل گردید. در این کنفرانس نمایندگان پنج کشور ذینفع یعنی توگو، ساحل عاج، سنگال، گامبیا و لیبیا شرکت کردند. این کنفرانس در پایان کار خود هیچ بیانیه ای منتشر نکرد ولی بر اساس منابع نزدیک به کنفرانس، خلع سلاح گروههای مختلف موضوع اصلی مذاکراتی را تشکیل می داد که در آن دو طرف اصلی مخاصمه یعنی آقای شارل تایلور رئیس شورشیان و آمرس ساوینز کفیل ریاست جمهوری شرکت داشتند. مجلس میهنی بازسازی ملی، که رکن جدید نهضت شورشی آقای شارل تایلور است، طی اطلاعیه ای اعلام داشته که تصمیم کمیته مرکب از ۵ کشور را مأمور خاتمه دادن به جنگ داخلی لیبریا بوده است تأیید می نماید.

### ۲۴. فرانسه

#### «جلوگیری از مهاجرت غیرقانونی افراد بیگانه

#### به فرانسه» (۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱)

بر اساس آماري که دفتر بین المللی مهاجرت (OMI) در ۳۱

ژوئیه ۱۹۹۱ منتشر نموده است تعداد مجوزهای جدید اقامت از ۱۰۸۷۷۹ در سال ۱۹۸۹، به ۱۱۲۸۵۱ عدد در ۱۹۹۰ افزایش یافته است (در سال ۱۹۹۱ تعداد ۱۸۰۷۷۶ پروانه کار دائمی صادر شد. این تعداد در ۱۹۸۹ به ۹۲۶۰ پروانه بالغ می شد.) تعداد کارگران فصلی با ۵/۸٪ کاهش از ۵۸۲۴۹ نفر در ۱۹۸۹ به ۵۱۸۶۸ نفر در ۱۹۹۰ تقلیل یافته است.

برای از میان بردن مهاجرتهای غیرقانونی، دولت فرانسه در ۱۰

ژوئیه ۱۹۹۱ مقرراتی به شرح زیر به تصویب رساند:

- اعلام وضعیت برخی از تقاضاکنندگان پناهنگی؛

- حذف اجازه کار؛

- نظارت بیشتر بر ویزاهای ورودی؛

- اصلاح گواهی سکونت؛

- مبارزه با کار مخفیانه؛

- کمک به خارجیان برای بازگشت به کشور خود؛

- اصلاح آیین مربوط به اخراج؛

- حذف مجازاتهای مضاعف برای جرایم جزئی.

## ۲۵. لبنان

### «آزادی چهار گروگان غربی» (تابستان ۱۹۹۱)

چهار گروگان غربی در تابستان ۱۹۹۱ در لبنان آزاد شدند. از این چهار گروگان، دو نفرشان انگلیسی بودند. نخستین گروگان آقای جان مک کارتی بود که در ۱۷ آوریل ۱۹۸۱ رها شده و در ۸ اوت ۱۹۹۱ آزاد گردید، و دومین گروگان آقای جاک مان ۷۷ ساله بود، که

در ۱۲ مه ۱۹۸۹ ر بوده شد و در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۱ به دستور سازمان عدالت انقلابی رهایی یافت. دو گروهان دیگر آمریکایی بودند. اولی آقای ادوارد آوستین تریسی بود که ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ ر بوده و در ۱۱ اوت ۱۹۹۱ آزاد شد و دومی جس تورنر بود که در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۷ ر بوده شد و در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱ آزاد گردید. در ۲۳ اوت ۱۹۹۱ هنوز هشت گروهان غربی در لبنان وجود داشتند که از آن میان چهار نفر آمریکایی، دو نفر آلمانی، یک نفر انگلیسی و یک نفر ایتالیایی بودند.

## ۲۶. آلبانی و ایتالیا

### «موج پناهندگان آلبانی در ایتالیا» (اوت ۱۹۹۱)

همسایگی و روابط نزدیک سنتی میان دو دولت ایتالیا و آلبانی، ایتالیا را ملجا و پناهگاه امن آلبانیاییهایی کرده است که از فقر و ظلم حاکم بر میهنشان به جان آمده اند.

ایتالیا در ۱۹۹۰ قریب ۱۹۹۵ آلبانیایی را پذیرا گردید که از آن میان فقط ۶۹۰ نفر موفق به اخذ پناهندگی سیاسی شدند. دومین گروه مهاجران در اوایل اوت ۱۹۹۱ روانه ایتالیا شدند. اینان که بالغ بر ۲۴۰۰۰ نفر بودند با کشتی به زور در بندر باری (Bari) لنگر انداختند؛ اما از آن میان فقط ۷۰۰۰ نفر به طور موقت پذیرفته شدند و ۱۳۰۰۰ نفر دیگر را مقامات ایتالیایی تحت الحفظ با کشتیهای جنگی به مبدا حرکتشان بازگرداندند. ناگفته نماند که ایتالیا به رغم تمام مشکلاتی که داشت در حد توان خود و یا بیشتر از این حد به این بخت برگشتگان کمک کرده است. از این رو نمی توان این کشور را برای بازگرداندن تعدادی از این تیره بختان مورد سرزنش قرار داد.

ولی رفتار دیگر کشورهای اروپایی با این پناهندگان از هر جهت درخور انتقاد است تا حدی که می‌توان با روزنامه لوموند همصدا شد و رفتار اروپائیان را ننگی برای اروپا به شمار آورد. از مجموع ۲۰۰۰۰ نفر آلبانیایی که به کشورهای اروپایی پناهنده شده بودند، حدود ۱۷۴۶۷ نفر به زور به کشور خود بازگردانده شدند.

۲۷. کوبا

### «تعدیل مقررات مربوط به مهاجرت»

(۵ اوت ۱۹۹۱)

دولت کوبا در ۵ اوت ۱۹۹۱ کلیه محدودیتهای مربوط به مسافرت به خارج را برای تمام اشخاص بیشتر از ۲۰ سال به شرط اخذ ویزای ورودی از کشور محل عزیمت حذف کرد. براساس مقررات سابق، که در طول یک سال اخیر تا حدی تعدیل یافته و حداقل سن لازم برای مسافرت به خارج از کشور را برای زنان ۳۰ سال و برای مردان ۱۵ سال تعیین کرده بود. مقررات فعلی در مورد تمام اشخاصی که بهای بلیط آنها توسط والدینشان در خارج به ارز پرداخت گردد، یا توسط یک دولت یا یک سازمان دعوت شده باشند لازم الاجرا به شمار می‌آید.

۲۴-۲: «اطلاعات دقیق درباره میزان کمک

نظامی شوروی» (۹ اوت ۱۹۹۱)

خبرگزاری مستقل انترفاکس در ۹ اوت ۱۹۹۱ اعلام کرد که



میزان کمکهای نظامی و فنی شوروی به کوبا سالانه بالغ بر چهار میلیارد روبل (تقریباً ۲/۵ میلیارد دلار) می شده است. کل قروض کوبا به شوروی در ۱۹۸۹ به ۱۵/۵ میلیارد روبل (تقریباً ۹/۵ میلیارد دلار) رسیده بود. آقای والننتین پاولف نخست وزیر شوروی در ۲ اوت ۱۹۹۱ تقاضای جرج بوش رئیس جمهور آمریکا مبنی بر کاهش کمکهای نظامی شوروی را به این دلیل که «هیچ کس حق ندارد سیاست یک دولت حاکم را تعیین نماید» رد کرد.

#### ۲۸. موزامبیک

### «شکستی جدید در مذاکرات میان دولت و

### شورشیان رونامو» (۹ اوت ۱۹۹۱)

دولت موزامبیک و شورشیان مقاومت ملی موزامبیک (رونامو) در ۹ اوت ۱۹۹۱، هفتمین دور مذاکرات خود را بدون دست یابی به کوچکترین نتیجه ای برای پایان دادن به پانزده سال جنگ داخلی این کشور، خاتمه دادند.

#### ۲۹. چین و ویتنام

### «برقراری مجدد روابط سیاسی چین و ویتنام»

### (۱۰ اوت ۱۹۹۱)

چین و ویتنام روابط سیاسی خود را به حالت عادی درآوردند. از بیانیته ای که بعد از مذاکره میان زودو آزین و نگوین دی نون معاونین وزراء امور خارجه دو کشور در پکن منتشر گردید خاطر نشان شده است

که روابط سیاسی دو کشور از همین تاریخ مجدداً برقرار می‌شود. روابط سیاسی و کنسولی دو کشور در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ قطع شده بود.

### ۳۰. کلمبیا

#### «عفو چریکها (۱۳ اوت ۱۹۹۱)»

دو جنبش عمده چریکی کلمبیا در اول اوت ۱۹۹۱ به مبارزان خود دستور دادند که حملات نظامی خود را در کشور به حالت تعلیق درآورند.

در ۱۳ اوت ۱۹۹۱ دولت کلمبیا پیشنهاد نمود اگر چریکها خود شخصاً از مبارزه مسلحانه دست بردارند مورد عفو قرار می‌گیرند. این عفو شامل جنایات و جرایمی می‌گردید که قبل از ۵ ژوئیه، تاریخ انتشار قانون اساسی جدید واقع شده بود. عفو شامل شورش، بلوا و توطئه می‌گردید. ولی کشتار و آن سفاکیهایی که به مبارزه مرتبط نمی‌گردید مشمول عفو خارج نمی‌شد.

### ۳۱. آلمان

#### «افزایش مهاجران خارجی» (۱۳ اوت ۱۹۹۱)

میزان مهاجرت رسمی بیگانگان به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ بسیار زیاد بوده است. به استثنای نروژ و استرالیا، آلمان غربی براساس آمار رسمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در ۱۳ اوت ۱۹۹۱ بیشتر از سایر کشورهای عضو این سازمان مهاجر پذیر بوده است. صرفنظر از درخواستهای پناهندگی در ده سال اخیر، ورود سالانه مهاجران به بعضی از کشورهای

اروپایی سیر نزولی داشته است، که این کاهش در بلژیک ۷٪، در فرانسه ۱۰/۴٪- و در هلند ۳۴٪- بوده است. اما برخلاف این کشورها درصد مهاجرت به سایر کشورهای اروپایی هم چنان رو به افزایش بوده است که این افزایش در سوئیس ۱۴٪+، در نروژ ۱۸/۶٪+ و به خصوص در آلمان غربی ۲۴٪+ بوده است. وانگهی کشور اخیر در ۱۹۸۹ پذیرای ۶۴۹۵۰۰ خارجی دیگر بوده است. داوطلبان پناهندگی به آلمان شرقی سابق بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. این تعداد بالغ بر ۱۲۱۳۰۰ نفر بوده است؛ در حالی که تعداد داوطلبان پناهندگی در فرانسه به ۶۱۴۰۰ می رسیده است.

سوئد با تعداد ۳۰۰۰۰ پناهنده سوئد، سوئیس با ۲۴۴۲۵ نفر چهارمین و اتریش با ۲۱۹۰۰ نفر پنجمین مقام را به خود اختصاص داده اند.

افزایش تعداد مهاجرین در بعضی از کشورها بسیار زیاد بوده است؛ به طوریکه در ۱۹۹۰ در انگلستان تا ۱۹۵٪+، در فرانسه تا ۷۹٪+، در بلژیک تا ۵۸٪+، و در اتریش تا ۳۵/۵٪+ رشد داشته است. در همین سال آلمان تعداد ۲۰۰,۰۰۰ مهاجری را که تقاضای پناهندگی داشته اند پذیرا بوده است؛ در حالی که این تعداد در ۱۹۸۹ حدود ۱۲۰۰۰۰ بوده است.

در آلمان، در هشت ماهه اول سال ۱۹۹۱ (اول ژانویه تا ۳۱ اوت) حدود ۱۴۱۰۸۱ نفر تقاضای پناهندگی نمودند که این تعداد حدود ۱۷/۸٪ نسبت به هشت ماهه اول سال ۱۹۹۰ افزایش نشان می داد. فقط در ماه اوت ۱۹۹۱ تعداد درخواست کنندگان پناهندگی به ۲۸۲۷۲ نفر رسید که نسبت به ماه ژوئیه ۲۸٪ افزایش داشت.

در چنین وضعیتی، مسأله‌ای که وجود دارد این است که آیا بهتر نیست که برای جلوگیری از سوء استفاده و ورود افراد نامطلوب، پذیرش تقاضای داوطلبان پناهندگی را موقوف به شرایطی سخت نمود؟ برای مثال از آنجا که دولت فدرال آلمان بیش از پیش برای عهده دار شدن مخارج پناهندگی با مشکل مواجه شده است و برخی از شهرها مثل برمن تصمیم به این گرفته اند که برای پذیرش خارجی‌ان نصابی معین در نظر گیرند، در اوایل اوت ۱۹۹۱ آقای ولف گانگ شوبل وزیر کشور آلمان اعلام نموده است که با اصلاح ماده ۱۶ قانون فدرال (قانون اساسی) فقط قربانیان فشارهای سخت سیاسی می‌توانند از حق پناهندگی سیاسی بهره مند شوند.

### ۳۲. سریر مقدس

«مسافرت‌های پاپ ژان پل دوم به لهستان» (۱۳-۱۵)

اوت ۱۹۹۱) و به «مجارستان» (۱۶-۲۰ اوت ۱۹۹۱)

پاپ ژان پل دوم در اوت ۱۹۹۱، پنجاه و دومین و پنجاه و سومین مسافرت خود را به خارج انجام داد. وی برای پنجمین بار از ۱۳ تا ۱۵ اوت به لهستان مسافرت کرد و پس از توقف در شهرهای کراکووی و گزاستشووا راهی مجارستان گردید. در سفر اخیر که از ۱۶ تا ۲۰ اوت به طول انجامید، پاپ از شهرهای از ترگوم، بوداپست، دبروکزن، ماریاپوکز، پیس و اسزونگاتلی دیدن نمود. مجارستان با داشتن ۶۱٪ مؤمن کاتولیک، بعد از لهستان و چک و اسلواکی سومین کشور کاتولیک مذهب اروپای شرقی به شمار می‌آید.

### ۳۳. کلمبیا و ونزوئلا

#### «حادثه هوایی» (۱۴ اوت ۱۹۹۱)

در ۱۴ اوت ۱۹۹۱ دو هواپیمای شکاری ونزوئلا به علت بروز مشکل فنی، ۴ بمب خود را در رودخانه آرانکار که میان کلمبیا و ونزوئلا واقع شده است رها نمودند.

در این حادثه سه ونزوئلایی و یک کلمبیایی مجروح شدند. فرمانده نظامی ونزوئلایی از مقامات کلمبیایی عذرخواهی نمود. یک رادیو محلی با پخش این خبر که ونزوئلا یک حمله هوایی علیه کلمبیا انجام داده است، در مردم ایجاد وحشت نمود.

### ۳۴. ژاپن و شوروی

#### «حوادث هوایی» (۱۵ و ۱۶ اوت ۱۹۹۱)

دولت ژاپن در ۱۶ اوت ۱۹۹۱ به دولت شوروی که با دو هواپیمای نظامی به حریم هوایی آن کشور در شمال هوکایدو تجاوز کرده بود در ۱۵ اوت اعتراض نمود. در ۱۶ اوت ۱۹۹۱ یک هواپیمای دیگر شوروی به مدت ۵ دقیقه بر فراز خاک ژاپن پرواز نمود.

### ۳۵. هندوستان و رومانی

#### «سوء قصد به سفارت هندوستان در بخارست»

#### (۲۰ اوت ۱۹۹۱)

آقای خولیو- فرانسیس ریبریو و در ۲۰ اوت ۱۹۹۱، در حالی که همراه همسرش در بخارست مشغول تفریح بود هدف آتش چهار

تروریست سیک قرار گرفت و به شدت مجروح شد. یکی از مهاجران توسط گارد ضد تروریستی رومانی که، حفاظت سفیر را به عهده داشت، کشته و دو مین مهاجم زخمی و سومین مهاجم دستگیر و مهاجم چهارم موفق به فرار شد.

۳۶. بریتانیای کبیر و تایلند

«دستگیری یک مأمور سیاسی تایلند به اتهام قاچاق مواد

مخدر توسط مقامات بریتانیایی» (۲۴ اوت ۱۹۹۱)

مأموران گمرک بریتانیا در روز ۲۴ اوت ۱۹۹۱ یک دیپلمات تایلندی و چهار شخص دیگر را که حامل ۶۰ کیلو هروئین بودند در فرودگاه بین المللی هیترو، در نزدیکی لندن دستگیر نمودند. بدنبال این حادثه آقای پانگازاچون [M.A.Pangazachun]، نخست وزیر تایلند، اعتبارنامه این دیپلمات به نام پیسات پاماراپا را که ۴۳ سال داشت و به عنوان رایزن سفارت تایلند در لندن عازم انگلستان بود باطل نمود. متهم با یکی از هواپیماهای خطوط هوایی پاکستان از طریق اسلام آباد در ۲۴ اوت همراه سه تایلندی و یک پاکستانی وارد فرودگاه هیتروی لندن شده بود.

۳۷. فرانسه و لبنان

«پایان پناهندگی سیاسی ژنرال آعون»

(۲۹ اوت ۱۹۹۱)

بعد از توافق میان دولتهای فرانسه و لبنان و تصویب قانونی در

۲۶ اوت ۱۹۹۱ در پارلمان لبنان که متضمّن عفو ژنرال میشل آعون فرمانده سابق نیروهای مسلح لبنان می شد، وی در سپیده دم ۲۶ اوت سفارت فرانسه را در بیروت، که مدّت ۳۲۰ روز در آنجا بود، ترک کرد. ژنرال آعون لبنان را با یک زیردریایی ترک کرد و بعد از این که متعهد گردید که در فرانسه از فعالیت سیاسی خودداری خواهد نمود با هواپیما در ۳۰ اوت وارد این کشور شد.

۳۷/۱. فرانسه وزلاندنو

«ابراز شگفتی زلاندنواز تشویق فرماندهان فرانسوی»

### Rainbow Warrior

دولت زلاندنو شگفتی و عدم رضایت خود را با شنیدن خبر اعطای نشان لژیون دونور به کلنل لکر رئیس سابق سازمان اطلاعات و امنیت خارجی فرانسه در خلال قضیه رن بوواریور و هم چنین اعطای نشان شایستگی به ستوان- کلنل مافار که نقش ساختگی کلنل لکر را در همان قضیه به عهده داشت ابراز نمود.

قضیه رن بوواریور از این قرار بود که یک کشتی به نام رن بوواریور متعلق به سازمان صلح سبز که طرفدار محیط زیست هستند در حالی که در بندر آکلاند در زلاندنو لنگر انداخته بود، به دست دو افسر فوق که مأمور سازمان اطلاعات و امنیت خارجی فرانسه بودند منفجر شد و در خلال این سوء قصد یک خبرنگار پرتغالی نیز کشته شد. این نکته را ناگفته نگذاریم که سازمان صلح سبز همواره مخالف آزمایشهای اتمی فرانسه در منطقه پاسفیک جنوبی به خصوص در اطراف جزیره فرانسوی میراروا بوده است.

۳۸. سویس

### «آمار داوطلبان پناهندگی» (۳۱ اوت ۱۹۹۱)

دفتر فدرال و پناهندگان سویس در اوت ۱۹۹۱ تعداد ۳۲۰۰ تقاضای پناهندگی را ثبت کرده است؛ در حالی که در اوت ۱۹۹۰ شمار این تقاضاها به ۴۰۱۹ می‌رسید. به نظر می‌رسد این ارقام نشان از تحوّلی دارد که منبعت از بحران یوگسلاوی است. یوگسلاوی به علت بحرانهای داخلی سدّ راه پناهندگان ترک، رومانیایی و بلغاری شده است.

از اوّل ژانویه تا ۳۱ اوت ۱۹۹۱ حدود ۲۸۵۳۰ تقاضای پناهندگی به ثبت رسیده که ۴۳٪ بیشتر از ۱۹۹۰ است. ۲۶٪ از تقاضاها به اتباع یوگسلاوی (۷۴۸۳ نفر)، ۲۲٪ به اتباع سری لانکا، ۱۲٪ به اتباع ترکیه و ۵/۶٪ به اتباع رومانی تعلق داشته است.

۳۹. دولتهای بالتیک (استونی، لتونی، لیتوانی)

### «شناسایی استقلال دولتهای بالتیک توسط ایالات

### متّحده آمریکا و سازمانهای بین المللی»

(اوت - سپتامبر ۱۹۹۱)

بعد از مجادلات طولانی در مورد استقرار مجدد وضعیت حقوقی دولتهای بالتیک، سرانجام در تابستان ۱۹۹۱ چنین تصمیم گرفته شد که استقلال آنها بطور رسمی شناسایی شود و خسارات ناشی از تجاوزاتی که شوروی از ۱۹۴۰ به حقوقی بین الملل نموده است تعیین و اعلام گردد. اطلاعات آماری درباره این کشورها به شرح زیر است:



- استونی با مساحتی برابر ۴۵۰۰۰ کیلومتر مربع و [پایتخت این کشور تالین نام دارد] حدود ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد که ۶۰٪ آنها استونیایی می باشند.

- لتونی، مساحتی برابر ۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع [پایتخت این کشور ریگا نام دارد] و حدود ۳,۷۰۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد که ۸۰٪ آنها لیتونیایی و ۲۰٪ آنها روس می باشند.

- استقلال این سه جمهوری با اعلامیه هایی تحقق یافت که توسط پارلمان لتونی در ۱۹ اوت ۱۹۹۱ با ۱۰۹ رأی موافق از ۲۰۱ رأی و پارلمان استونی در ۲۰ اوت ۱۹۹۱ با ۶۹ رأی موافق از ۱۰۵ رأی و بدون رأی مخالف به تصویب رسید.

در همین جهت پارلمان لیتوانی نیز در ۱۱ مارس ۱۹۹۰ با ۲۹ رأی موافق در مقابل ۳۵ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع نظر خود را اعلام کرده بود که در این مورد لازم نمود که در پارلمان مجدداً رأی گیری شود و نظر قبلی تأیید گردد.

در همان اوقات ایرلند، دانمارک، نروژ و آرژانتین استقلال این سه جمهوری را به رسمیت شناختند، سپس کشورهای روسیه در ۲۷ اوت، دولتهای عضو جامعه اروپا در ۲۷ اوت (از جمله فرانسه، انگلستان و ایتالیا)، آلمان و سویس در ۲۸ اوت، آمریکا در ۲ سپتامبر (بیانیه پرزیدنت بوش)، مجارستان در ۲ سپتامبر، اتحاد جماهیر شوروی در ۶ سپتامبر (این تصمیم توسط شورای دولتی، که رکن جدید اتحاد شوروی است و در ۵ سپتامبر در مسکو ایجاد شده است، اتخاذ گردید)، چین، ژاپن، کره شمالی، افغانستان، پاکستان، ویتنام در ۷ سپتامبر و سایر کشورها استقلال این جمهوریهها را به رسمیت شناختند.

سرانجام، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱ با خوشنودی هر چه تمامتر به عضویت استونی، لتونی و لیتوانی در این سازمان رأی دادند و ورود آنان را تهنیت گفتند.

در پی استقلال این کشورها شخصیت‌های بین‌المللی مختلف وارد پایتخت این سه جمهوری شدند؛ چنانکه وزیر امور خارجه فرانسه روزهای ۲۹ و ۳۰ اوت را در این کشورها به سر برد. بسیاری از کشورها با این سه جمهوری رابطه سیاسی برقرار نمودند، از جمله فرانسه با فرمانهای ۱۲، ۲۶ سپتامبر و ۹ اکتبر ۱۹۹۱ سه سفیر در این سه کشور منصوب نمود. ژاک دولافزیر رئیس بانک مرکزی فرانسه به همتای لیتونیایی خود آقای وی با لادینیس یک قطعه طلا به عنوان نشانی از ۲۲۴۶ تن طلای آن کشور که در سالهای ۳۰ به فرانسه سپرده شده بود تقدیم نمود.

۳۰. مجارستان و شوروی (۸ سپتامبر ۱۹۹۱)

«حل و فصل مشکلات مالی ناشی از اشغال خاک

مجارستان به دست سربازان شوروی»

روابط مجارستان و شوروی در تمام زمینه‌ها بهبود نیافته است. دولت شوروی هم‌چنان درخواست مجارستان مبنی بر پرداخت غرامت برای چهل سال اشغال نظامی این کشور را رد می‌کند. کم‌اهمیت‌ترین و درعین حال نمادین‌ترین این اختلافات به مقرر مرکزی کومکون (سازمان همکاریهای مشترک اقتصادی) در مسکو مربوط می‌گردد.

شوروی تمایل زیاد دارد که این مقرر را با روبل آن هم بر مبنای قیمتهایی که در مسکو اعتبار دارد خریداری نماید، ولی اعضای سابق

این سازمان اقتصادی منحل شده پیشنهاد شوروی را رد کرده و میل دارند که سهم عادلانه هر یک از آنها از این ساختمان تعیین و سپس به دلار پرداخت گردد.

دومین مشکل دو کشور برادر سابق حل و فصل اختلاف مربوط به قروض شوروی به مجارستان است. شوروی در این مورد پیشنهاد کرده است که قسمت اعظم این قروض را با دادن کالا پرداخت نماید و درخواست دارد که این کار قبل از ۱۹۹۲ انجام نشود؛ در حالی که مجارستان با این مهلت موافقت نکرده، خواهان پرداخت فوری این قروض می باشد. از طرف دیگر، شوروی مدعی غرامت ناشی از وسائل و تأسیساتی است (سربازخانه ها و تأسیسات مختلف) که در خاک مجارستان به جا گذاشته است؛ ولی مجارستان اعلام کرده که این وسائل و تأسیسات هیچ نفعی برای آن کشور ندارد و برعکس مدعی پرداخت غرامت از طرف شوروی بابت خساراتی است که شوروی به محیط زیست این کشور در اثر نیم قرن اشغال نظامی مجارستان به بار آورده است.

## ۴۱. شیلی و فرانسه

### «اعتراض شیلی برضد فرانسه در پی انتشار

### یک تمبر پستی فرانسه» (مه سپتامبر ۱۹۹۱)

آقای انریک سیلیاسیما وزیر امور خارجه شیلی در ۲ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که اختلاف میان شیلی و فرانسه از میان رفته است. این اختلاف از این واقعه سرچشمه می گرفت که فرانسه یک تمبر پستی انتشار داده بود که در آن، جزیره پاک (متعلق به شیلی) در داخل

پلی تزی (Polynésie) فرانسه قرار داده شده بود. دانیل لوکر سفیر فرانسه در سانتیاگو به آقای سیما اطمینان داده که تمبر مذکور از فروش خارج شده است.

#### ۴۲. مغولستان

##### «کنفرانس توکیو» (۵-۶ سپتامبر ۱۹۹۱)

یک کنفرانس جهت کمک مالی به مغولستان در روزهای ۵ و ۶ سپتامبر ۱۹۹۱ در شهر توکیو با شرکت آلمان، استرالیا، ایالات متحد آمریکا، بانک آسیایی توسعه، جامعه اقتصادی اروپا، صندوق بین المللی پول، فرانسه و کره جنوبی تشکیل گردید. در این اجلاس، ژاپن پذیرفت که اعتباری به مبلغ ۱۵۵ میلیون دلار در اختیار مغولستان قرار دهد.

#### ۴۳. اسرائیل و شوروی

##### «آمار مهاجران یهودی شوروی به اسرائیل»

##### (۸ سپتامبر ۱۹۹۱)

حدود ۹۸۰۰ یهودی شوروی در سپتامبر ۱۹۹۱ به اسرائیل مهاجرت نمودند که با این رقم، تعداد کل مهاجرین در نه ماه اول سال ۱۹۹۱ به ۱۶۰۰۰ نفر رسید. در ۱۹۹۰، تعداد کل یهودیان شوروی که موفق به مهاجرت به اسرائیل شده بودند حدود ۱۶۵۰۰۰ نفر بود. در ۸ سپتامبر ۱۹۹۱ جمعیت مردم اسرائیل به مرز ۵ میلیون نفر رسید که از آن میان ۴,۱۰۰,۰۰۰ نفر یهودی، ۴۹۵,۰۰۰ نفر مسلمان،

۱۲۰,۰۰۰ مسیحی و ۸۵,۰۰۰ دروزی بوده‌اند.

## ۲۲. بلیز (BELIZE) و گواتمالا

### «برقراری روابط سیاسی میان دو کشور»

(۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱)

اختلاف میان انگلستان و گواتمالا بر سر بلیز بیش از یک قرن طول کشید. این اختلاف از زمانی آغاز شد که دولت انگلیس سرزمینی به مساحت ۲۳۰۰۰ کیلومتر مربع در شمال غرب گواتمالا را اشغال و سپس ضمیمه امپراطوری خود نمود. این سرزمین که قبلاً هندوراس بریتانیا نامیده می‌شد اخیراً به سرزمین بلیز تغییر نام داده است. شروع این اختلاف به سال ۱۸۵۹ باز می‌گردد. در این سال دولت انگلستان با معاهده ۳۰ آوریل ۱۸۵۹، سلطه خود را بر این سرزمین اعمال نمود.

به اعتقاد انگلستان این معاهده، معاهده‌ای ساده بوده که برای تعیین حدود دو سرزمین که از لحاظ حاکمیت وضعیت روشنی داشته، انعقاد یافته است. در حالی که گواتمالا این معاهده را هم چون معاهده واگذاری سرزمینی به شمار آورده که در صورت تغییر شرایط اساسی آن قابل فسخ است.

انگلستان با تسلیم در مقابل حرکت استعمارزدایی، و در پایان مذاکرات خود با نمایندگان سرزمین بلیز، استقلال آن سرزمین را در ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۱ به رسمیت شناخت. بلیز سرانجام در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ به عضویت سازمان ملل پذیرفته شد. با این حال گواتمالا استقلال دولت بلیز را به رسمیت نشناخت. البته این موضع نمی‌تواند

به هیچ روی در استقلال آن کشور تأثیری داشته باشد.  
اما گواتمالا پس از مدتی مجبور شد که انعطافی در موضع خود  
ایجاد نماید. آقای ژرژ سِرانو رئیس جمهور گواتمالا در اطلاعیه ۱۴  
اوت ۱۹۹۱ رسماً حق خودمختاری همسایه خود را به رسمیت شناخت.  
یک ماه بعد و در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱ روابط سیاسی عادی خود را با آن  
برقرار نمود. آلبر و آزر و وزیر امور خارجه گواتمالا به دنبال این تصمیم،  
استعفای خود را در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱ تسلیم سِرانو رئیس جمهور این  
کشور نمود.

#### ۴۵. آنگولا

«کناره گیری موقتی یونیتا از کمیسیون نظارت بر

آتش بس» (۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱)

یونیتا در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱ کناره گیری خود از کمیسیون  
مسئول نظارت بر موافقتنامه آتش بس که میان شورشیان و دولت آنگولا  
در ۳۱ مه ۱۹۹۰ انعقاد یافته بود اعلام نمود؛ البته این کناره گیری فقط  
اعتراضی ساده تلقی شد و از اینرو خدشه ای به موافقتنامه صلح که به  
۱۶ سال جنگ داخلی در مستعمره سابق پرتغال خاتمه می داد وارد  
نساخت. یونیتا اظهار امیدواری کرده که اگر کمیسیون به هفت شرطی  
که این سازمان به آن کمیسیون پیشنهاد کرده عمل نماید مجدداً به  
کمیسیون بازخواهد گشت.

۴۶. ایالات متّحد آمریکا و کشورهای جهان سوّم  
«بخشش قروض برخی کشورهای جهان سوّم به آمریکا»

(۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱)

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱، دولت آمریکا تصمیم گرفت که بخشی از دهی هشت کشور آفریقایی را که معادل ۴۱۹ میلیون دلاری شود ببخشد. این هشت کشور عبارتند از: کامرون، کنیا، غنا، ماداگاسکار، مالاوی، سنگال، تانزانیا و اوگاندا.

۴۷. آلبانی

«تیرانا از انزوای سیاسی خارج شد»

(۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱)

آلبانی بی آنکه فشار حاصل از نیم قرن دیکتاتوری را از یاد برده باشد، آرام آرام با جامعه بین المللی مأنوس می گردد. این کشور در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱ در پاریس منشور کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را امضا نمود و به این ترتیب به پانزده سال تحریم این کنفرانس پایان داد. وانگهی کنفرانس بروکسل (۱۷-۱۸ سپتامبر ۱۹۹۱) به پیشنهاد و اصرار دولت ایتالیا کمکهای بشردوستانه خود را به این کشور سرازیر نمود. علاوه بر این ایتالیا ۲۰۸ میلیارد لیر (۱۶۳ میلیون دلار) به آلبانی کمک اضطراری کرده است.

آلبانی نیز به نوبه خود با اسرائیل در ۱۹ اوت ۱۹۹۱ و با کره جنوبی در ۲۲ اوت ۱۹۹۱ روابط سیاسی برقرار کرده است و هم چنین روابط دیپلماتیک خود را با واتیکان که از ۱۹۴۶ قطع شده بود مجدداً

برقرار کرده است.

#### ۴۸. آلمان و اتریش (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱)

«ردّ درخواست پناهندگی سیاسی آقای مارکوس ولف  
[Markus Wolf] رئیس سابق سازمان جاسوسی  
آلمان شرقی توسط اتریش و بازداشت و تحویل  
نامبرده به مقامات آلمان» (۲۴ سپتامبر ۱۹۹۱)

مارکوس ولف، ۶۸ ساله، رئیس سابق استاسی (سازمان  
جاسوسی آلمان شرقی) از ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۷، در ۳۰ اوت ۱۹۹۱ از  
مسکو وارد اتریش شد و از مقامات اتریش درخواست پناهندگی نمود؛  
اما این تقاضا مورد قبول واقع نشد و به همین سبب وی خود را در ۱۷  
سپتامبر ۱۹۹۱ به پلیس اتریش تسلیم کرد. اتریش وی را در ناحیه  
مرزی گمو در آلپ به مقامات آلمانی تحویل داد و آلمانیها وی را در  
۲۴ سپتامبر در کارلسروهه زندانی کردند.

آلمان مارکوس ولف را دشمن شماره یک نامیده است: وی  
قهرمان داستان «جاسوسی که از سرما می آمد» نوشته جان لوکار،  
نویسنده انگلیسی است.

کنوانسیون ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ ژنو در مورد پناهندگی، در ماده  
یک (بند الف) مقرر نموده که دولتها باید درخواست پناهندگی افراد  
محکوم به جنایات جنگی، به جنایات بر ضد صلح و بشریت و به رفتار  
خلاف اهداف و اصول ملل متحد را رد نمایند.

1. John Le Carre: L'espion qui venait du froid.



## ۴۹. ایتالیا و تونس

### «عدم موفقیت تروریستها در ربودن هواپیمای

ایتالیا» (۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱)

دو هواپیمارهای تونسی در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ تلاش کردند که هواپیمای دی-سی ۹ شرکت هواپیمایی آیتالیا را که میان تونس و رم پرواز می کرد برفراز شهر تونس بربایند. هواپیما، که حامل ۱۳۰ مسافر و ۷ خدمه بود، بعد از امتناع الجزایر از پذیرش آن به سهولت طبق پیش بینی قبلی در تونس بر زمین نشست.

دو هواپیمار با بی آنکه مقاومت کنند خود را تسلیم کردند. تا این تاریخ آخرین هواپیمایی که از ایتالیا ربوده شده هواپیمایی بوده است که در ۱۹۸۲ دچار حادثه شده بود.

## ۵۰. فرانسه و لیبی

### «اتهام به لیبی در مورد انفجار یک فروند هواپیمای

فرانسوی در حال پرواز متعلق به کمپانی»

(۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱)

فرانسه بطور رسمی از لیبی درخواست نمود که برای تسریع در کار تحقیقات بین المللی در مورد سوء قصد ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۹ به یک هواپیمای متعلق به کمپانی UTA که منجر به کشته شدن ۱۷۰ نفر برفراز خاک آفریقای مرکزی شد با دولت فرانسه همکاری نماید. بازپرس پرونده در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ علیه دو تبعه لیبیایی که ارتباط نزدیکی با سرهنگ قذافی دارند حکمی صادر نموده است.

## ۵۱. کانادا

### «کاهش نیروهای کانادایی مستقر در آلمان»

(۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱)

کانادا در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ دو پایگاه نظامی خود را در جنوب غربی آلمان در لاهروبادن - سولین فن برچید و تعداد افراد نظامی خود را از ۶۶۰۰ نفر به ۱۱۰۰ تقلیل داد. ایالات متّحد آمریکا هنوز ۳۲۵,۰۰۰ سرباز در آلمان دارد که این رقم در آینده نزدیک به ۱۵۰,۰۰۰ تقلیل خواهد یافت.

## ۵۲. ارمنستان

### «وضعیت فعلی این کشور» (۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱)

وزیر جدید امور خارجه ارمنستان، کشوری که با همه پرسی ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱ به استقلال دست یافته است، یک شهروند، ۳۱ ساله آمریکایی است که فقط حدود یک سال و نیم در ایروان اقامت داشته است.

آقای رافی هوانسیان، که پدرش استاد تاریخ دانشگاه لوس آنجلس است، اولین دور سفر اروپایی خود را در این مقام در اوایل دسامبر ۱۹۹۱ به بن، میلان، پاریس و بروکسل انجام داده است. قرار بوده است که وی در ۲۳ فوریه ۱۹۴۲ از سویس دیدار نماید. لیتوانی اولین کشوری است که در پایان نوامبر ۱۹۹۱ با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار نموده است.

جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، آقای لون تریپروسیان

(Leven Ter Petrossian) رئیس جمهور ارمنستان را در ۱۴ نوامبر ۱۹۹۱ در کاخ سفید به حضور پذیرفت و اعلام نمود که ایالات متحد آمریکا می‌خواهد روابط مستحکمی با ارمنستان داشته باشد و به همین منظور کنسولگری خود را در ۱۹۹۲ در ایروان می‌گشاید. با این وصف او به درخواست یکصد تن از نمایندگان کنگره آمریکا که خواستار شناسایی فوری دولت ارمنستان بودند توجهی ننمود. جامعه ارمنی آمریکایی بیش از ۵۰۰,۰۰۰ نفر عضو دارد؛ با این همه در حال حاضر یک هیأت ارمنی که مأمور شرکت در کارهای سازمان ملل متحد است در نیویورک وجود دارد. ارمنستان تلاش می‌کند که با کشورهای همجوار خود خصوصاً روسیه فدراتیو و سایر جمهوریهای شوروی سابق از جمله آذربایجان روابط حسنه‌ای داشته باشد. این کشور همچنین با ایران و حتی با ترکیه، که اختلافات تاریخی بسیار با آن دارد، روابطی برقرار نموده است. در اروپای غربی، ارمنستان با فرانسه، بلژیک (به عنوان مقرر کمیسیون اروپا) و سویس رابطه ایجاد کرده است. آقای ژان زیگلر، نماینده مجلس ملی سویس درخواستی برای برپا کردن کنسولگری سویس در ایروان تسلیم مقامات ارمنی نموده است.

۵۳. ایالات متّحد آمریکا و اتّحاد جماهیر شوروی

۱-۲۸: «مقرّرات یک جانبه ایالات متّحد آمریکا»

(۲۱ سپتامبر ۱۹۹۱) «شوروی» (۵ اکتبر ۱۹۹۱)

و «کشورهای عضو ناتو» (۱۷ اکتبر ۱۹۹۱)

در باره کاهش سلاحهای هسته ای تاکتیکی»

پرزیدنت بوش در نطق تاریخی خود برای ملت آمریکا درباره کاهش سلاحهای هسته ای تاکتیکی به تصمیماتی در این مورد اشاره کرد و از اتّحاد شوروی خواست تا در این مورد تصمیماتی جسورانه اتّخاذ نماید. ایالات متّحد آمریکا بطور یک جانبه تصمیم گرفت که سلاحهای با برد کوتاه مستقر در خشکی و دریا را از رده سلاحهای هسته ای خود خارج نماید و به اتّحاد شوروی نیز پیشنهاد نمود تا تمام موشکهای بالیستیک مجهز به کلاهکهای اتمی خود را از میان ببرد. آقای گورباچف در ۱۵ اکتبر در پاسخ به این دعوت اعلام نمود که بر اساس یک سلسه تصمیماتی که در مورد کاهش نیروهای شوروی اتّخاذ گردیده است سلاحهای هسته ای تاکتیکی کاهش خواهد یافت، و یک هزار کلاهک هسته ای اضافی نسبت به برنامه استارت از میان برداشته خواهد شد.

نتیجه مستقیم برنامه آمریکا آن خواهد بود که برای اولین بار بعد از ۳۴ سال بمب افکن های استراتژیک نیروی هوایی آمریکا دیگر در حالت آماده باش دائمی نخواهند بود. بمب افکنهای ب-۵۲ از ۱۹۵۷ همواره برقرار خاک ایالات متّحده صورت آماده باش بسر می بردند تا مبادا مورد تهاجم قرار گیرند. این پروازهای دائمی در سال ۱۹۶۸ جای

نیروی آماده باش مستقر در زمین را گرفته بود که در صورت بروز خطر هر لحظه آماده پرواز به محل عملیات بود.

بالاخره، وزیرای دفاع کشورهای عضو ناتو در اجلاس ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱ در تااورمینا (سیسیل) تصمیم گرفتند که ۸۰٪ ذخایر سلاحهای هسته ای مستقر در اروپا را کاهش دهند.

این کاهش جدید باید در عرض دو تا سه سال انجام شود و این مهمترین تصمیمی است که تا به حال در این مورد اتخاذ شده است.

فرانسه در این گردهمایی شرکت نکرد؛ زیرا از ۱۹۶۸ دیگر بطور کامل در ساختار نظامی ناتو حضور نداشته است، و بنابراین سلاحهای اتمی این کشور مشمول تصمیمات ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱ ناتو نمی شود.

## ۵۲. ژاپن و فیلیپین

### «لنگر انداختن یک کشتی جنگی ژاپنی در خلیج

سوییک» (۲۱ اکتبر ۱۹۹۱)

مین روب ژاپنی به نام هایاس، در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱ هنگام بازگشت از خلیج فارس بطرف بندر اصلی خود در ژاپن، در خلیج سوییک توقف نمود. از ۱۹۴۵ این اولین مأموریت نظامی ژاپن در خارج از آن کشور به شمار می آمد.

دولت خانم آکینو در ۱۱ اکتبر ۱۹۹۱، یک کمیسیون کارشناسی به ریاست آقای فرانکلین دیلون ایجاد نمود. این کمیسیون مأمور مطالعه موافقتنامه ای با مقامات سیاسی و نظامی آمریکا بود که متضمن مقرراتی

در مورد تخلیه پایگاههای نظامی آمریکا در فیلیپین می‌گردید.

۵۵. آلمان: جانشینی دولتها

«آیینهای مربوط به انتقال بدهیهای آلمان شرقی

به آلمان متحد» (۲۴ سپتامبر ۱۹۹۱)

بر اساس تخمین بانک ال بی آلمان غربی، کل بدهی آلمان شرقی سابق معادل تقریباً ۲۲۰ میلیارد مارک برابر ۱۳۰ میلیارد دلار است.

این رقم شامل قروض آلمان شرقی سابق و همچنین قروض شرکتهایی است که سابقاً در قلمرو «مالکیت خلق» قرار داشتند. بدهی این شرکتها به تنهایی ۱۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. آلمان متحد تعهدات آلمان شرقی سابق را به عهده گرفته است که این خود بودجه آلمان را دچار مشکل زیاد خواهد نمود؛ زیرا قبل از آن نیز قرار شده بود که آلمان متحد از بودجه خود، آلمان شرقی سابق را بازسازی کند.

قروض آلمان شرقی میان دولت فدرال و شرکت تروهند اشتالت که واسطه و عامل ملی کردن شرکتهای آلمان شرقی است توزیع شده است. در نتیجه در خلال ۵ سال (۱۹۹۰-۱۹۹۵)، قروض فدرال باید قاعدتاً به دو برابر افزایش یابد. بدین ترتیب قروض آلمان فدرال از ۳۴/۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ به ۵۹/۸ میلیارد دلار در ۱۹۹۵ افزایش خواهد یافت.

۵-۳. آلمان

مرگ کلاوز باربی [Klaus Barbie]

(۲۴ سپتامبر ۱۹۹۱)

کلاوز باربی، رئیس سابق گشتاپو [Gestapo] در شهر لیون که زمان اشغال فرانسه بدست نیروهای نازی، ژان مولن (یکی از مبارزان فرانسوی) را شکنجه و آزار داده و افراد بی گناه را به جوخه مرگ سپرده بود، در سن ۷۷ سالگی به علت ابتلاء به سرطان خون در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ در بیمارستان زندان ژول کورمون در شهر لیون (فرانسه) درگذشت. وی در ۴ ژوئیه ۱۹۸۷ به اتهام جنایت ضد بشری که مرتکب شده بود محاکمه و به حکم دادگاه جنایی استان رون به حبس ابد محکوم گردیده بود.

۵۶. زئیر

«اوضاع بحرانی: دخالت نظامی فرانسه - بلژیک»

(۲۴ سپتامبر تا ۳۱ اکتبر ۱۹۹۱)

دولتهای آفریقایی فرانسوی زبان مانند بنین، توگو، مالی، نیجر، گابن، زئیر... یکی پس از دیگری اجلاسهای ملی خود را که از لحاظ مضامین مورد بحث تنوع بسیار داشت برگزار کردند. ولی همه این اجلاسها در واقع مبین اراده خلقهای این کشورها برای جانشین نمودن حکومت قانون (دموکراسی) به جای دیکتاتورهای نظامی یا غیر نظامی بوده است. فرانسه و بلژیک در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۱ حدود ۱۰۰۰ نفر نظامی (۳۰۰ چتر باز فرانسوی و ۷۵۰ نفر نظامی بلژیکی) را برای مدت

یک ماه به زئیر اعزام نمودند. هدف از این کار حفظ جان اتباع غربی (۳۵۰۰ فرانسوی و ۳۰۰۰ بلژیکی) در پی شورشهای ارتشیان زئیر بود که به علت دریافت نکردن دستمزد به شورش دست زده بودند. شورشها که در ۲۳ سپتامبر در کینشازا پایتخت زئیر آغاز شده بود از فردای آن روز به سایر شهرها، به خصوص به کولوزی<sup>۱</sup> و لایومباشی<sup>۲</sup> در جنوب گسترش یافت.

بیست و شش سال استبداد و ارتشای ناشی از زمامداری مارشال موبوتو، که بدون طی مدارج شغلی و به یکباره از درجه گروهبانی به ژنرالی ارتقا یافته، این چنین به هرج و مرج منتهی شده است. دولت در دام اعمال خلاف افتاده و تورم به مرز ۳۰۰٪ در سال رسیده و قروض خارجی کشور به حدود ۱۰ میلیارد دلار بالغ گشته است.

مارشال موبوتو، رئیس کشور زئیر، که در ۵ دسامبر ۱۹۹۱ چهارمین دوره ریاست جمهوری خود را آغاز نموده است، از اقتدار ضعیفی برخوردار است که آنهم مورد اعتراض می باشد. تنها سرنگونی وی ممکن است به نجات کشور، که توسط نامبرده ویران و خوار شده است بیانجامد.

## ۵۷. السالوادر

### «جنگ داخلی» (۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱)

اوضاع و احوال سیاسی در السالوادر بسیار بغرنج می نماید، زیرا جنگ داخلی در این کشور از یازده سال پیش همچنان ادامه داشته و منجر به مرگ تقریباً ۷۵۰۰۰ نفر شده است که ۳۸۰۰۰ نفر از این

2. Kolwezi  
3. Labumbashi



تعداد فقط از اول ژانویه ۱۹۸۱ به هلاکت رسیده اند.

این تراژدی با قتل کشیش اسکار رومیر و در شهر سان سالوادور در ۲۴ مارس ۱۹۸۰ و نبردهای پراکنده میان دولت دموکرات مسیحی ناپاوان و دواآرته رئیس جمهور و آلوارو و آفره و کریستیانو از جبهه آزادیبخش فاراباند و مارتی آغاز گردید.

از اولین موافقتنامه صلح که در ۱۴-۱۳ سپتامبر ۱۹۸۹ که در مکزیکو انعقاد یافت ثمری عاید نشد؛ اما در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۱ موافقتنامه ای تحت نظر سازمان ملل متحد در نیویورک انعقاد یافت. این موافقتنامه متضمن مقرراتی در مورد کاهش و تصفیه نیروهای مسلح، ایجاد یک پلیس ملی غیرنظامی و یک کمیسیون ملی صلح است. کمیسیون ملی مسؤول تطارت بر اجرای صلح است.

۵۸. شوروی و ویتنام

«صدور اعلامیه ای در مورد حفظ پایگاه کام رانه»

(۲۶ سپتامبر ۱۹۹۱)

در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۱، آقای ویتالی کوتچوک سفیر شوروی در مانیل اعلام کرد که حتی اگر آمریکا پایگاههای خود را در فیلیپین رها نماید، کشور متبوعش پایگاه کام رانه را در ویتنام حفظ خواهد کرد. این دیپلمات افزود که چهار کشتی شوروی از جمله دو مین روب در کام رانه حضور دارند، و کاربرد این پایگاه، براساس موافقتنامه دوجانبه میان دو کشور، برای حفظ امنیت آن راه طولانی که از دریای سیاه تا ولادی وستک ادامه دارد لازم می نماید.

## ۵۹. فرانسه و ترکیه

### «تظاهرات طرفداران کرد در مقابل سفارتخانه و

### کنسولگری ترکیه در پاریس (۲۶ سپتامبر ۱۹۹۱)

حدود ۲۰۰ تن از اعضای کمیته کردستان، در ۲۶ دسامبر ۱۹۹۱ برای اعتراض به کشتار کردها در ترکیه در مقابل کنسولگری این کشور در پاریس تظاهرات نمودند. پلیس پاریس ۵۰ نفر از آنها را که قصد ورود به داخل کنسولگری را داشتند مورد بازجویی قرارداد و هویتشان را بررسی نمود. حین دخالت نیروهای انتظامی ۴ نفر از تظاهرکنندگان مجروح شدند. در همین هنگام گروه دیگری از کردها در مقابل سفارتخانه ترکیه در پاریس تظاهراتی خشونت‌آمیز کردند و در نتیجه تعدادی از شیشه‌های آن را با سنگ شکستند. این تظاهرات در حالی برگزار شد که روز قبل از آن استقلال طلبان کرد به یک فروشگاه بزرگ در حومه استانبول حمله کرده بودند که در آن هنگامه یازده نفر جان خود را از دست دادند.

## ۶۰. کره جنوبی و آمریکا

### «نظام جدید مالی برای استقرار نیروهای

### آمریکایی در کره» (۲۷ سپتامبر ۱۹۹۱)

یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۱ خاطر نشان کرد که کره جنوبی پرداخت مبلغ ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون دلار هزینه سالانه نگهداری نیروهای آمریکایی در آن کشور را متقبل شده است؛ که این مبلغ نهایتاً در ۱۹۹۵ به ۲۸۰ میلیون خواهد رسید.

۶۱. برونتی و چین

### «اعلامیه برقراری روابط دیپلماتیک»

(۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱)

وزرای امور خارجه جمهوری خلق چین و سلطان نشین برونتی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلامیه ای در مورد برقراری روابط دیپلماتیک میان یکدیگر صادر نمودند. کشور برونتی که در ساحل شمال غربی برونتو (با ۳۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۹۱۷۰۰ نفر جمعیت، براساس سرشماری ۱۹۸۱) واقع شده است آخرین عضو از شش عضو جامعه ملل آسیای جنوب شرقی (آسه آن) است که روابط خود را با پکن به حالت عادی درآورده است.

۶۲. هائیتی

### «کودتای نظامی» (۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱)

مردم هائیتی برای نخستین بار، در تاریخ خود موفق شدند که در ۱۶ دسامبر با انتخاباتی آزاد و اکثریت ۶۷٪ رأی دهندگان آقای ژان - برتاران آرستیدرا به ریاست جمهوری انتخاب نمایند. وی که کشیشی کاتولیک مذهب است، ۳۸ سال سن دارد و از ۷ فوریه ۱۹۹۱، که مصادف با پنجمین سالگرد سقوط رژیم دیکتاتوری خاندان دو والیه است، کار خود را آغاز نموده است. با این حال کودتایی به فرماندهی ژنرال رااول سدراس (Raoul Cedras) در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ رئیس جمهور منتخب را سرنگون کرد، در نتیجه وی مجبور شد به ونزوئلا پناهنده گردد. شورای نظامی حاکم به صورتی جدی از طرف بسیاری از کشورها از

جمله ایالات متّحد آمریکا، آلمان، بریتانیای کبیر، ژاپن، فرانسه، کانادا و غیره و هم چنین برخی سازمانهای بین المللی مانند یونسکو محکوم شده است. به نظر می رسد ایالات متّحد آمریکا تصمیم گرفته است حداکثر فشار را به رژیم جدید برای استقرار مجدّد دموکراسی وارد آورد. این کشور دارائیهای هائیتی را در ۴ اکتبر مسدود نمود. از طرفی مجمع عمومی سازمان ملل متّحد در ۱۱ اکتبر اعلام نمود که خواهان بازگشت پدر آریستید به قدرت است.

کودتاچیان، در ۷ اکتبر آقای ژوزف نترت، قاضی دیوان عالی کشور را همچون رئیس جمهور موقت اعلام نمودند. به همین سبب ایالات متّحد آمریکا در ۳۰ اکتبر با به تعلیق درآوردن تقریباً تمام روابط اقتصادی خود با هائیتی این کشور را از این نظر تحریم کرد. یک هیأت نمایندگی نیز از طرف سازمان کشورهای آمریکایی عازم این کشور شد و سعی نمود که با رژیم جدید نظامی هائیتی ارتباط برقرار نماید؛ ولی سرانجام بدون موفقیت و کسب نتایج محسوس این کشور را ترک نمود. حادثه ای که در ۲ نوامبر اتفاق افتاد الزاماً روابط هائیتی را با دولتهای ثالث تیره تر کرده است؛ چنان که دولت نظامی هائیتی آقای ژان- را فائل دوفور سفر فرانسه در این کشور را به خاطر محکوم نمودن کودتاچیان به وزارت امور خارجه این کشور احضار نمود. این مسأله که با اعتراض وزارت امور خارجه فرانسه روبرو شده بود منجر به این گردید که سفیر فرانسه از طرف این کشور در ۱۴ نوامبر، عنصر نامطلوب اعلام گردد و مجبور شود که در ۱۹ همان ماه بندر پرنس (پایتخت هائیتی) را ترک نماید که البته این امر موجب انتقاد شدید متیران از دولت نظامی هائیتی شد.

۶۳. چک و اسلواکی  
«وضعیت مناسبات همجواری»  
(۳ اکتبر ۱۹۹۱)

چک و اسلواکی با سه دولت زیر معاهده حسن همجواری امضا کرده است:

۱. با اتحاد جماهیر شوروی، معاهده‌ای در ۳ اکتبر ۱۹۹۱، در پراگ؛
۲. با لهستان، معاهدهٔ مودت و حسن همجواری در ۶ اکتبر ۱۹۹۱ در کراکوی؛
۳. با آلمان معاهده‌ای در ۷ اکتبر ۱۹۹۱، در پراگ.

۶۴. یونان و ترکیه  
«قتل یک مأمور سیاسی ترک در آتن»  
(۷ اکتبر ۱۹۹۱)

آقای ستین گورگو، معاون وابسته مطبوعاتی سفارت ترکیه در آتن، در صبح روز ۷ اکتبر ۱۹۹۱، در محله پانکراتی در نزدیکی پایتخت یونان به قتل رسید. دیپلمات مزبور در لحظه سوءقصد در اتوموبیل خود بود. سوءقصد به «گرده ۱۷ نوامبر» نسبت داده شده که از ۱۹۷۵ تا به حال ۱۵ نفر را به هلاکت رسانده است.

۶۵. ایالات متّحد آمریکا

آلودگی سواحل آلاسکا: تعیین میزان خسارات  
ناشی از به گل نشستن نفت کش «اکسون والدز»

Exxon Valdez در مارس ۱۹۸۹

(۸ اکتبر ۱۹۹۱)

دادگستری آمریکا در ۸ اکتبر ۱۹۹۱، موافقتنامهٔ مربوط به حل و فصل اختلافات را که میان شرکت اکسون حکومت فدرال دولت آلاسکا منعقد شده بود، معتبر اعلام نمود. براساس این موافقتنامه شرکت نفتی اکسون باید بیش از یک میلیارد دلار برای خسارات ناشی از به گل نشستن نفتکش «اکسون والدز» که منجر به آلودگی سواحل آلاسکا در مارس ۱۹۸۹ شده است پرداخت نماید. در این قضیهٔ کمپانی نفتی اکسون از دو جنبه ای که مرتکب شده دفاع کرد و قاضی روسل، عضو دیوانعالی از رسیدگی به دو جرم از درجه جنایی خودداری نمود. بدین ترتیب اکسون ملزم گردید که جریمه ای معادل ۱۲۵ میلیون دلار و همچنین مبلغی به میزان ۹۰۰ میلیون دلار به عنوان جبران خسارات پرداخت نماید. روزنامه لوس آنجلس تایمز در ۸ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که میزان کل خسارات ناشی از این حادثه می تواند احتمالاً بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار شود که از آن مبلغ ۵۹ میلیون دلار احتمالاً به اختلافات خصوصی اختصاص خواهد داشت.

## ۶۶. هند و رومانی

### «ربودن کاردار رومانی در دهلی نو توسط یک

گروه سیک» (۱۹ اکتبر-۲۶ نوامبر ۱۹۹۱)

آقای لیون رادو، کاردار رومانی در هند، در ۹ اکتبر ۱۹۹۱ در حالی که با اتوموبیل خود (که دارای نمره دیپلماتیک بود) در جنوب دهلی نو و در نزدیکی محل اقامتش، در حال عبور بود، توسط ۴ مرد مسلح ربوده شد. گروهی موسوم به «نیروهای آزادیبخش ببرهای خالیستان» که هفته قبل موجودیت خود را اعلام داشته بودند مسؤلیت ربودن وی را به عهده گرفتند.

به نظر پلیس، این عمل به ظاهر با یک عمل تهاجمی دیگر که در ۲۰ اوت در بوداپست اتفاق افتاد و طی آن آقای ریبرو، رئیس اسبق پلیس پنجاب و سفیر فعلی هند در رومانی مجروح گردید ارتباط دارد. ربایندگان که تهدید کرده بودند گروگان خود را در ۱۲ اکتبر اعدام خواهند کرد بی هیچ گونه توضیحی وی را در ۲۶ نوامبر رها نمودند.

## ۶۷. ایالات متّحد آمریکا

### «پذیرش تعداد زیادتری پناهنده برای سالجاری»

(۱۰ اکتبر ۱۹۹۱)

«جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، در ۱۰ اکتبر ۱۹۹۱ اجازه داد که ۱۴۲۰۰۰ پناهنده در ایالات متّحد آمریکا برای سال مالی جاری پذیرفته شوند. از این تعداد ۶۱۰۰۰ نفر از شوروی سابق، ۵۲۰۰۰ نفر از آسیای جنوب- شرقی و ۳۰۰۰۰ نفر از اروپای شرقی تقاضای

پناهندگی کرده بودند.

۶۸. واتیکان

«سفر پاپ به برزیل» (۱۲-۲۱ اکتبر ۱۹۹۱)

پاپ ژان پل دوم، از ۱۲ تا ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱ به برزیل سفر نمود.  
این پنجاهمین سفر نامبرده به خارج می باشد.

۶۹. ایالات متّحد آمریکا و

اتّحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

«احداث بنای یک سفارتخانه جدید برای ایالات

متّحد آمریکا در مسکو» (۱۳ اکتبر ۱۹۹۱)

کنگره آمریکا در ۳ اکتبر ۱۹۹۱ اعتباری معادل ۲۲۰ میلیون دلار برای احداث دوّمین سفارتخانه آمریکا در مسکو به تصویب رساند. اولین سفارتخانه هرگز مورد استفاده قرار نگرفت؛ زیرا ایالات متّحد آمریکا قبل از پایان کارهای ساختمانی سفارت پی برده بود که در تمام ساختمان میکروفون کار گذاشته شده است. متن مصوب به اختلاف میان دو کمیسیون کنگره که از ۱۹۸۵ در این مورد به وجود آمده بود خاتمه داد و اداره این ساختمان را به دولت واگذار نمود که می تواند احتمالاً آن را به مکانی تجاری تبدیل نماید.



۷۰. ژاپن و اتحاد جماهیر شوروی

«کاهش حضور نظامی شوروی در جزایر کوریل»

(۱۴ اکتبر ۱۹۹۱)

آقای ریئالی پورکین، سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که اتحاد شوروی تصمیم گرفته که سریعاً یک سوّم از قوای نظامی خود را از جزایر کوریل خارج نماید. این یک تصمیم یک جانبه از طرف شوروی به شمار می آید و می تواند عامل کاهش بیشتر قوای نظامی شوروی در این جزایر که در حال حاضر حدود ۸۰۰۰ هستند، باشد.

۷۱. نروژ و اتحاد جماهیر شوروی

«اخراج هشت دیپلمات شوروی توسط دولت

نروژ» (۲۱ اکتبر ۱۹۹۱)

دولت نروژ در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱ هشت دیپلمات شوروی را به علت انجام فعالیت‌های نابهنجار از این کشور اخراج کرد. تا به حال پنج نفر از این دیپلماتها خاک نروژ را ترک کرده اند و سه نفر باقی‌مانده نیز باید تا ۱۵ نوامبر اسلورا به قصد مسکو ترک نمایند. قبل از این اخراجها، شوروی ۳۲ دیپلمات در اسلو داشت. آخرین دیپلماتهای شوروی توسط نروژ در ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۷ انجام گرفت.

۷۲. ژاپن و هلند

«نطق جسورانهٔ ملکه به آتریس در توکیو در مورد

جنایات ژاپن در خلال جنگ دوّم جهانی»

(۲۲ اکتبر ۱۹۹۱)

همان گونه که تاریخ نشان می‌دهد جنایتکاران جنگ یعنی سران دولتها، رهبران غیرنظامی و نظامی آلمان و ژاپن کلاً به یک صورت مورد تعرض و محاکمه و مجازات واقع نشده‌اند. مسوولین آلمانی در اوّل اکتبر ۱۹۴۶ به حکم دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ اعدام شدند؛ ولی چنین رفتاری با مسوولین ژاپنی نشد و تنها چند ژنرال ژاپنی به حکم دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو (۱۴ نوامبر ۱۹۴۸) مجازات شدند.

امپراتور ژاپن، که به نام وی جنگ آغاز و آن همه سفاکیها انجام گرفت، مورد تعقیب واقع نشد، زیرا فاتحان جنگ به راستی مایل نبودند که جامعه ژاپن را از اساس متزلزل نمایند.

این عدم برابری در مجازات عاملان جنگ مورد اعتراض جهان واقع نشد؛ تا این که سرانجام زنی همچون ملکه به آتریس سکوت را شکست و در حضور امپراتور و ملکه ژاپن ر آقای کایفو نخست وزیر این کشور، آن هم در خلال یک بازدید رسمی، جسورانه به بیان واقعیات پرداخت. وی این حقایق را به شکلی خشن که در پروتکل (تشریفات) پیش بینی نشده بود بیان نمود و سپس یادآوری کرد که ۱۳۸۵۰۰ نفر از اتباع و سربازان هلندی در خلال جنگ دوّم جهانی در هند- هلند دستگیر شدند که از آن میان ۸۲۰۰ سرباز و ۱۳۱۲۰ غیرنظامی از گرسنگی و تحلیل قوا جان خود را در اردوگاههای ژاپنی از

دست دادند.

او سخنان خود را با این جمله که «این فصلی از تاریخ شماس است که برای ژاپن چندان شناخته نشده است» صراحت بیشتری بخشید. آقای توشی کی کایفو، که از ۸ اوت ۱۹۹۱ در مقام نخست وزیر ژاپن، در رأس قدرت قرار دارد، فردای آن روز یعنی، در ۲۳ اکتبر، به خاطر سفاکیهای کشورش در خلال جنگ دوّم جهانی به درگاه خداوند عذر تقصیر آورد.

۷۳. کوبا و ایالات متّحد آمریکا

«پیشنهاد مساعی جمیله توسط برخی از کشورهای

آمریکای لاتینی برای بهبود روابط میان

دو کشور» (۲۳ اکتبر ۱۹۹۱)

رؤسای جمهور مکزیک، کلمبیا و ونزوئلا در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ به فیدل کاسترو رسماً اطلاع دادند که حاضرند برای بهبود روابط میان کوبا و ایالات متّحد آمریکا سعی جمیل نمایند. این پیشنهاد در اطلاعیّه‌ای که در پایان گردهمایی اینان در جزیره مکزیک کی کوزومل Cozumel اعلام گردید.

فیدل کاسترو که خود در این گردهمایی شرکت کرده بود، اعلام نمود در تهیّه این طرح اصلاً مشارکت نداشته است. وزارت خارجه آمریکا نیز در این مورد هیچ اظهار نظر رسمی نکرد. البتّه با این که متن انگلیسی اطلاعیّه از «میانجیگری» سخن به میان آورده، متن فرانسوی آن اصطلاح «مساعی جمیله» را به کار برده است.

## ۷۲. آلمان و انگلستان

«پیشنهاد برای ایجاد سفارتخانه های مشترک در

کشورهای اروپای شرقی» (۲۴ اکتبر ۱۹۹۱)

آقای رینر مولر (R.Muller)، یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آلمان در بن، در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که آلمان و انگلستان برای ایجاد سفارتخانه های مشترک در پایتخت برخی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی توافق کرده اند. وزارت خارجه دو کشور، آقایان گنشروهرد، در این مورد طرحی را در لیبزیک تهیه کرده بودند. براساس این طرح دو کشور دارای تشکیلات مشترک خواهند بود. معهدا، فرانسه که در حال حاضر ساختمان سفارت خود را در اولانباتور (پایتخت مغولستان) با آلمان تقسیم نموده است، نسبت به این طرح محتاط تر بوده است، فرانسو امیتران رئیس جمهور فرانسه در کنفرانس مطبوعاتی ۵ ژانویه ۱۹۹۲ این فکر (طرح مشترک) را ستود اما اعلام کرد که برای به اجرا درآوردن چنین فکری باید درنگ کرد.

## ۷۵. لیبریا

«وضعیت فعلی» (۳۱ اکتبر ۱۹۹۱)

جبهه ملی میهنی لیبریا (FNLP) به ریاست آقای چ- تایلور<sup>۴</sup> در ۳۱ اکتبر پذیرفت که کنترل نظامی کل کشور را به نیروی حائل آفریقای غربی که وابسته به جامعه اقتصادی دولتهای آفریقای غربی است واگذار نماید. پایان هفته گذشته جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا، به لیبریا آمد و با آقایان آموس ساویر<sup>۵</sup>، کفیل ریاست

4. Ch- Taylor  
5. Amos- Sawyer

۷۶. بریتانیای کبیر

«تدابیر قانونی برای جلوگیری از مهاجرت‌های

غیرقانونی به این کشور» (اول نوامبر ۱۹۹۱)

بریتانیای کبیر، همانند دیگر کشورهای غربی، با مشکل هجوم پناهندگان از کشورهای در حال توسعه و اروپای شرقی مواجه بوده است. تعداد متقاضیان پناهندگی در عرض سه سال ده برابر افزایش یافته است: ۵۰۰۰ در ۱۹۸۸؛ ۳۰۰۰۰ در ۱۹۸۹ و بیش از ۴۶۰۰۰ تقاضا در ۱۹۹۱ ثبت شده است. به همین جهت دولت بریتانیا در اول نوامبر ۱۹۹۱ تصمیم به تصویب مقررات محدودکننده تری گرفت که بدون از آن کاهش دادن تعداد افراد مجاز به ورود به این کشور و همچنین کاهش دادن تعداد افرادی است که فکر می‌کنند به هر صورت اجازه اقامت در آن کشور را دریافت می‌دارند. از ۴۰۶۰ متقاضی دریافت اجازه مخصوص اقامت در ۱۹۹۰ فقط ۲۴۶۰ نفر یعنی حدود ۶۰٪ متقاضی موافق به اخذ اجازه مخصوص اقامت یکساله قابل تسدید شده‌اند، و این در حالی است که به ۹۸۰ نفر (۲۴٪) پناهندگی سیاسی اعطا شده و درخواست ۶۵۰ نفر (۱۶٪) نیز رد شده است.

در حال حاضر حدود ۶۰۰۰۰ درخواست پناهندگی در دست بررسی است. تدابیری نیز برای جلوگیری از ورود این افراد به خاک بریتانیا اتخاذ شده است؛ چنانکه شرکتهای هوایی در صورت حمل مسافردون مدارک قانونی به بریتانیا با خطر پرداخت جریمه به میزان ۲۰۰۰ پوند (برابر ۲۰۸۰۰ فرانک فرانسه) مواجه شده‌اند.

برای کاهش زمان پاسخگویی به درخواستها از ۲ سال به طور متوسط به ۴ ماه، حدود ۷۶۰ کارمند برای اداره مهاجرت استخدام شده‌اند و حدود ۳۰۰ مرکز اسکان موقت نیز ایجاد شده است.

#### ۷۷. چین و فرانسه

#### «عادی کردن روابط کنسولی» (۲ نوامبر ۱۹۹۱)

آقای آلن ویوین (Alain vivien) منشی دولتی فرانسه در امور خارجه، با حضور بالاترین مقامات محلی، کنسولگری عمومی فرانسه را در کانتون که پایتخت اقتصادی چین در جنوب این کشور است، در ۲ نوامبر ۱۹۹۱ افتتاح نمود. فرانسه دارای یک کنسولگری عمومی دیگر در شانگهای می باشد.

#### ۷۸. آفریقای جنوبی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

#### «موافقتنامه برقراری روابط کنسولی»

(۹ نوامبر ۱۹۹۱)

پیک بوتتا (Pik Botha) وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی و همتای روسی اش بوریس پانکین (Boris Pankine) در ۹ نوامبر ۱۹۹۱ موافقتنامه‌ای در مسکو در مورد برقراری مجدد روابط کنسولی میان دو کشور امضا نمودند. روابط کنسولی بین دو کشور از ۱۹۵۵ قطع شده بود.

## ۷۹. ایالات متّحد آمریکا

### «کاهش جدید نیروهای آمریکایی در اروپا»

(۱۲ نوامبر ۱۹۹۱)

پنتاگون در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که ایالات متّحد آمریکا خدمات و حضور نظامی خود را در اروپا از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد داد. پنتاگون تعداد ۷۱ پایگاه نظامی را که مشمول این کاهش می‌شوند برشمرد. این تعداد در مجموع به ۳۸۱ پایگاه نظامی بالغ می‌گردد. از لحاظ نفرات، این کاهش شامل ۳۶۴۶ نظامی و ۱۲۷۶ غیرنظامی می‌گردد. در میان تأسیساتی که مشمول کاهش می‌شوند مراکز کوچک ارتباطی و همچنین دو محل مهم، پادگان دالی (Daley) و بیمارستان باس کانس فات (Bas Canns Fatt) در آلمان به چشم می‌خورند.

۱۵-۲: حداکثر میزان جریمه ناشی از توقّف غیرقانونی

مأمورین دیپلماتیک خارجی در ایالات متّحد آمریکا

(۱۱ نوامبر ۱۹۹۱)

روزنامه نیویورک نیوزدی (New York News day) در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که میزان کل جریمه برای توقّفهای غیرقانونی در ۱۹۹۰ برای مأمورین دیپلماتیک خارجی و کارمندان سازمان ملل متّحد در نیویورک و واشنگتن بالغ بر ۲/۵ میلیون دلار بوده است.

۸۰. تیمور

### «اغتشاش در دیلی» (۱۲ نوامبر ۱۹۹۱)

برخوردهای خونین ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ در دیلی، پایتخت تیمور شرقی، منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از انسانها گردید (براساس نظر مقامات اندونزیایی ۵۰ کشته و ۹۰ مجروح و طبق نظر سازمانهای بشر دوستانه بیش از ۱۰۰ کشته برجای مانده است). این امر سبب گردیده که مجدداً مسأله تیمور شرقی یعنی سرزمینی که تحت سلطه پرتغال بوده و از ۱۹۷۵ توسط اندونزی اشغال نظامی شده است، در صدر اخبار جهان قرار گیرد. بیش از ۱۶ سال است که سرکوب شدید هرگونه حرکتی در این سرزمین ادامه دارد و این در واقع به معنای پایمال کردن حق خودمختاری در این سرزمین است.

براساس منابع خبری مستقل، ارتش اندونزی، از زمانی که تیمور به عنوان استان بیست و هفتم این کشور اعلان شده است، تا به حال بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر از اهالی این سرزمین کشته شده اند که اکثریت آنها را افراد غیرنظامی بدون دفاع تشکیل داده اند. بسیاری دیگر از ساکنین تیمور شرقی به جزایر همجوار و همچنین به بخش غربی این سرزمین تبعید شده اند. سازمان ملل متحد فقط به ضمیمه کردن این سرزمین به خاک اندونزی اعتراضاتی عادی نموده است؛ بی آن که اصولاً تدابیری عملی برای خاتمه دادن به آن اندیشیده باشد.

از لحاظ بین المللی عکس العمل حادّی بروز ننموده است. در پیامی رسمی که در ۱۳ نوامبر توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ پخش شد اعلام گردید که این سازمان از تجاوز و فشار بی اندازه اندونزی به



مردم این سرزمین «حیرت زده» شده است. آقای آنیبال کاواکوسولوا، نخست وزیر پرتغال، در ۱۹ نوامبر، سیاست ریاکارانه بین المللی و سکوت ایالات متّحد آمریکا را مورد انتقاد قرار داد. آقای ماریوسوارز، رئیس جمهور پرتغال در ۱۸ نوامبر خشم و نفرت خود را در قبال این مسأله ظاهر ساخت. واتیکان نیز به مقامات اندونزیایی اعتراض کرد و پاپ ژان پل دوّم، کشیش دآندرا را جهت تحقیق روانه تیمور شرقی نمود. پارلمان اروپا نیز در ۲۱ نوامبر نسبت به رفتار اندونزی در قبال تیمور شرقی اعتراض کرد و خواستار منع فروش سلاح به این کشور شد. در قبال این اعتراضات، دولت اندونزی ضمن ردّ اعطای هرگونه وضعیّت خاص به تیمور شرقی، فقط به تعویض دو تن از ژنرالهای ارتش این کشور که مسوول کشتار ۱۲ نوامبر بودند، بسنده کرد.

## ۸۱. عراق و سوئد

### «اخراج کاردار عراق از سوئد»

(۱۲ نوامبر ۱۹۹۱)

دولت سوئد در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ تصمیم گرفت آقای محمّد سعید هانی کاردار عراقی در استکهلم را به خاطر ناسازگار بودن فعالیت‌های وی با وظایف رسمی اش، از این کشور اخراج نماید. دیپلمات مزبور متّهم به دخالت در عملیات جاسوسی بر ضدّ پناهندگان عراقی در خاک سوئد شده است. براساس آمار رسمی، حدود ۱۱۳۰۰ نفر از اتباع عراق به سوئد پناهنده شده اند.

6. Anibal CAVACO SOLVA

7. Mario SOARE

۸۲. کنیا

## «اختلاف میان دولت نایروبی و هیأت‌های دیپلماتیک

مقیم این کشور» (۱۲ نوامبر ۱۹۹۱)

دولت کنیا در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ از هیأت‌های دیپلماتیک مقیم در این کشور خواست تا در آن گردهمایی که گروه‌های مخالف به نام «مجمع استقرار مجدد دموکراسی»<sup>۸</sup> برای ۱۶ نوامبر در پایتخت آن کشور تدارک دیده‌اند شرکت نکنند. این گردهمایی به حکم مقامات رسمی ممنوع اعلام شده بود؛ زیرا به نظر آنها حضور دیپلمات‌ها در آن گردهمایی با مقررات حقوق بین‌الملل تنافر خواهد داشت می‌یافتند از مقررات حقوق بین‌المللی تخطی می‌کردند. با این حال سفارت متحد آمریکا در نایروبی دو ناظر به این گردهمایی اعزام نمود.

۸۳. آلمان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

«وضعیت اریش هونکر» (۱۵ نوامبر ۱۹۹۱)

دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۱ سرانجام به اخراج اریش هونکر، رئیس شورای دولتی (در واقع نفر اول و رئیس دولت) آلمان شرقی مصمم گشت. وی از ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۰ یعنی بعد از مرگ ویلهلم پیک (Wilhelm Pieck) در ۷ سپتامبر ۱۹۹۰، به این مقام برگزیده شده بود. ویلی استوف (Willi stoph) در مقام رئیس دولت، در مرتبه‌ای پائین‌تر از وی قرار داشت.

اریش هونکر بعد از اضمحلال آلمان شرقی از مقام خود عزل گردید و از طرف آلمان فدرال به خاطر قتل حدود ۲۰۰ نفر آلمانی که

8. Forum Pour La Restauration de la Démocratie (FORD)

قصد پناهنده شدن به آلمان فدرال را داشتند تحت پیگرد قرار گرفت؛ با این حال وی موفق شد مخفیانه در ۱۳ مارس ۱۹۹۱ وارد شوروی شود، اما بعد از تصمیم کشور اخیر مبنی بر اخراج وی در ۱۲ دسامبر همان سال به سفارت شیلی در مسکو پناهنده گردید. اگرچه دولت شیلی درخواست هونکر را برای اعطای پناهندگی سیاسی رد کرده ولی در عین حال خاطر نشان نموده است که نامبرده را به مقامات آلمان فدرال تحویل نخواهد داد، زیرا میان دو کشور معاهده استرداد مجرمین وجود ندارد.

۸۲. لبنان

### «آزادی ۵ گروگان غربی»

(۱۸ نوامبر ۲ و ۴ دسامبر ۱۹۹۱)

پنج گروگان غربی در آخر سال ۱۹۹۱ آزاد شدند. از میان آنها یکی آمریکایی (توماس سوترلند، رئیس دانشکده کشاورزی بیروت است که در ۹ ژوئن ۱۹۸۵ ربه شده بود) و یکی انگلیسی (تری وایت<sup>۹</sup> که در ۳۰ ژانویه ۱۹۸۷ ربه شده بود) که سرانجام در ۱۰ نوامبر ۱۹۹۱ آزاد شدند. دو آمریکایی دیگر به اسامی ژوزف سی سی پیو<sup>۱۰</sup> (۶۱ ساله، حسابدار دانشگاه بیروت که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵ ربه شده بود) و آلن استین<sup>۱۱</sup> (۵۲ ساله، مدرس کالج دانشگاهی بیروت که در ۹ ژوئن ۱۹۸۵ ربه شده بود) در ۲ دسامبر

9. Thomas SUTHERLAND

10. Terry WHITE

11. Joseph CICIPPIO

12. Alan STEEN

۱۹۹۱ آزاد شدند. یک آمریکایی دیگر به نام تری آندرسون<sup>۱۳</sup> (۴۲ ساله، مدیر آژانس منطقه ای آسوشیتد پرس که در ۱۶ مارس ۱۹۸۵ ر بوده شده بود) نیز در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۹۱ آزاد گردید. هنوز دو آلمانی (هاینریش استروویگ<sup>۱۴</sup>، ۵۰ ساله و توماس کمپتنر<sup>۱۵</sup>، ۳۰ ساله که در ۱۶ مه ۱۹۸۹ ناپدید شده بودند) و یک ایتالیایی (البرتو مولیناری<sup>۱۶</sup>، ۷۱ ساله که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۵ ناپدید شده و هنوز مسؤلیت ربودن وی را فرد یا گروهی به عهده نگرفته است) همچنان در اسارت بسر می برند.

۸۵. سازمان ملل متحد

«پطروس غالی، ششمین دبیرکل سازمان ملل متحد»

(۲۱ نوامبر ۱۹۹۱)

به دنبال عدم درخواست آقای پرز دکوئیار برای تمدید مدت دبیرکلی اش، شورای امنیت در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۱ (با رأی موافق و ۴ رأی ممتنع) و مجمع عمومی در ۳ دسامبر ۱۹۹۱ (با تحسین عمومی)<sup>۱۷</sup> پطروس غالی را در مقام دبیرکل سازمان ملل متحد برگزیدند.

13. Terry ANDERSON
14. Heinrich STRUBIG
15. Thomas KEMPTNER
16. Alberto MOLINARI
17. Par acclamation

۸۶. فرانسه، زلاندنو و سویس

«دستگیری یکی از سوء قصدکنندگان احتمالی

به کشتی رین بووار یور (Rainbow warrior) توسط پلیس

سویس» (۲۲ نوامبر ۱۹۹۱)

پلیس سویس، در ۲۳ نوامبر ۱۹۹۱ در شهر بال یک مأمور امنیتی فرانسه به نام ژرال آندریه را که مظنون به مشارکت در انفجار کشتی رین بووار یور (در شب ۹ ژوئیه ۱۹۸۵) است دستگیر نمود. نظر به این که زلاندنو نمی‌خواهد قضیه‌ای را که به ظاهر فیصله یافته است مجدداً طرح نماید، تقاضای استرداد او را نمود و به همین جهت فرد دستگیر شده در ۱۷ دسامبر آزاد شد. این راه حل با استقبال دو دولت فرانسه و زلاندنو مواجه گردید.

۸۷. ایتالیا و سویس

«اشغال چند کنسولگری ایتالیا در سویس»

(۲۶ نوامبر ۱۹۹۱)

مهاجران خارجی در ایتالیا که به قانون جدید ایتالیا درباره مالیات بردرآمدشان معترض بودند سرانجام، در شب ۲۶ نوامبر ۱۹۹۱ بین ساعات ۱۳/۳۰ و ۱۹ کنسولگری ایتالیا در سن گال را اشغال نمودند.

دیگر کنسولگریهای ایتالیا در سویس نیز به طور سمبولیک به خصوص در زوریخ در ۳۰ نوامبر برای مدتی به اشغال معترضین درآمد.

۰۸۸ . ژاپن

### «ممنوعیت صید با تورهای ترال»

(۲۶ نوامبر ۱۹۹۱)

دولت ژاپن که سرانجام در مقابل فشارهای جامعه بین‌المللی به زانو درآمده بود، در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که تا پایان سال ۱۹۹۲، صید با تور ترال (کف‌روب) را در دریای آزاد ممنوع نماید. در قطعنامه‌ای که از سوی آمریکا تسلیم سازمان ملل متحد شده بود و توسط ۱۶ کشور دیگر نیز مورد حمایت قرار گرفته بود از ژاپن خواسته شده بود که تا ژوئن ۱۹۹۲ این نوع صید را خاتمه دهد، زیرا سالانه سبب مرگ صدها هزار ماهی و پستاندار دریایی مثل بالن‌ها و دولفین‌ها می‌شود.

صید با تور ترال در حال حاضر، سالانه امکان صید بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن ماهی مرکب قرمز را به ژاپن می‌دهد و در عین حال برای ۵۰۰۰۰ نفر در کل اشتغال ایجاد می‌کند که از آن میان می‌توان به کار ۸۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ صیاد و ۴۰۰ فروند کشتی صیادی اشاره کرد که اکثراً در شمال ژاپن متمرکز شده‌اند.

۰۸۹ . استرالیا و ایالات متّحد آمریکا

### «تحویل پایگاه دریایی آمریکایی

دماغه شمالی غربی (Cap Nord-Ouest)

به استرالیا» (۲۸ نوامبر ۱۹۹۱)

آقای رابرت ری (Robert Ray)، در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۱ اعلام

نمود که کشور متبوعش کنترل پایگاه زیردریایی دماغه شمالی-غربی را، که در ۱۴۰۰ کیلومتری شمال پرت واقع شده بدست گرفته است. این پایگاه از ۱۹۷۴ با همکاری استرالیا و ایالات متّحد آمریکا اداره می شده است.

۹۰. بروندی و رواندا  
«اخراج کاردار رواندا از بروندی»  
(۲۸ نوامبر ۱۹۹۱)

در ۲۸ نوامبر، بروندی کاردار رواندا را در «بوجامبورا» (پایتخت بروندی) به اتهام فعالیت‌های غیرمشروع نامطلوب اعلام کرد و از وی درخواست نمود که خاک بروندی را بی‌درنگ ترک نماید. این اخراج بعد از رویارویی میان ارتش بروندی و «تروریست‌های خارجی» روی داد که منجر به کشته شدن نزدیک به یکصدویست تن گردید.

۹۱. آلمان، فرانسه و سوریه  
«درخواست جدید برای استرداد آقای آلویس  
برونر به عنوان جنایتکار جنگی که از ۱۹۵۴  
در سوریه پناه گرفته است»  
(۲۹ نوامبر ۱۹۹۱)

در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۱ وزیر امور خارجه فرانسه اعلام نمود که دولتهای آلمان و فرانسه مجدداً اقداماتی دیپلماتیک برای استرداد

آلوئیس برونر از سوریه به عمل آورده است. آلوئیس برونر که قبل از ۱۹۳۹ منشی مخصوص آیشمن بوده است، به اتمام جنایت برضد بشریت و کشتار بیش از ۱۰۰,۰۰۰ یهودی در اروپا از دیر زمان تا کنون تحت پیگرد بوده است. گذشته از این، وی مسؤل شکار یهودیان در اتریش، سولونیک، اسلواکی و فرانسه بوده است.

آلوئیس همچنین از ژوئن ۱۹۴۳ تا اوت ۱۹۴۴ فرمانده اردوگاه در انسی بوده که در آن ۲۴۰۰۰ یهودی تبعیدی بسر می بردند. آلوئیس برونر در ۱۹۵۴ به سوریه پناهنده شد اما در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۱ ناگزیر از سوریه نقل مکان نمود. ایالات متّحد آمریکا (قطعه نامه ۲۱ آوریل ۱۹۹۱ کنگره)، آلمان و فرانسه (حکم توقیف ۱۰ ژوئن ۱۹۸۸) جداً خواهان استرداد وی بوده اند.

## ۹۲. الجزایر

### «تصمیمات جدید در مورد نفت»

(۳۰ نوامبر ۱۹۹۱)

بیست سال بعد از یکی کردن سهام نفتی خارجیان در الجزایر که با فرمانهای ۲۴ فوریه ۱۹۷۱ عملی گشت، مجلس ملی الجزایر در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ قانون جدیدی را در مورد هیدروکربن تصویب نمود، که براساس آن مجدداً کمپانیهای بین المللی می توانند در این کشور به فعالیت پردازند.

فرمانهای ۱۹۷۱ از ابتکارات آقای سیداحمد غزالی بود که در آن موقع مسؤولیت شرکت ملی سوناتراش را به عهده داشت. وی بعداً به مقام نخست وزیری الجزایر رسید و در این مقام قانون جدید را به



تصویب مجلس ملی این کشور رساند. این قانون که با اکثریت قاطعی به تصویب رسیده است به کمپانیهای خارجی اجازه می‌دهد که با دادن حق ورودیه‌ای استخراج ۴۹٪ ذخایر شناخته شده یا قابل اکتشاف را در اختیار بگیرند و به طور مؤثر تسهیلاتی در اوضاع مالی و قانونی بهره برداری نفت و گاز الجزایر ایجاد نماید. معهدا قانون جدید به معنای بازگشت مجدد نظام قراردادهای امتیاز در الجزایر نیست، زیرا به هر صورت اکثریت سهام (۵۱٪ منابع نفتی) به سوناتراش تعلق دارد.

۹۳. ژاپن

### «تصویب لایحه قانونی امکان اعزام نیروهای

نظامی به خارج» (۳ دسامبر ۱۹۹۱)

حزب لیبرال دمکرات، به کمک حزب تمرکزگرا (بوداییها) موفق به تصویب یک لایحه قانونی در مورد اجازه اعزام نیروهای نظامی ژاپنی به خارج از کشور در قالب نیروهای حافظ صلح تحت فرماندهی سازمان ملل متحد شده است. این لایحه که در خلال جنگ خلیج فارس مورد مذاکره قرار گرفته بود، به ژاپن امکان می‌دهد که در عرصه بین‌المللی حضور فعال داشته باشد. نیروهای ژاپنی که از ۱۹۵۴ سازمان گرفته‌اند برای اولین بار به خارج از کشور اعزام می‌شوند. لایحه قانونی یاد شده ۵ شرط را برای استفاده از نیروهای ژاپنی (حداکثر ۲۰۰۰ نفر) پیش‌بینی نموده است:

۱. وجود آتش‌بس در منطقه تحت نظر؛

۲. پذیرش مشارکت ژاپن در نیروهای حافظ صلح از سوی

طرفین مخاصمه؛

۳. بی طرفی مطلق سازمان ملل متحد؛

۴. احضار نیروهای ژاپنی از منطقه تحت نظر در صورت از

سرگیری مخاصمات؛

۵. عدم توسل به زور مگر به هنگام دفاع مشروع.

اصل آخر، سوالات عدیده ای به ذهن متبادر می سازد، زیرا در مقررات منشور ملل متحد پیش بینی شده است که نیروهای شرکت کننده در عملیات نه تنها می توانند از خود دفاع کنند بلکه قادر خواهند بود در صورت بروز عملی که منجر به ایجاد اختلال در عملیات آنها برای حفظ صلح گردد به ضد حمله نیز دست بزنند. لایحه قانونی مذکور در ۳ دسامبر ۱۹۹۱ در مجلس نمایندگان ژاپن با ۳۱۱ رأی موافق در مقابل ۱۶۱ رأی مخالف به تصویب رسید. احزاب سوسیالیست، کمونیست و دمکرات سوسیال ژاپن به آن رأی منفی دادند. این لایحه در مجلس اعلای ژاپن در ۴ دسامبر مورد پذیرش قرار گرفت و سرانجام در ۲۰ دسامبر در پارلمان یعنی دو مجلس در شور دوم تصویب گردید.

۹۲. ایالات متّحد آمریکا

«وضعیت بدهی به سازمان ملل متحد»

(۴ دسامبر ۱۹۹۱)

آقای خاویار پرزدکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد قبل از پایان دوره دبیرکلی اش در ۴ دسامبر ۱۹۹۱، اعلام نمود که تنها ۶۴ کشور از ۱۵۹ کشور عضو سازمان ملل متحد سهمیه خود را برای تأمین

بودجه سازمان پرداخت کرده‌اند. ایالات متّحد آمریکا، در مقام مهم‌ترین کشوری که در بودجه سازمان ملل متّحد مشارکت دارد، حدود ۴۸۵ میلیون دلار به این سازمان بدهی دارد. در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۱ این میزان در کل به ۵۲۴ میلیون دلار بالغ گردید.

### ۹۵. چین و هند

#### «مسایل مرزی» (۵ دسامبر ۱۹۹۱)

آقای لی پنگ (Li Peng) نخست‌وزیر چین در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که هر چند بازدیدش از هند مفید بوده است ولی هیچ‌گونه راه‌حلی برای مشکلات مرزی میان دو کشور که از ۱۹۶۲ بروز نموده، بدست نیامده است. وی تأکید نمود که این مسأله فقط از طریق اعطای امتیازات متقابل قابل حل است.

### ۹۶. ایالات متّحد آمریکا

#### «لغو تحریم فروش تسلیحات به کشورهای عضو

#### پیمان ورشو» (۶ دسامبر ۱۹۹۱)

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در ۶ دسامبر ۱۹۹۱، تحریم فروش تسلیحات آمریکا به کشورهای عضو پیمان ورشو یعنی مجارستان، لهستان و چک اسلواکی، را لغو نمود، این تحریم از ۱۹۶۱ در مورد این کشورها برقرار شده بود. جرج بوش برای توجیه تصمیم خود خاطر نشان ساخت که لغو تحریم موجب تقویت امنیت ایالات متّحد آمریکا و استحکام صلح جهانی است.

## ۹۷. دولتهای بالتیک

### «بازگشت مجدد و سریع به صحنه روابط

بین الملل» (۶ دسامبر ۱۹۹۱)

سه دولت بالتیک در ۶ دسامبر ۱۹۹۱ سفارتخانه های خود را در پاریس افتتاح نمودند و در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ با توافق دولتهای اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد، فنلاند، نروژ) بانک سرمایه گذاری حوزه بالتیک را ایجاد نمودند. در ۵ ژانویه ۱۹۹۲، این سه جمهوری از شوروی سابق تقاضا نمودند که نیروهایش را از خاک آنها خارج نماید. این سه کشور همچنین در مورد اعلام مانور نظامی شوروی در خاک لیتوانی به ستاد فرماندهی نیروهای جامعه دولتهای مستقل اعتراض نمودند.

## ۹۸. مجارستان و روسیه

### «برقراری روابط دیپلماتیک میان دو دولت»

(۶ دسامبر ۱۹۹۱)

آقای ژوزف آنتال نخست وزیر مجارستان با آقای بوریس یلتسین رئیس جمهور شوروی در مسکو موافقتنامه ای در مورد برقراری روابط دیپلماتیک و موافقتنامه ای در مورد حسن همجواری امضا نمود. وی همچنین یک موافقتنامه همکاری با اوکراین امضا کرد.

۹۹. ژاپن

## «پنجاهمین سالگرد تجاوز ژاپن به ایالات

متحد آمریکا» (۷ دسامبر ۱۹۹۱)

در پاسخ به پیام ۷ دسامبر ۱۹۹۱ جورج بوش رئیس جمهور آمریکا، که یادآور پنجاهمین سالگرد حمله غافلگیرانه ژاپن به پرتل هاربر (Pearl Harbour) بود، ژاپن فقط به بیان مسؤلیتهای خود اکتفا نمود. با این حال در نامه وزیر امور خارجه ژاپن خاطر نشان شده که چنین مراسمی در حکم اظهار تأسف و یا به منزله عذرخواهی ژاپن نیست. آقای می ژیاواوا نخست وزیر ژاپن، نیز اعلام نمود که مسؤلیت ژاپن با رفتار بعدی آن کشور منتفی شده است. پارلمان ژاپن نیز در ۶ دسامبر از تصمیم خود مبنی بر عذرخواهی از ایالات متحد آمریکا و دولتهای آسیایی و سایر دولتهای متخاصم در خلال جنگ دوم جهانی منصرف گردید. پارلمان ژاپن فقط به اظهار تأسف برای مسؤلیتهای آن کشور در خلال جنگ دوم جهانی بسنده نمود.

۱۰۰. پورتوریکو

## «وضعیت در حال تحول» (۸ دسامبر ۱۹۹۱)

طرفداران حفظ پورتوریکو به عنوان یکی از ایالات کشور ایالات متحد آمریکا و به خصوص حزب جدید پیشرو به ریاست آقای پدرو روسلو<sup>۱۸</sup> توانستند در همه پرسی سنبولیکی که در ۸ دسامبر ۱۹۹۱ برگزار گردید پیروزی را از آن خود نمایند. پورتوریکوئیها با ۵۲/۳٪ رأی مخالف در مقابل ۴۵/۶٪ رأی موافق لایحه ای قانونی که

18. Pedro ROSSELLO

پیش بینی می کرد که هرگونه رأی گیری در مورد وضعیت این جزیره باید فقط محدود به یکی از سه انتخاب یعنی وضعیت فعلی (دولت آزاد وابسته به ایالات متّحد آمریکا)، استقلال و یا ایالتی از ایالات متّحد آمریکا شود رد نمودند.

پروتوریکو از ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۲ یک جامعه (جامعه مشترک المنافع) را تشکیل میدهد. اهالی این سرزمین شهروند آمریکایی محسوب می شوند؛ با این حال نمی توانند در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کنند؛ مگر آن که ساکن ایالات متّحد آمریکا باشند. این سرزمین در روابط خارجی خود تابع ایالات متّحد آمریکا است.

۱۰۱. ایران و مراکش

«برقراری مجدّد روابط دیپلماتیک»

(۱۶ دسامبر ۱۹۹۱)

دولت مراکش به طور رسمی خبر برقراری مجدّد روابط دیپلماتیک میان رباط و تهران را در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ در سطح مبادله سفیر اعلام نمود. روابط دیپلماتیک میان دو کشور از ۳۱ ژانویه ۱۹۸۱ به خاطر پذیرش شاه در خاک مراکش از سوی ایران قطع شده بود.

۱۰۲. مجارستان و ترکیه

«سوء قصد به سفیر ترکیه در بوداپست»

(۱۹ دسامبر ۱۹۹۱)

آقای تونچاس، سفیر ترکیه در مجارستان، توانست در شب ۱۹ دسامبر ۱۹۹۱ از یک سوء قصد، جان سالم به در ببرد، وی در حالی که در اتوموبیل ضد گلوله خود قرار داشت هدف آتش سلاح سه ناشناس قرار گرفت. در این سوء قصد به سفیر و به راننده وی آسیبی نرسید.

۱۰۳. صحرای غربی

«پیچیدگیهای غیر قابل پیش بینی در وضع این

کشور» (۳۱ دسامبر ۱۹۹۱)

آقای یوهانس مانس (از سویس) که نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد در امور صحرای غربی می باشد در اوایل دسامبر ۱۹۹۱ به آقای پرزد کوئیار اطلاع داد که مایل نیست مدت نمایندگی خود را که در اوّل دسامبر ۱۹۹۱ خاتمه می یابد تمدید نماید. علت این تصمیم گیری آن بود که وی از اوّل ژانویه ۱۹۹۲ به طور رسمی ریاست هیأت نمایندگی دائمی سویس را که در مقام ناظر در سازمان ملل متحد در نیویورک حضور دارد عهده دار می گردد. با این حال موضع مراکش نسبت به مسأله صحرای غربی را که سبب پیچیده شدن کار سازمان ملل متحد است نیز باید یکی دیگر از علل امتناع نامبرده از تمدید مأموریت خود دانست.

آقای مانس، در خلال یک کنفرانس مطبوعاتی در برن، در ۱۹

دسامبر ۱۹۹۱ از بیان مشکلاتی که سازمان ملل متحد به علت مسأله  
صحرای غربی با آن مواجه شده است امتناع نکرد. لازم به یادآوری  
است که از ۱۹۷۴ مراکش و جبهه پولیساریو برای کنترل این سرزمین  
در ستیز می باشند.

#### ۱۰۴. یوگسلاوی

### «فروپاشی فدراسیون یوگسلاوی»

(ژانویه ۱۹۹۲)

زمان برای فدرالیسم چندان مساعد نیست. بعد از اتحاد جماهیر  
شوروی، نوبت یوگسلاوی فرا رسیده است تا بهای تحولات اخیر را  
بپردازد.

در صربستان به درخواست استقلال کرواسی و اسلونی، باتوپ،  
هوایما و تانک پاسخ داده شده است.

یک جنگ داخلی بی امامی از تابستان ۱۹۹۱ در این کشور ادامه  
داشته که تا بحال حداقل منجر به ۱۵ بار آتش بس از اوّل ژوئن  
۱۹۹۱ تا ژانویه ۱۹۹۲ شده است. دولتهای ثالث با اینکه براحتی  
استقلال کرواسی و اسلونی را به رسمیت شناخته اند ولی در قبال  
شناسایی استقلال مقدونیه و بوسنی هرزه گوین احتیاط به خرج  
داده اند. جامعه اقتصادی اروپا در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که  
جمهوریهای یوگسلاوی سابق را، که در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ استقلال  
یافته اند، بطور مشروط شناسایی نماید. ولی آلمان از ۲۳ دسامبر بطور  
رسمی استقلال کرواسی و اسلونی را به رسمیت شناخته است. واتیکان



نیز در ۱۳ ژانویه دو جمهوری را به رسمیت شناخت. در ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ نزدیک به ۴۰ دولت این دو جمهوری را به رسمیت شناختند که از آن میان می‌توان از ۱۳ دولت عضو جامعه اقتصادی اروپا نام برد. تنها ایالات متحده آمریکا این دو دولت جدید را به رسمیت نشناخته است و آن به دلیل سیاست سنتی این کشور مبنی بر عدم شناسایی دولتهای جدایی طلب می‌باشد. با این حال در گذشته آمریکا، علیرغم وجود این دکترین ادعایی، سیاستی متفاوت اتخاذ نموده است که به عنوان مثال می‌توان از شناسایی ایالات کلمبیبایی پاناما در ۱۹۰۳ نام برد.

در یک نظر که در ۷ دسامبر ۱۹۹۱ منتشر شد، کمیسیون داوری به ریاست آقای روبر بادنتر<sup>۱۹</sup> اعلام نمود که جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی یک روند فروپاشی را آغاز نموده است. کرواتها تخمین می‌زنند که بحران ۱۹۹۱ منجر به کشته شدن ۱۰,۰۰۰ نفر و آواره شدن ۵۰۰,۰۰۰ نفر شده است.

قوای نظامی صربستان مرتکب سفاکیهای عدیده و تجاوزات بیشماری به حقوق بین‌الملل شده است که از آن جمله می‌توان از شکنجه، تبعید افراد غیرنظامی از خانه و کاشانه شان، بمباران مناطق غیرنظامی باز مثل دوبرونیک<sup>۲۰</sup> و اسی‌جک<sup>۲۱</sup> و غیره نام برد.

19. Robert Badinter  
20. Dubrovnik  
21. Osijek

## ● معاهدات

۱. به اجرا درآمدن معاهده ۲۴ مه ۱۹۸۹ فرانسه و

لوکزامبورگ در مورد اصلاح خطوط مرزی میان

دو کشور: ۱۴ ژانویه ۱۹۹۱

فرانسه و لوکزامبورگ در ۲۴ مه ۱۹۸۹، معاهده ای برای اصلاح خطوط مرزی خود منعقد نمودند. این معاهده در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۱ به اجرا گذاشته شد. مضمون این معاهده، مبادله زمینهایی معادل ۷۸۹۳ متر مربع برای ایجاد و گسترش راههای ارتباطی میان شهر فرانسوی ولمرانژ Volmerange و بخش دودلانژ Dudelange لوکزامبورگ است.

۲. تمایل رومانی به تجدیدنظر در معاهده دوستی

با اتحاد شوروی؛ ۵ آوریل ۱۹۹۱

رومانی تنها دولت از اردوگاه شرق بود که در ۵ آوریل ۱۹۹۱

پیمانی در مورد حسن همجواری با اتحاد شوروی منعقد نمود. با این حال هنوز اندکی از انعقاد این پیمان گذشته که رومانی خواستار تجدید نظر در آن شده است.

به موجب ماده ۴ این پیمان، رومانی و اتحاد شوروی نباید هیچ پیمان اتحادی که با منافع یکی از آن دو کشور مغایر باشد، با دولت‌های خارجی منعقد نمایند که البته اتحاد شوروی با استناد به این ماده می‌تواند در مورد پیمان‌های آینده دولت رومانی با دولت‌های دیگر مداخله نماید. ماده دیگری که جداً مورد اعتراض دولت رومانی واقع شده، ماده ای است که بنا بر آن حدود مرزی فعلی میان دو دولت تأیید و تسجیل گردیده است. دولت رومانی به این ماده نیز معترض بوده است؛ زیرا اگر واقعاً آن را مورد عمل قرار دهد، دیگر نمی‌تواند در مورد مولداوی ادعایی داشته باشد. مولداوی پس از خنثی شدن کودتای اوت ۱۹۹۱ ادعای استقلال نمود تا اینکه سرانجام در اواخر سال ۱۹۹۱ به استقلال دست یافت. مولداوی در دوم اوت ۱۹۴۰ به موجب معاهده ریبین تروپ-مولوتف، همانند دیگر دولت‌های حوضه بالتیک به اتحاد شوروی ضمیمه شده بود.

### ۳. نظارت بر اجرای معاهدات ژنو: ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱

در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱ دولت سوئیس در مقام حافظ معاهدات ژنو، کنفرانسی در این شهر برپاداشت تا دولت‌های عضو در اجرای ماده ۹۰ پروتکل ضمیمه معاهدات ۱۹۷۷، ۱۵ عضو برای « کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب » انتخاب نمایند. به موجب این ماده، بیست دولت که پروتکل‌های ضمیمه معاهدات ژنو را تصویب کرده اند می‌توانند

صلاحیت کمیسیون را تأیید کنند و ۱۵ عضو برای آن انتخاب نمایند. این اعضا باید بیطرف و بسیار درستکار باشند. کانادا در نوامبر ۱۹۹۰ در مقام بیستمین کشور تصویب کننده معاهدات، پس از اتحاد شوروی به صلاحیت کمیسیون اقتدا نمود. به همین جهت شرایط لازم برای تشکیل کمیسیون و انتخاب اعضا فراهم آمد و دولت سوئیس کنفرانسی به همین منظور برپا کرد (۲۵ ژوئن ۱۹۹۱).  
کمیسیون صلاحیت دارد تا به موارد نقض معاهدات و پروتکل که حین مخاصمه ای بین المللی پدید آمده، رسیدگی کند. کمیسیون همچنین می تواند سعی جمیل خود را در جهت تشویق دولتها به رعایت مفاد حقوق بین الملل بشردوستانه به کار برد.

#### ۴. امضای معاهده دوستی میان اسپانیا و مراکش:

##### ۴ ژوئیه ۱۹۹۱

در ۴ ژوئیه ۱۹۹۱ عزالدین لراکی، نخست وزیر مراکش و فیلیپ گونزالس، نخست وزیر اسپانیا، معاهده ای در مورد حسن همجواری و همکاری در رباط امضا کردند. این معاهده براساس احترام به مقررات بین المللی و علاقه دو کشور به رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و حل مسالمت آمیز اختلافات انعقاد یافته است.

#### ۵. تجدید روابط سیاسی میان موریتانی و سنگال:

##### ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱

وزرای امور خارجی موریتانی و سنگال با امضای معاهده ای در

۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱، روابط سیاسی دو کشور را که از ۲۱ آوریل ۱۹۶۹ به علت حوادث خونین ناشی از نزاع دامداران و کشاورزان حاشیه رودخانه سنگال قطع شده بود، تجدید نمودند.

## ۶. انعقاد معاهده میان ارمنستان و گرجستان برای

### حل و فصل اختلافات: ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۱

ارمنستان و گرجستان در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۱ معاهده‌ای دوجانبه در تفلیس پایتخت گرجستان منعقد کردند تا به اختلافات منطقه ای قفقاز پایان دهند. با عقد این معاهده دو جمهوری یاد شده متعهد شده اند که از این پس به استقلال و تمامت ارضی یکدیگر احترام گذارند. این دو کشور پس از آنکه اعلام کردند از اتحاد شوروی جدا خواهند شد، اراده خود را مبنی بر رعایت اصل عدم مداخله و استفاده از اصل دولت کامله الوداد در روابط فیما بین ابراز داشتند.

## ۷. امضای معاهده دوستی میان لیتوانی و روسیه:

### ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۱

نخست وزیران روسیه و لیتوانی در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۱، معاهده‌ای برای توسعه روابط دوستانه میان یکدیگر امضا کردند که متضمن شناسایی روسیه از حاکمیت و استقلال لیتوانی بود. با امضای این معاهده، فصل جدیدی در روابط میان دو کشور گشوده شد.

## ۸. امضای معاهده اشتارت در مورد کاهش سلاحهای

### استراتژیک هسته ای میان ایالات متحده امریکا

#### و اتحاد شوروی: ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱

ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی در اوایل تابستان ۱۹۹۱، معاهده ای در مورد تقلیل سلاحهای استراتژیک هسته ای به امضا رساندند. این معاهده که از ابتدا Start استارت (Strategic Arms Reduction Treaty) نامیده شده مشتمل بر ۷۰۰ صفحه است. استارت که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۱ در ژنو به امضای موقت لیتون بروکز و یوری نازارکین رؤسای هیأت‌های نمایندگی آمریکا و شوروی رسیده بود، در ۳۱ ژوئیه در همان شهر به دست جرج بوش و میخائیل گورباچف توشیح گردید.

## ۹. معاهده مرزی آرژانتین و شیلی:

### ۲ اوت ۱۹۹۱

اختلافات مرزی میان دو دولت آرژانتین و شیلی که سابقه ای دیرین دارد، سرانجام با عقد معاهده ۲ اوت ۱۹۹۱ حل و فصل گردید. البته حل این قبیل مسایل پس از حکم داوری ملکه الیزابت دوم در قضیه مرزهای سلسله جبال آند (۴ دسامبر ۱۹۶۶) و حکم دیگری که همین پادشاه در قضیه آبراه بگل (۱۸ آوریل ۱۹۷۷) صادر کرد، ممکن گردید. پس از پایان این دو مرحله (تعیین مرزهای زمینی و مرزهای آبی که مضمون این یکی با معاهده ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴ و تأیید پاپ ژان پل دوم، تسجیل گردید)، در مورد مرزهای زمینی باز مسایلی وجود

داشت که همچنان لاینحل باقی مانده بود. از این روی، آرژانتین و شیلی مجدداً با یکدیگر مذاکره کردند، تا اینکه سرانجام در ۲ اوت ۱۹۹۱ با عقد معاهده ای این قبیل مسایل را نیز حل و فصل نمودند.

این مسایل که بالغ بر ۲۴ فقره بود، به یخچالهای قاره‌های پاتاگونی Patagonie واقع در منتهالیه آمریکای جنوبی مربوط می‌گردید. برای تعیین حدود این منطقه، تصمیم گرفته شد که با ترسیم خطی فرضی، ۱۲۵۰ کیلومتر مربع از ۲۳۰۰ کیلومتر مربع را به شیلی واگذار نمایند. با این حال اختلاف مهم این دو کشور (اختلاف یا مسأله شماره ۲۳) بر سر حاکمیت بر منطقه لاگونا دل‌دسی رتو Laguna del Desierto بود که ۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت و در حواشی دریاچه ای به مساحت ۳۰۰ کیلومتر در جنوب بوئنوس آیرس و ۵۷۰ کیلومتری غرب ریوکالاگوس، کرسی ایالت سانتاکروز واقع شده بود. لاگونا، منطقه ای دور افتاده است که حدود ۱۰۰ نفر جمعیت دارد.

آرژانتین معتقد بود که چون لاگونا در مشرق خاک دولتی واقع شده که آب جاری در بستر آن به اقیانوس اطلس می‌ریزد و اینکه اب آن، سرزمینی را مشروب می‌سازد که در مغرب این منطقه واقع شده است و پس از آن به طرف اقیانوس آرام جریان پیدا می‌کند، علی‌الاصول به آرژانتین تعلق دارد. اما شیلی به طور کلی این نظر را رد می‌کرد. سرانجام دو کشور برای حل این اختلاف موافقت کردند که کمیسیونی دآوری متشکل از پنج عضو (یک آرژانتینی، یک شیلیایی و سه تبعه از کشورهای آمریکای لاتین) ایجاد کنند تا در چارچوب سازمان کشورهای آمریکایی، به اختلاف میان آن دو پایان دهد.

این نکته را هم یادآور شویم که حل مسالمت آمیز این قبیل اختلافات از زمانی میسر گردیده که در این دو کشور دولتهایی آزادمنش بر سر کار آمده اند.

۱۰. تصویب معاهده مربوط به ساخت پل تونل میان دو کشور دانمارک و سوئد که در ۲۳ مارس ۱۹۹۱ به امضای این دو کشور رسیده بود: ۴ اوت ۱۹۹۱

مجلس قانونگذاری دانمارک با رأی اکثریت اعضای خود در سومین دور مذاکرات و مباحثات پارلمانی، در ۱۴ اوت ۱۹۹۱، طرح قانون مربوط به تأیید معاهده ۲۳ مارس ۱۹۹۱ میان دانمارک و سوئد را در مورد ساخت یک جاده ارتباطی ثابت در تنگه اوئرسوند Oersund تصویب نمود.

این جاده که ۱۷ کیلومتر طول دارد ( ۱۳/۵ کیلومتر از آن به صورت پل و تونل است) کاستروپ Kastrup واقع در شرق کپنهاگ را به لین هام Linhamn واقع در شرق مالمو متصل می نماید. این طرح که هزینه ای بالغ بر ۱۷ میلیارد کورون (۲/۵ میلیارد دلار آمریکا) دربردارد، به شرط تحقق موجب خواهد شد که تمام قاره شمالی (سوئد، فنلاند، نروژ) از راه دانمارک به قاره اروپا متصل گردد. این جاده برای عبور ترن و اتومبیل قابل استفاده خواهد بود. با همه این حوال، سوآلی که از نظر حقوقی مطرح می گردد، این است که آیا این دو کشور اصولاً حق دارند که در این فضای دریایی که به هیچیک از آنان تعلق ندارد و دیر زمانی مورد استفاده هزاران کشتی خارجی بوده و بدین لحاظ از سال ۱۸۵۷ میلادی یک نظام بین المللی



برآن حکومت داشته است، به اراده و میل خود به هرکاری دست  
بزند؟

۱۱. تمدید اعتبار معاهده دوستی ۹ اوت ۱۹۷۱ میان

هند و اتحاد شوروی : ۸ اوت ۱۹۹۱

معاهده مودت و همکاری هند و اتحاد شوروی که در ۹ اوت  
۱۹۷۱ میان دو کشور انعقاد یافته بود، در ۸ اوت ۱۹۹۱ برای مدت  
بیست سال دیگر تمدید گردید.

۱۲. معاهده دفاع متقابل دو کشور لبنان و

سوریه: اول سپتامبر ۱۹۹۱

وزرای دفاع و داخلی لبنان و دو همتای سوریایی آنان در اول  
سپتامبر ۱۹۹۱ معاهده‌ای در ناحیه ای واقع در بخش شرقی بقاع که در  
تسلط سوریه قرار داشت، منعقد نمودند. موضوع این معاهده به ظاهر  
دفاع متقابل بود؛ اما به صورتی نگاشته شده بود که لبنان را در نفوذ  
سوریه قرار می داد. در این تاریخ ۳۵۰۰۰ سرباز سوریایی در سه  
چهارم سرزمین لبنان مستقر بودند. همچنین به موجب این معاهده، قرار  
براین گذاشته شد که دو کشور معاهداتی در قلمرو امور اقتصادی، دفاع  
و امنیت منعقد نمایند و کمیته ای برای امور دفاعی و امنیتی تشکیل  
دهند تا مانع نفوذ بیگانگان در امور داخلی لبنان گردند. بدیهی است  
که منظور دو کشور از بیگانگان، نیروهای اسرائیلی بوده است.

## ۱۳. انعقاد معاهده آتش بس میان هند و

پاکستان: ۲ سپتامبر ۱۹۹۱

هند و پاکستان با انعقاد معاهده‌ای در ۲ سپتامبر ۱۹۹۱ سرانجام موفق شدند تا آتش بسی در امتداد مرز مشترک خود در کشمیر برقرار نمایند. در این منطقه، ظرف یک هفته جنگ، بیش از ۵۰ نفر جان خود را از دست دادند. فرماندهان عملیات نظامی دو کشور با تلفن قرار گذاشتند که از نیمه شب دوم سپتامبر (به وقت محلی) آتش بس را مراعات نمایند.

## ۱۴. بیانیه مشترک آرژانتین و برزیل و شیلی در مورد

اعراض از توسل به سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی  
به منظور کمک به استقرار امنیت

بیشتر در امریکای لاتین: ۵ سپتامبر ۱۹۹۱

آرژانتین و برزیل و شیلی در ۵ سپتامبر ۱۹۹۱ با یکدیگر توافق کردند که هیچگاه به سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی متوسل نشوند. این بیانیه که در مندوزا Mendoza، شهری از آرژانتین، به امضای این سه کشور رسیده است، آنان را ملزم می‌دارد که «همواره از گسترش، تولید، فراهم آوردن، انبار کردن یا استفاده از این سلاحها خودداری نمایند.» بیانیه یاد شده که گامی جدید در جهت اتحاد منطقه ای این سه کشور به شمار می‌آید، ثمره معاهده دوستی آرژانتین و شیلی است که در دوم اوت ۱۹۹۱ به امضای رؤسای جمهور این دو کشور (منم و آلوین) رسید.

## ۱۵. امضای موافقتنامه همکاری نظامی میان امارات

متحد عربی و فرانسه: ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۱

هنگام دیدار شیخ زائد، رئیس امارات متحد عربی از فرانسه، موافقتنامه‌ای در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۱ میان دو کشور فرانسه و امارات متحد عربی به امضا رسید که براساس آن مقرر گردید ارتشهای این دو کشور با یکدیگر همکاری عملی نمایند و تانک لوکلر Leclerc را مشترکاً آزمایش کنند.

## ۱۶. امضای معاهده دوستی و همکاری میان فرانسه

و چکسلواکی: اول اکتبر ۱۹۹۱

میتران، رئیس جمهور فرانسه و هاوول (Havel) رئیس جمهور چکسلواکی در اول اکتبر ۱۹۹۱، پیمانی در مورد اتحاد و همکاری میان دو کشور، درپاریس به امضا رساندند. (عنوان فرانسوی این پیمان: معاهده دوستی و همکاری است). دولت فرانسه در این پیمان متعهد شده است که وسایل ادغام این کشور را در نهادهای اروپایی و خصوصاً جامعه اقتصادی اروپا فراهم آورد.

## ۱۷. امضای معاهده‌ای در مورد حراست از

جنوبگان: ۴ اکتبر ۱۹۹۱

در ۴ اکتبر ۱۹۹۱، چهارده کشور، از جمله ایالات متحد آمریکا پروتکلی را در مورد استخراج مواد معدنی جنوبگان، در مادرید به امضا رساندند. مدت اعتبار این پروتکل ۵۰ سال معین شده است.

این پروتکل در واقع مکمل معاهده جنوبگان است که در اوّل  
دسامبر ۱۹۴۹ در واشنگتن به امضا رسیده بود و انجام هرگونه فعالیت  
هسته ای و نظامی را در آن منطقه ممنوع می کرد.

بسیاری از کشورهای جهان معتقدند که در این منطقه، مواد  
معدنی بسیاری وجود دارد که از لحاظ تجاری می تواند سود سرشار  
داشته باشد. اما دسته ای دیگر عقیده دارند که این منطقه فاقد مواد  
معدنی لازم است. به همین سبب دسته اخیر در ۱۹۸۸ از امضای طرح  
یک موافقتنامه در مورد استخراج مواد معدنی خودداری نمودند.

## ۱۸. اعطای مقام شریک ویژه صندوق بین المللی پول

### به اتحاد شوروی: ۵ اکتبر ۱۹۹۱

اتحاد شوروی در ۵ اکتبر ۱۹۹۱ شریک ویژه صندوق بین المللی  
گردید. البته این وضعیت به این دولت اجازه نمی دهد که از امتیازات  
مخصوص اعضای که شریک کامل این صندوق هستند استفاده کند.  
موافقتنامه ای که در این تاریخ میان گورباچف رئیس جمهور  
اتحاد شوروی و میشل کامادسوس رئیس صندوق بین المللی پول انعقاد  
یافت، برای اتحاد شوروی فقط این امکان را فراهم آورده که از  
کمکهای فنی لازم این صندوق برای اصلاحات اقتصادی داخلی استفاده  
کند.

۱۹. انعقاد معاهده میان لهستان و شوروی در  
مورد تخلیه خاک لهستان از سربازان شوروی: ۷  
اکتبر ۱۹۹۱

در ۷ اکتبر ۱۹۹۱، وزیر خارجه لهستان که در مسکو به سر می برد، موفق شد که اتحاد شوروی را به عقد پیمانی در مورد تخلیه نیروهای ارتش سرخ از لهستان ترغیب نماید. اتحاد شوروی از زمان اشغال خاک لهستان، ۴۶۰۰۰ سرباز یا به عبارت دیگر ۹۰,۰۰۰ سرباز با خانواده هایشان در لهستان مستقر نموده بود. به موجب این پیمان قرار گذاشته شد که اتحاد شوروی تا آخر سال ۱۹۹۲ به مفاد پیمان عمل نماید.

۲۰. انعقاد معاهده در مورد خاتمه دادن به غائله

کامیونهای سوئیس، هلند، اتریش: ۱۲ اکتبر ۱۹۹۱

مای وگن وزیر حمل و نقل هلند و نماینده جامعه اقتصادی اروپا و همتهای اتریشی و سوئسی وی، سرانجام در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۱ موافقتنامه ای در مورد عبور وسایل نقلیه سنگین از طریق اتریش و سوئیس به امضا رساندند. در میان کشورهای اروپایی، سوئیس و اتریش مقررات سختی در مورد عبور وسایل نقلیه سنگین وضع کرده اند. این موافقتنامه در ۲۱ اکتبر برای تصویب نهایی به اطلاع دوازده دولت عضو جامعه اقتصادی اروپا رسید.

موافقتنامه ۱۲ اکتبر به کشمکش چهار ساله ای که این دو کشور به وجود آورده بودند پایان داد و با راه حلی منصفانه نیازهای اقتصادی

را با ضرورت‌های مربوط به حفظ محیط زیست آشتی داد.  
سوئیس به موجب این موافقتنامه متعهد گردید تدابیری برای عبور کامیون‌های سنگین شمال- جنوب که از این پس تعدادشان ۲ برابر سال‌های پیش می‌شد، اتخاذ نماید. سوئیس با اینکه می‌تواند حد ۲۸ تن را برای هر کامیون همچنان حفظ نماید، باید به کامیون‌هایی که تا میزان ۴۰ تن بار دارند، اجازه دهد که در روزهای معین از خاک آن کشور عبور کنند. در عوض جامعه اقتصادی اروپا اجازه خواهد داد که سوئیس به شبکه راه آهن جامعه ملحق شود.

## ۲۱. انعقاد موافقتنامه میان دولت موزامبیک و جبهه

مقاومت ملی موزامبیک: ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱، ۱۳

نوامبر ۱۹۹۱

دولت موزامبیک و جبهه مقاومت ملی موزامبیک (RENAMO) در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ با وساطت دولت ایتالیا، موافقتنامه‌ای میان خود به امضا رساندند که به موجب آن چارچوب اساسی مذاکرات صلح معین گردیده است. موافقتنامه دوم که به مسأله فعالیت احزاب اختصاص یافته است، نیز در ۱۳ نوامبر در رم میان دولت موزامبیک و این سازمان به امضا رسید. این موافقتنامه به اصل کثرت‌گرایی در امر حکومت اشاره کرده و وضعیت حقوقی احزاب را در این کشور به نظم کشیده است.

## ۲۲. تحدید حدود مرزی آلمان و لهستان:

۱۸ اکتبر ۱۹۹۱

مجلس ملی آلمان و مجلس قانونگذاری لهستان در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ معاهده ای در مورد تثبیت خطوط مرزی دو کشور در محدوده ادرنایسه به امضا رساندند.

پیش از این تاریخ، یعنی در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۱ شورای وزیران دولت آلمان پس از تشکیل یک جلسه رسمی در بُن، موافقت کردند که آلمان مبلغ ۵۰۰ میلیون مارک بابت خساراتی که دولت نازی به لهستانها وارد آورده بود پرداخت نماید.

## ۲۳. امضای موافقتنامه صلح کامبوج:

۲۳ اکتبر ۱۹۹۱

نوزده دولت و شبه دولت در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ کنفرانسی در پاریس برای حل مسأله کامبوج برپا داشتند. موضوع این کنفرانس، پایان دادن به حدود بیست سال جنگ داخلی در این کشور بود که حتی منجر به اعزام نیروهای مهم از طرف سازمان ملل متحد به این منطقه شده بود تا صلح و آرامش را به آنجا بازگردانند.

این موافقتنامه همان روز با حضور دبیرکل سازمان ملل متحد (پرزد کوئیاری) میان پنج عضو دائم شورای امنیت ( ایالات متحد آمریکا، اتحاد شوروی، بریتانیا، چین، فرانسه) و شش عضو اتحادیه ملل آسیای جنوب شرقی ( اندونزی، برونئی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین، مالزی) و استرالیا، ژاپن، کانادا، لائوس، یوگسلاوی و پرنس

سیهانوک و رؤسای نیروهای مؤتلف کامبوجی به امضا رسید.  
وقایعی را که ظرف این مدت (۲۰ سال) در کامبوج رخ داده  
می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱. سقوط حکومت سیهانوک و روی کار آمدن ژنرال نون لل  
(Non Lol) در ۱۸ مارس ۱۹۷۰؛

۲. تسلط خمرهای سرخ بر پنوم پن در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵؛

۳. مداخله نیروهای نظامی ویتنام در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۸؛

۴. عقب نشینی کامل نیروهای مداخله گرا از ۱۵ آوریل تا ۲۶

سپتامبر ۱۹۸۹؛

۵. تشکیل شورای عالی ملی کامبوج ( موافقتنامه جا کارتا در ۹

سپتامبر ۱۹۹۰).

حکومت خمرهای سرخ در کامبوج از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ باعث  
هلاک شدن بیش از یک میلیون کامبوجی گردید.

موافقتنامه پاریس مشتمل بر چهار سند است:

۱. موافقتنامه نهایی؛

۲. موافقتنامه برای حل سیاسی تمام اختلافات موجود؛

۳. موافقتنامه مربوط به حاکمیت کامبوج؛

۴. اعلامیه مربوط به بازسازی کامبوج.

این موافقتنامه ثمره دو سال تلاش پی گیر و دو ماه و بیست و پنج  
روز مذاکره است.

موافقتنامه نهایی پس از یادآوری حوادث غم انگیز بیست سال



جنگ داخلی در کامبوج، اعلام داشته که طرفهای امضاکننده متعهد می‌شوند که با تأسی به مقررات مربوط به حقوق بشر و آزادیهای اساسی در کامبوج وسایل لازم را برای استقرار این مقررات فراهم آورند؛ آنگاه از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ رسماً درخواست کرده که تسهیلاتی در جهت آزادی اسرای جنگی و غیرنظامیان در بند به وجود آورد.

از میان چهار سند، سند اساسی و مهم، موافقتنامه مربوط به حل سیاسی تمام اختلافات موجود در کامبوج است که دارای ۴۲ صفحه است. به موجب این موافقتنامه، نحوه اداره این کشور در دوران انتقال معین گردیده است؛ چنانکه ابتدا به اختیارات مرجع موقت ملل متحد در کامبوج اشاره کرده و سپس از صلاحیتهای شورای عالی ملی و همچنین شرایط آتش بس و انتخابات عمومی که قرار شده در ۱۹۹۳ انجام گیرد، سخن به میان آورده است.

به موجب این موافقتنامه، در صورت نقض فاحش مقررات حقوق بشر، امضاکنندگان این سند متعهد شده‌اند که از ارگانهای صلاحیتدار سازمان ملل متحد استمداد بطلبند. موافقتنامه مربوط به حاکمیت و بی‌طرفی کامبوج که همانند سایر اسناد باید به شورای امنیت سازمان ملل تسلیم گردد و همچنین به امضای تمام دولتهای ذینفع برسد، به رابطه کامبوج و جامعه بین‌المللی پرداخته است.

سرانجام اعلامیه مربوط به بازسازی کامبوج با تکیه به سرمایه‌گذارهای خصوصی، به ترمیم وضعیت اقتصادی کامبوج اشاره کرده است.

این موافقتنامه‌ها با اینکه به محض امضای اعتبار می‌یابند، برای کامبوج صلح قطعی به ارمغان نمی‌آورند، به همین جهت ۱۹

شرکت کننده در این کنفرانس نگرانی خود را در این مورد صراحتاً اعلام داشته اند.

## ۲۴. انعقاد پیمان میان بریتانیای کبیر و ویتنام در

### مورد آوارگان ویتنامی: ۲۹ اکتبر ۱۹۹۱

در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۱، بریتانیای کبیر و ویتنام موافقتنامه‌ای در مورد بازگشت اجباری ویتنامی‌های آواره به میهن خود که در اردوگاه‌های هنگ کنگ تحت نظر بودند و نتوانسته بودند در مقام پناهنده سیاسی پذیرفته شوند، به امضا رساندند.

بنابراینچه آقای کلینتون لیکز مسؤل هماهنگی امور پناهندگان اعلام داشته است، تعداد ۶۳۰۰۰ آواره ویتنامی در یازده اردوگاه مختلف در هنگ کنگ پراکنده اند و این در حالی است که این اردوگاهها فقط ظرفیت پذیرایی از ۵۵۰۰۰ نفر را داراست. از ۱۹۷۵- یعنی از زمانی که نیروهای کمونیست جنوب ویتنام را به رغم موافقتنامه‌های صلح ۱۹۷۳ پاریس، به تصرف خود درآورده اند تا ۱۹۸۰ بیش از دو میلیون نفر از اهالی هندوچین به کشورهای مختلف جهان مهاجرت کرده اند. از این تعداد، ۲۰,۰۰۰ نفر در اندونزی، ۱۴۰۰۰ نفر در تایلند، ۱۲,۵۰۰ نفر در مالزی و ۷۰۰۰ نفر در فیلیپین مستقر شده اند. اما علت اینکه بریتانیای کبیر با ویتنام موافقتنامه‌ای در زمینه بازگشت ویتنامی‌های آواره منعقد نموده، این است که این دولت باید تا ۱۹۹۷ هنگ کنگ را به چین مسترد بدارد و از این لحاظ نباید این سرزمین را مسکن عناصر ضد کمونیست نماید. اما ایالات متّحد امریکا در این مورد از خود هیچ واکنشی بروز نداده زیرا مایل

نبوده است که روابط عادی خود را با دولت هانوی برهم زند.  
باز گرداندن اجباری ویتنامیها به وطن نامألوف با مقاومت آنها  
روبرو شد و وضع از این جهت بسیار تأثر انگیز می نمود؛ به همین  
جهت حزب کارگر انگلستان به این پیمان اعتراض نمود و خواستار فسخ  
آن گردید.

## ۲۵. امضای موافقتنامه مقدماتی برای تجدید نظر

در معاهده دوستی ۶ آوریل ۱۹۴۸ میان فنلاند

### و اتحاد شوروی: ۵ نوامبر ۱۹۹۱

فنلاند و اتحاد جماهیر شوروی در ۵ نوامبر ۱۹۹۱ موافقتنامه ای  
مقدماتی برای تهیه مقدمات مربوط به تجدید نظر در معاهده دوستی،  
همکاری و کمک متقابل که در ۶ آوریل ۱۹۴۸ میان دو کشور منعقد  
شده بود، به امضا رساندند. در این موافقتنامه شرط شده که اصلاحات  
پیشنهادی قبل از آنکه در معاهده یاد شده درج گردد باید به تأیید  
کارشناسان فن برسند.

مرز مشترک میان این دو دولت که ۱۲۶۰ کیلومتر طول دارد،  
همچنانکه سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا نیز یادآور شده  
است. باید از هرگونه تعرض مصون بماند و هریک از دو دولت باید  
متعهد گردند که سرزمین خود را محل تحریک و تجاوز به خاک دیگری  
قرار ندهند.

## ۲۶. امضای موافقتنامه حسن همجواری میان چین

و ویتنام: ۷ نوامبر ۱۹۹۱

دبیران کل احزاب کمونیست چین و ویتنام در ۷ نوامبر ۱۹۹۱، در پکن، دو موافقتنامه، یکی در مورد روابط بازرگانی و دیگری در مورد حسن همجواری به امضا رساندند. موافقتنامه اخیر که « موافقتنامه موقت در مورد مسایل مرزی » نامیده شده است در واقع موافقتنامه ای برای همکاری منطقه ای به شمار می آید. دو دولت چین و ویتنام به هنگام انعقاد این معاهدات، مذاکراتی در مورد بازگشایی خط آهنی که جنوب چین را به شمال ویتنام مرتبط می نماید و همچنین همکاریهای مشترک برای توسعه جزایر پاراسلز و اسپراتلی که تحت نظارت مؤثر چین قرار دارند و ویتنام مدعی حاکمیت بر آنهاست، به عمل آوردند.

## ۲۷. امضای پیمان دسته جمعی برای حفاظت از

منطقه آلپ: ۷ نوامبر ۱۹۹۱

دولتهای اطراف آلپ، به جز یوگسلاوی، در ۷ نوامبر ۱۹۹۱، موافقتنامه ای در سالزبورگ برای حفاظت از مناطق آلپ به امضا رساندند. این پیمان نخستین موافقتنامه اروپایی است که در مورد حفاظت منطقه ای معین به امضا می رسد. فرانسه، آلمان، سوئیس، ایتالیا، لیشتن اشتاین، اتریش و جامعه اروپا طرفین این پیمان هستند. از زمان کنفرانس برشتس گادن (Berchtesgaden) در ۱۹۸۹، اسلوونی قائم مقام یوگسلاوی در انجام مذاکرات شده است. مضمون اصلی معاهده، تعریف سیاست همه جانبه دولتهای طرف معاهده در قبال

مسأله محیط اطراف آlp است. به همین دلیل جزئیات امر به پروتکل‌هایی که قرار شده بعداً به امضاء برسند واگذار شده است. اجراء معاهده منوط به تصویب سه دولت امضاکننده شده است.

## ۲۸. امضای معاهده همکاریهای نظامی میان فرانسه

و زیمبابوه: ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱

فرانسه و زیمبابوه در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱ پیمانی در قلمرو همکاریهای نظامی میان خود به امضاء رساندند. این پیمان حین دیدار وزیر دفاع فرانسه از هراره منعقد گردید.

فرانسه تا این تاریخ با ۸ کشور افریقایی (کامرون، کومور، ساحل عاج، جیبوتی، گابن، جمهوری افریقای مرکزی، سنگال و توگو) پیمان دفاعی و با ۲۴ کشور دیگر در این منطقه (بنین، بورکینا، بروندی، کامرون، افریقای مرکزی، کومور، کنگو، ساحل عاج، جیبوتی، گابن، گینه، اکوادور، ماداگاسکار، مالی، موریس، نیجر، رواندا، سنگال، چاد، توگو، زئیر و زیمبابوه) پیمان همکاری نظامی (کمک، همکاری فنی، تحویل ابزار نظامی، آموزش نظامی و استراتژیک) به امضاء رسانده است.

## ۲۹. امضای معاهده اتحاد و همکاری میان فرانسه

ورومانی: ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱

دولت فرانسه، پس از آنکه موافقتنامه هایی در این زمینه با دولتهای لهستان، مجارستان و چکسلواکی بست، موافقتنامه ای در مورد

همکاری و اتحاد با دولت رومانی منعقد نمود. این موافقتنامه را رؤسای دو کشور، یعنی فرانسوا میتران و ایلیسکو Iliescu در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱ امضا کردند. البته دولت فرانسه در این موافقتنامه تعهدی مبنی بر طرفداری از عضویت رومانی در بازار مشترک اروپا ننموده است؛ حال آنکه این تعهد در قبال سه دولت یاد شده ( لهستان، مجارستان، چکسلواکی)، سپرده شده بود. در این موافقتنامه فرانسه فقط یادآور این نکته شده است که تمام کوشش خود را برای انعقاد پیمان اتحاد میان رومانی و جامعه به کار خواهد برد.

### ۳۰. امضای موافقتنامه آشتی میان کره شمالی و کره

جنوبی: ۱۳ دسامبر ۱۹۹۱

نخست وزیران کره شمالی و کره جنوبی در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۱، در سئول موافقتنامه‌ای برای برقراری روابط دوستانه به امضا رساندند و بدین ترتیب به ۴۶ سال جنگ سردی که میان آنها به وجود آمده بود، پایان دادند. این موافقتنامه مشتمل بر ۲۵ ماده است. این موافقتنامه که عنوان کامل آن «موافقتنامه آشتی، عدم تجاوز و مبادله و همکاری» است، فصل جدیدی در روابط میان آن دو کشور گشوده و راه را برای اتحاد مجدد جزیره فراهم آورده است. به موجب مواد مربوط به مسایل امنیتی این پیمان هر دو دولت باید به نظامهای حکومتی یکدیگر احترام گذارند و در امور داخلی هم مداخله ننمایند. پرهیز از ایجاد هرگونه اغتشاش و تعهد به عدم تجاوز از مضامین دیگر این معاهده است. خط مرزی میان این دو کشور به موجب این موافقتنامه همان خطی است که براساس موافقتنامه آتش بس ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳

تعیین شده است. این معاهده همچنین پیش بینی کرده است که دو دولت باید تسهیلاتی در جهت برقراری رابطه میان خانواده های از هم دور افتاده به عمل آورند.

مسأله پاکسازی محیط از سلاح هسته ای نیز به طور اصولی با عقد موافقتنامه ای در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ قبول گردیده و قرار شده است که این دو دولت در فوریه ۱۹۹۲ اقداماتی در این جهت به عمل آورند. اما دولت ایالات متحد امریکا در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که به هیچوجه نیروهای خود را (۴۳۰/۰۰۰ نظامی) از کره جنوبی خارج نخواهد کرد. کره جنوبی از ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ به عضویت سازمان بین المللی کار درآمده است.

### ۳۱. امضای معاهده میان آرژانتین و برزیل در مورد

نظارت بر نحوه استفاده از انرژی هسته ای :

۱۳ دسامبر ۱۹۹۱

در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۱ سران دو کشور آرژانتین و برزیل با وساطت آژانس بین المللی انرژی هسته ای ، معاهده ای در مورد استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، در وین به امضا رساندند. این دو کشور برای رفع هرگونه شبهه در مورد استفاده مخفیانه از ابزارهای هسته ای قبول کرده اند که بر تأسیسات هسته ای یکدیگر نظارت مستقیم بنمایند، تا اینکه هیچیک از آنان از این ابزار برای ساخت سلاحهای هسته ای سوءاستفاده نکند.

## ۳۲. امضای موافقتنامه برای حل اختلافات مالی میان

فرانسه و ایران: ۲۹ دسامبر ۱۹۹۱

مدیرکل وزارت امور خارجه فرانسه (فرانسواشر) و معاون وزیر امور خارجه ایران (محمد واعظی) در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۱، پیمان ۲۵ اکتبر میان دو دولت فرانسه و ایران را که در مورد حل اختلافات مالی میان فرانسه و ایران تهیه شده بود، در تهران موقتاً به امضا رساندند. موافقتنامه ۲۵ اکتبر اگر به امضا برسد به اختلافات مالی دوازده ساله میان فرانسه و جمهوری اسلامی پایان خواهد داد. این اختلافات از یک طرف، مربوط به تفاضل و بهره های یک میلیارد دلاری است که در سال ۱۹۷۴ نظام پیشین ایران به کمیساریای انرژی اتمی وام داده بود تا بتواند عملیات مربوط به احداث کارخانه غنی سازی اورانیوم را به پایان برساند و از طرف دیگر مربوط به خساراتی است که دولت فرانسه باید به پنج شرکت فرانسوی که در اثر فسخ ۸۰ قرارداد منعقد شده با دولت شاه متضرر شده اند بپردازد. این قراردادها را جمهوری اسلامی ایران فسخ نموده است.

\* در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ دولت فرانسه جمعاً مبلغ ۶۳۰ میلیون فرانک به دولت ایران پرداخته است.



## ● سازمانهای بین‌المللی در ۱۹۹۰

### ۱. پذیرش نامیبیا و لیستن در مقام اعضای جدید سازمان ملل متحد

الف: نامیبیا (۲۳ آوریل ۱۹۹۰)

نامیبیا که در ۲۱ مارس ۱۹۹۰ به استقلال رسید، در ۶ آوریل همان سال داوطلب ورود به سازمان ملل متحد گردید. شورای امنیت پس از بررسی درخواست این کشور تازه استقلال یافته، در ۷ آوریل به مجمع عمومی توصیه نمود (S/Res/652) که با عضویت نامیبیا در سازمان موافقت کند.

مجمع عمومی در ۲۳ آوریل تا تصویب قطعنامه‌ای (A/Res/S-18/1) عضویت این کشور را در سازمان ملل متحد خوش آمد

گفت.

### ب: لیشتن اشتاین (۱۲ اوت ۱۹۹۰)

با پذیرفته شدن لیشتن اشتاین در جمع اعضای ملل متحد،  
(S/Res/663-14 aout 1990- A/Res/45/18/sep.1990)  
نخستین کشور ذره‌ای اروپایی به سازمان ملل متحد راه یافت. پیش از  
این یعنی در ۱۹۷۸، لیشتن اشتاین به عضویت شورای اروپا و کنفرانس  
امنیت و همکاری اروپا درآمده بود. پذیرش لیشتن اشتاین در سازمان  
ملل متحد با توجه به ارتباطاتی که این کشور با سوئیس دارد، گامی در  
جهت ترغیب دولت سوئیس برای ورود به سازمان ملل متحد به شمار  
می‌آید.

### ۲. ادغام دولتها در یکدیگر: اتحاد دویمین

#### و ادغام دو آلمان

در طول حیات سازمان ملل متحد، یک بار مصر و سوریه با  
تشکیل جمهوری متحد عربی (از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱) و بار دیگر  
تانگانیکا و زنگبار با تشکیل دولت تانزانیا (۱۹۶۵) در یکدیگر  
ادغام شده‌اند.

در این قبیل موارد، دولت جدید سازمان ملل متحد تنها دارای  
یک کرسی است. اخیراً نیز با ادغام دویمین و دو آلمان، سازمان ملل  
شاهد از میان رفتن دولت و پدیداری دو دولت جدید بوده است.

## الف: مورد یمن: ۲۲ مه ۱۹۹۰

جمهوری عربی یمن از ۱۹۴۷ و جمهوری یمن دموکراتیک از ۱۹۶۷ در سازمان ملل متحد عضویت داشته اند.

در ۲۲ مه ۱۹۹۰ که دویمین رسماً در یکدیگر ادغام شدند، دبیر کل سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای، یادداشت وزرای امور خارجه دویمین را به اطلاع ارگانهای اصلی سازمان ملل رساند. در ۲۳ مه شورای امنیت اعلام نمود که چون یمن دموکراتیک در ۱۹۸۹ عضو شورای امنیت شده است، جمهوری یمن از این تاریخ به جای یمن دموکراتیک در این شورا عضویت خواهد داشت.

مجمع عمومی نیز به نوبه خود، دو قطعنامه، یکی در مورد کمکهای اقتصادی و اجتماعی جامعه بین‌المللی به یمن واحد دیگری درباره کمک برای بازسازی و توسعه یمن به تصویب رساند.

## ب: مورد آلمان

دولت فدرال آلمان و جمهوری دموکراتیک آلمان هر دو در ۱۹۷۳ به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند. این دو کشور در ۳ اکتبر ۱۹۹۰ در یکدیگر ادغام شدند و در ۲۷ سپتامبر و ۳ اکتبر ۱۹۹۰ دبیر کل سازمان ملل متحد را از این واقعه آگاه نمودند. نکته مهمی که در این مورد وجود داشت، این بود که در نامه جمهوری دموکراتیک آلمان از الحاق این جمهوری به قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان و در نامه جمهوری فدرال از الحاق جمهوری دموکراتیک به جمهوری فدرال سخن به میان آمده بود. منظور آلمان فدرال از الحاق جمهوری دموکراتیک فقط تغییر نام آلمان فدرال به آلمان بود. زیرا این دولت در نامه خود به این

نکته نیز اشاره کرده بود که «آلمان فدرال» از این تاریخ در سازمان ملل متحد «آلمان» نامیده خواهد شد؛ حال آن که غرض آلمان شرقی از الحاق به قانون اساسی، ادغام واقعی دو دولت در یکدیگر بود. البته مورد آلمان با مورد ویتنام کاملاً تفاوت دارد، زیرا دو ویتنام پیش از آن که اصولاً در سازمان ملل عضویت پیدا کنند، وحدت یافته بودند. در میان دولتهایی که از ۱۹۴۵ تجزیه شده اند، از دو کره می توان یاد کرد. رئیس جمهور آمریکا چند پیش اعلام کرد که دولت ایالات متحد آمریکا از عضویت این دو کشور در سازمان ملل استقبال خواهد نمود. (لوموند، ۳ اکتبر ۱۹۹۰).

### ۳. وضعیت حقوقی ناظران در سازمان:

#### مورد کمیته بین المللی صلیب سرخ: ۱۶ اکتبر ۱۹۹۰

در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۰، مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ای (A/RES/45/6) از کمیته بین المللی صلیب سرخ دعوت کرد تا در مقام ناظر، در اجلاسها و سایر فعالیتهای مجمع عمومی مشارکت نماید. مقدمه قطعنامه با یادآوری مأموریتهایی که معاهدات ۱۹۴۹ ژنو به عهده کمیته صلیب سرخ گذاشته، بر وظیفه خاص این کمیته در قلمرو روابط بشر دوستانه بین المللی تأکید نموده است. در یادداشت توضیحی منضم به درخواست مربوط به درج این مسأله در دستور روز مجمع عمومی بطور کلی «به وظایف خاص این کمیته و همچنین به پیوندهای عمیق همکاری میان کمیته و سازمان ملل در قلمرو امور انسانی و سایر موارد مربوط به رعایت حقوق بشردوستانه بین المللی اشاره شده است.» آنگاه چنین اظهار نظر شده

که نقش مکمل این کمیته در قلمرو امور حقوقی، از قطعنامه های شورای امنیت، مجمع عمومی و مناسبات دبیرکل با کمیته استنباط خواهد گردید.

به اعتقاد نمایندگان سازمان صلیب سرخ جهانی:

«کمیته بین المللی صلیب سرخ چنانچه بتواند به اسناد بین المللی مستقیماً مراجعه کند و به جلسات مجمع عمومی و کمیسیونها راه یابد، می تواند در گردهماییهای ملل متحد در نیویورک، ژنو و یا هر جای دیگر با سرعت و علاقه بیشتری با گردانندگان صحنه روابط بین الملل همکاری نماید.»

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که تا به حال فقط دولتها و سازمانهای بین المللی (دولتی) می توانستند در مقام ناظر در سازمان ملل حضور یابند؛ به این معنی که تا به امروز اعطای عنوان ناظر به سازمانهای بین المللی غیردولتی مرسوم نبوده است و این نخستین باری است که یک سازمان بین المللی غیردولتی به این مقام دست می یابد. ایتالیا که طرح قطعنامه ۱۶ اکتبر ۱۹۹۰ را تهیه کرده، بر این نکته اصرار ورزیده است که اعطای عنوان ناظر به کمیته صلیب سرخ بین المللی نباید سابقه ای برای دست یافتن سایر سازمانهای بین المللی غیردولتی به این عنوان در سازمان ملل متحد گردد؛ زیرا کمیته صلیب سرخ بین المللی از وضعیت حقوقی خاصی برخوردار است و به همین جهت بر دیگر سازمانهای مشابه برتری دارد؛ به این معنی که کمیته، حافظ معاهدات ژنو است و غالباً به درخواست سازمان ملل متحد به وظایف حمایتی خویش عمل می نماید.

## ۴. ارگانهای سازمان ملل متحد

الف: مجمع عمومی: سازمان دادن آیین کار مجمع عمومی: ۲۲

نوامبر ۱۹۹۰

پس از شش سال تلاش مداوم، کمیته ویژه منشور ملل متحد و امور مربوط به نظام سازمان ملل متحد، قطعنامه ای (A/Res/45/45) در ۲۲ نوامبر ۱۹۹۰ در مورد تقویت آیین کار مجمع عمومی به تصویب رساند. این قطعنامه که به فعالیتهای مجمع عمومی مربوط می‌گردد، به نظامنامه مجمع عمومی منضم گردیده است. با این حال مقررات پیش بینی شده در این قطعنامه به صورتی تدوین گردیده است که چندان الزام آور نمی‌نماید. این قطعنامه تشریفات تهیه دستور کار مجمع عمومی را ساده کرده است و مقرر نموده که مسایلی که تقریباً مضامین نزدیک به هم دارند در یکدیگر تلفیق گردند. در این قطعنامه همچنین پیش بینی شده که اگر مجمع عمومی بخواهد به موجب ماده ۲۲ منشور ملل متحد برای رسیدگی به موضوعی معین، یک رکن فرعی ایجاد کند، باید این مسأله را نیز در نظر بگیرد که آیا می‌تواند آن موضوع را به ارگانهای موجود محول نماید.

این متن، در ضمیمه نامه خود نحوه تنظیم دستور جلسات سومین کمیسیون را معین کرده و چنین مقرر نموده است که بعضی از مسایل هر سال و برخی دیگر هر دو سال یکبار مطرح گردند. این قطعنامه همچنین متضمن برنامه کار دو ساله سومین کمیسیون در ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و توصیه نامه‌هایی در مورد مسایل اداری این کمیسیون است. از جمله این توصیه نامه‌ها، توصیه نامه‌ای است که بنابر آن

مجمع عمومی بر این نکته اصرار ورزیده که مسأله رابطه میان کارهای دوّمین و سوّمین کمیسیون باید مورد بررسی جدی قرار گیرد.

### ● فعالیت‌های مجمع عمومی در قلمرو صلح و امنیت جهانی

با این که ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مسؤولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی را به عهده شورای امنیت گذاشته، مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ منشور ملل به مجمع عمومی نیز اختیارات مهمی در این قلمرو اعطا کرده است. وانگهی این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که ماده ۱۷ منشور، اختیارات مالی مهمی به مجمع عمومی اختصاص داده است؛ تا آن حد که مخارج ناشی از عملیات مربوط به حفظ صلح فقط در محدوده بند ۲ از ماده ۱۷ قابل پرداخت بوده است.

در ۱۹۹۰، مجمع عمومی قطعنامه‌های مختلفی در مورد پرداخت هزینه‌های مربوط به عملیاتی که شورای امنیت تجویز کرده، به تصویب رسانده است.

### ب: شورای امنیت

۱: ترکیب: در اوّل نوامبر ۱۹۹۰، به موجب تصمیم ۴۳/۳۰۶ مجمع عمومی، اتریش، اکوادور، بلژیک، زیمبابوه و هندوستان در نخستین دور انتخابات، در مقام اعضای غیر دائم به شورای امنیت راه یافتند. این دولتها همگی پیش از این در شورای امنیت عضویت داشته‌اند.

شورای امنیت در ۱۹۹۰، ۶۹ جلسه تشکیل داده است که از آن میان، ۲۶ جلسه به مسایل خاورمیانه، ۱۵ جلسه به مسایل مربوط به

کویت، ۶ جلسه به مسایل آمریکای مرکزی، ۵ جلسه به مسأله قبرس، ۴ جلسه به اختلاف میان عراق و ایران، دو جلسه به مسأله مربوط به عضویت نامیبیا و لیشتن اشتاین در سازمان ملل و دو جلسه به انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری اختصاص یافته و برای مسایل زیر هر کدام یک جلسه تشکیل شده است: افغانستان، کامبوج، صحرای غربی، نیکاراگوئه - ایالات متّحد آمریکا؛ کوبا - ایالات متّحد آمریکا؛ عملیات مربوط به حفظ صلح و الغای محدود قیمومت بر جزایر اقیانوس آرام.

ایالات متّحد در این سال دوبار از حقّ وتو استفاده کرده است. اعضای دائم شورای امنیت از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، از حقّ وتو به ترتیب زیر استفاده کرده اند:

۱۹۹۰-۱۹۸۶	۱۹۸۵-۱۹۴۵	
۲۴	۴۲	ایالات متّحد آمریکا
-	۱۱۶	اتحاد جماهیر شوروی
۷	۲۳	بریتانیای کبیر
-	۴	چین
۳	۱۵	فرانسه

۲: فعالیت‌های شورای امنیت: دبیر کل سازمان ملل متّحد، در گزارش خود در مورد فعالیت‌های سازمان چنین اظهار عقیده کرده که با پایان گرفتن جنگ سرد، آن مشکلاتی که سد راه زیست مسالمت‌آمیز بین المللی شده بود به طور کلی از میان برداشته شده است.



تردید نیست که تغییرات و تحولات اخیر جهان، پنج عضو دائم شورای امنیت را ترغیب نموده که به تعهدات بین‌المللی خویش، آن گونه که در منشور از آنها سخن به میان آمده است، عمل نمایند، همچنانکه وقایع مربوط به تهاجم عراق به کویت و واکنش سریع شورای امنیت در قبال این تجاوز به خوبی نشان داد که شورای امنیت بین‌المللی در صورتیکه میان اعضای دائم آن اتفاق نظر موجود باشد، می‌تواند در جهت حفظ صلح و استقرار امنیت بین‌المللی موثر باشد؛ گویانکه این عملیات در نظر کشورهای غیرمتعهد و توسعه نیافته به مثابه دخالت پنج قدرت (هیأت مدیره جهانی) در تمامی امور جهان بوده است.

#### ● قبرس

دبیرکل سازمان در گزارش خود از وخامت اوضاع و احوال جزیره قبرس و توقف مذاکرات برای صلح سخن به میان آورده و پس از آن به شکست مذاکرات جامعه اروپا در ۱۹۹۰ اشاره کرده است. با این حال، شورای امنیت از دبیرکل درخواست نمود که به تلاش خود ادامه دهد. شورا، هم‌چنین با یادآوری قطعنامه ۳۶۷ (۱۲) مارس ۱۹۷۵) و حمایت صریح از موافقت نامه‌هایی که در ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ برای فیصله دادن به اختلافات میان دو جامعه ترک و یونانی جزیره قبرس انعقاد یافته از این دو جامعه درخواست کرده بود که با دبیرکل همکاری نمایند تا همچنانکه در ژوئن ۱۹۸۹ پیش‌بینی شده بود، طرح موافقت نامه‌ای جامع ریخته شود. شورای امنیت در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۰ مجدداً تشکیل جلسه داد و

رئیس آن در بیانیه‌ای که همان روز منتشر شد، پس از یادآوری قطعنامه ۱۲ مارس، مجدداً از طرفین دعوا درخواست نمود که با دبیرکل صمیمانه همکاری کنند. با همه این احوال از این اقدامات ثمری عاید نشد. اختلاف مهمی که میان دو جامعه ترک و یونانی و قبرس وجود دارد، نابرابری آنان در اداره امور قبرس است.

ترکیه به نام جمهوری ترک قبرس شمالی، برای حل این مشکل، به نظریات مشورتی پروفیسور مونرولی<sup>۲۲</sup> Monroe Leigh و لاتریاقت<sup>۲۳</sup> E.Lauterpacht استناد کرده؛ اما قبرس با رد این نظریات، خصوصاً متذکر این نکته شده است که میان نظریه ۱۹۹۰ و نظریه ۱۹۶۴ لاتریاقت تعارضی آشکار وجود دارد و در نتیجه به هیچوجه نمی‌توان بدان اعتماد کرد.

مشکل دیگری که از ابتدا در جهت حل اختلافات قومی قبرس خودنمایی کرده، تأمین هزینه‌های مالی نیروهای ملل متحد در آن کشور بوده است. البته این مأموریتها در ۱۵ ژوئن و ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ تمدید گردیده است؛ با این حال از آنجا که سازمان ملل متحد از ۱۰ سال پیش تا به حال قادر به پرداخت هزینه این نیروها نبوده و دولتهای اعزام کننده نیرو نیز هم چنان زیر بار سنگین این مخارج باقی مانده‌اند، استقرار این نیروها در آن کشور با مشکل مواجه گردیده است.

#### ● خاورمیانه: سرزمینهای اشغالی اسرائیل

گذشته از قطعنامه‌های عادی که مأموریت نیروهای حایل ملل

22. A/44/967-5/21420-1er août 1990: "Opinion concernant le statut juridique des communautés chipriote turque et chipriote grecque en droit international".

23. A/44/96- S/21463-9 août 1990: "La République turque de Chypre- Nord. Le statut des deux communautés à Chypre."

متّحد در لبنان (FINUL) و نیروهای ناظر بر آتش بس (FNUOD) را تمدید می‌کرد، شورای امنیت قطعنامه‌های دیگری به تصویب رسانده و جلسات متعددی نیز تشکیل داده است تا مسأله سرزمینهایی را که اسرائیل به تصرف خود در آورده است، حل نماید. مذاکرات شورای امنیت خصوصاً به مسأله اعزام هیأت‌های تحقیق مربوط می‌شد؛ اما طرح قطعنامه‌ای که بنا بر آن قرار بود، شورای امنیت هیأتی متشکل از سه عضو شورای امنیت را به منطقه اعزام نماید در اثر رأی منفی ایالات متّحد با شکست مواجه شد.<sup>24</sup>

شورای امنیت با تشکیل جلسه‌ای در ماه اکتبر، دو قطعنامه به تصویب رساند:<sup>25</sup> نخستین قطعنامه با محکوم کردن اقدامات نیروهای امنیتی اسرائیل، از تلاش دبیرکل در جهت اعزام هیأتی به مناطق اشغالی جانبداری می‌کرد و دوّمین قطعنامه از امتناع اسرائیل در پذیرفتن این هیأت اظهار تأسّف می‌نمود. شورتی امنیت مجدداً در نوامبر و دسامبر ۱۹۹۰ جلساتی تشکیل داد و پس از مذاکرات بسیار، سرانجام در ۲۰ دسامبر قطعنامه‌ای به تصویب رساند<sup>26</sup> و بنا بر آن از دبیرکل سازمان ملل درخواست نمود که گزارشی درباره اوضاع و احوال مناطق اشغالی برای شورا تهیه نماید و پس از آن پیشنهاد کرد که امضاکنندگان معاهده چهارم ۱۹۴۹ ژنو گردهم آیند. گذشته از این، رئیس شورای امنیت با انتشار بیانیّه‌ای از تمایل کلیّه اعضای شورای امنیت مبنی بر تشکیل یک کنفرانس منسجم بین المللی برای حلّ

24. S/21326

این طرح را که کشورهای حبشه، زئیر، ساحل عاج، کلمبیا، کوبا، مالزی و یمن تهیه کرده بودند به تصویب ۱۴ عضو شورای امنیت رسید، اما ایالات متّحد آن را رد کرد. نک:

S/PV. 9926 (31 mai 1990)

25. S/RES/672, 673-13, 24 octobre 1990

26. S/RES/651-20 décembre 1990

اختلافات اعراب و اسرئیل و نیل به صلحی دائم خبر داد.

● ایران و عراق: رسمیت یافتن نامهای «خلیج فارس» و «شط العرب»  
خاویر پرزد کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود در  
مورد فعالیت یونیسکو (۲۳ مارس - ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۰)، به مسأله  
مربوط به عنوان «خلیج فارس» و «شط العرب»، پرداخته و پس از اشاره  
به رویه دبیرخانه چنین نتیجه گیری کرده است که با توجه به اسناد،  
نشریات و اعلامیه های دبیرخانه سازمان ملل، عنوان خلیج فارس اصولاً  
برای تعیین قلمرو دریایی میان شبه جزیره عربستان و ایران به کار  
می رفته، همچنان که به موجب همین اسناد، عنوان «شط العرب» بیشتر  
از «اروند رود» رایج بوده است.<sup>۲۷</sup>

با همه این احوال دبیرکل اعلام کرده که به عنوانهایی که  
سازمانهای بین المللی و یا کشورها به این مناطق می دهند، احترام  
می گذارد.<sup>۲۸</sup>

● عراق و کویت: اعمال تشبیهات بین المللی (فصل هفتم منشور):  
استفاده از زور

تهاجم عراق به کویت و سپس انضمام خاک کویت به این کشور  
موجب واکنش شدید شورای امنیت در قبال عراق گردید. شورای  
امنیت از آن تاریخ تا ختم غائله، ۱۲ قطعنامه به تصویب رسانده که  
بیشتر آنها بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر گردیده است.

27. ST/CS/SER.A/29

۲۸. یونسکو نیز از دبیرخانه سازمان ملل تبعیت کرده و عنوان «خلیج فارس» را به «خلیج» ترجیح

داده است. رک. یادداشت مدیرکل یونسکو: 25/C/DR 270.

در اوت ۱۹۹۰ یعنی روز تهاجم نیروهای عراقی به کویت، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ای (قطعنامه ۶۶۶)، تجاوز عراق به خاک کویت را محکوم کرد و خواستار بازگشت فوری و بی قید و شرط نیروهای عراقی از کویت گردید. در این قطعنامه آشکارا به ماده ۳۹ و ۴۰ منشور اشاره شده است.

### الف: اعمال تنبیهات بر ضد عراق (فصل هفتم منشور)

در ۶ اوت، شورای امنیت با تکیه بر فصل هفتم منشور تصمیم گرفت که تنبیهاتی اقتصادی بر ضد عراق وضع نماید. این تنبیهات، دامنه ای گسترده داشت و برای این وضع شده بود که عراق و کویت اشغالی در تنگنا قرار گیرند. با این حال، قطعنامه ای که برای اعمال این تحریمات به تصویب رسید، اجازه داده بود که کمکهای دارویی و سایر کمکهای اضطراری که جنبه ای صرفاً انسانی دارند، از این تحریمات استثنا شوند.

این قطعنامه با اشاره به رویه سابق شورا، خصوصاً در مورد رودزیا، کمیته ای متشکل از تمام اعضای شورای امنیت به وجود آورد<sup>۲۹</sup> و در ۱۳ دسامبر در تکمیل این قطعنامه با تصویب قطعنامه ای دیگر<sup>۳۰</sup> یادآور گردید که فقط شورای امنیت می تواند به طور مستقیم یا از طریق کمیته معین نماید که در چه شرایطی می توان به عراق کمکهای بشر دوستانه نمود. شورای امنیت در این قطعنامه، مسؤولیت عدم اجرای مقررات قطعنامه ۶۶۱ و عدم توجه به محدودیتهای مقرر در آن را به عهده دولتها گذاشت.

۲۹. قطعنامه ۶۶۱-۶ اوت ۱۹۹۰ (S/PV-2933).

۳۰. قطعنامه ۶۶۶-۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰ (S/PV-2939).

در ۲۴ سپتامبر، شورای امنیت، کمیتهٔ تنبیهات را مأمور نمود تا در مورد درخواست کمکهای موضوع مادهٔ ۵۰ منشور تحقیق نماید و در ۲۵ سپتامبر اعلام کرد که مقررات قطعنامهٔ ۶۶۱ به هر وسیلهٔ حمل و نقل از جمله هواپیما تعمیم می‌یابد.

شورای امنیت و کمیته تحریمات، در جهت اجرای تنبیهات یاد شده، اسناد و مدارک زیادی منتشر نمودند و دولتهای عضو هر یک در مورد مقرراتی که مجالس قانونگذاری وضع کرده بودند، اطلاعیه‌هایی صادر کردند. دولتهای عضو جامعهٔ اروپا نیز در داخل و در سطح جامعهٔ مقرراتی در جهت اعمال این تحریمات وضع کردند که مبین وحدت نظر آنان در قلمرو امور اقتصادی بود. با این حال، سوئیس، کشور بی‌طرف و غیر عضو سازمان ملل، اعلام نمود که به رغم عدم عضویتش در سازمان ملل متحد مستقلاً مقرراتی در این قلمرو صادر کرده است که کلاً با تصمیمات شورای امنیت هماهنگ می‌نماید.

این دولت همچنین متذکر این نکته شده بود که چون در سازمان ملل متحد عضویت ندارد، از لحاظ حقوقی تابع تصمیمات شورای امنیت و در نتیجه قطعنامهٔ ۶۶۱ (۱۹۹۰) نیست.<sup>۳</sup>

در این میان، بسیاری از دولتهای عضو سازمان ملل با استناد به مادهٔ ۵۰ منشور ملل متحد که مقرر داشته بود:

«چنانچه شورای امنیت اقداماتی احتیاطی یا قهری ب ضد یک دولت مقرر بدارد، هر دولت دیگر که از این لحاظ خود را در تنگنای اقتصادی ببیند، اعم از این که عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت نماید.»

31. S/21585-22 août 1990.

شورای امنیت را در جریان مشکلات اقتصادی خود قرار دادند.

اردن از جمله این کشورها بود که تقاضایش در کمیته تحریمات مورد بررسی قرار گرفت و شورای امنیت بر آن اساس در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۰ توصیه نامه کمیته را در مورد آن کشور به تصویب رساند؛<sup>۳۳</sup> همچنین در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۰، توصیه نامه های کمیته تحریمات را در مورد ۱۸ کشور دیگر مورد تصویب قرار داد. این کشورها عبارت بودند از: بلغارستان، تونس، رومانی، هندوستان، یوگسلاوی، لبنان، فلیپین، سری لانکا، یمن، چکسلواکی، لهستان، موریتانی، پاکستان، سودان، اوروگوئه، ویتنام، بنگلادش و سی شل.<sup>۳۳</sup>

#### ب: توسل به زور

از آنجا که آخرین بند از مقدمه قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت از حق طبیعی دفاع مشروع فردی یا جمعی در قبال حمله مسلحانه عراق به کویت (ماده ۵۱ منشور ملل متحد) سخن به میان آورده بود، کویت در ۱۲ اوت به اطلاع شورای امنیت رساند که بر اساس ماده ۵۱ منشور، از بسیاری از دولتها درخواست کرده است که در جهت اجرای قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) تدابیری نظامی یا تمهیداتی لازم اتخاذ نمایند. به همین دلیل، قطعنامه ۲۵ اوت ۱۹۹۰ (۶۶۵) از همه دولتهای عضو سازمان ملل که با حکومت کویت همکاری کرده و نیروهای دریایی خود را در منطقه آرایش داده بودند درخواست نمود که به منظور اجراء دستورات شورای امنیت و مقررات قطعنامه ۶۶۱، با اتخاذ تدابیری ورود و خروج کشتیهای تجاری را زیر نظر بگیرند و محموله آنها را به

32. S/21786.  
33. S/2203.

دقت بازرسی نمایند.<sup>۳۲</sup>

درباره اعتبار این قطعنامه، خصوصاً در مورد این که آیا شورای امنیت از حدّ تحریم اقتصادی پا فراتر گذاشته و محاصره دریایی عراق را وجهه عمل قرار داده است، اعضای شورای امنیت نظر ثابتی نداشتند و هر یک به لحاظ اوضاع و احوال سیاسی عالم و منافع ملی خویش عقیده ای ابراز می کرد. اما در مورد توسّل به زور، این قطعنامه صراحت چندانی نداشت.

نمایندگان فرانسه، انگلستان، ایالات متّحد آمریکا جملگی معتقد بودند که قطعنامه در حد لزوم و اندک متضمّن چنین اجازه ای است. با این حال نماینده انگلستان، چنین نتیجه می گرفت که در این مورد خاصّ، ماده ۵۱ منشور کفایت می نماید و می توان با استناد بدان در مواقعی که مقرّرات مربوط به تحریم اقتصادی نقض می گردد، به زور متوسّل شد. اما نماینده دولت چین برخلاف نمایندگان سه دولت یاد شده معتقد بود که قطعنامه ۶۶۱ متضمّن چنین اجازه ای نیست و به همین دلیل، حتّی در مواقعی که مقرّرات قطعنامه ۶۶۱ نقض می گردد، نمی توان به زور متوسّل گردید. نماینده اتّحاد شوروی نظری دیگر داشت و اصولاً بر این نکته اصرار می ورزید که در چنین مواقعی فقط کمیته ستاد مشترک، یعنی همان رکنی که ماده ۴۷ منشور پیش بینی کرده و تا به حال ابراز وجود مؤثر ننموده است، دارای صلاحیت است. با همه این احوال، قطعنامه ای که در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ به تصویب شورای امنیت رسید، بی آنکه پرده از این ابهامات بردارد، به دولتهای عضو سازمان ملل که با حکومت کویت همکاری می کردند،

۳۲. این قطعنامه با ۱۳ رأی موافق و دورای ممتنع (کوبا و یمن) به تصویب رسید. رک: S/PV. 2938.



اجازه داد که اگر در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ عراق قطعنامه های پیشین شورا را به طور کامل به موقع اجرا نگذارد، از تمام وسایل لازم استفاده کنند<sup>۳۶</sup> تا عراق سرانجام به رعایت مفاد آنها مجبور گردد و قطعنامه ۶۶۰ (۱۹۹۰) را به اجرا درآورد و در نتیجه راه برای اجراء قطعنامه های آینده که برای استقرار صلح و امنیت در منطقه به تصویب می رسند، هموار گردد.<sup>۳۷</sup>

البته، این قطعنامه همان طور که از منطوق ظاهری آن برمی آید از توسل به زور سخنی به میان نیاورده است؛ اما با بکار بردن عبارت «تمام وسایل لازم» دست دولتها را در تفسیر باز گذاشته و آنان را به استفاده وسیع از نیروهای نظامی وسوسه کرده است.

اما مسأله دیگری که توجه تمام جهانیان را به خود جلب نمود این بود که آیا شورای امنیت می تواند خارج از حدود پیش بینی شده در منشور: مواد ۴۳، ۴۲، ۵۱، به زور متوسل گردد؟

عراق همچنین به ماده ۱۰۶ منشور استناد می کرد که به موجب

آن:

«تا زمان لازم الاجرا شدن پیمانهای خاص مذکور در ماده ۴۳ که بنا بر آن شورای امنیت به تشخیص خود قادر باشد از عهده مسؤلیتهای یاد شده در ماده ۴۲ برآید، دولتهای امضاکننده «اعلامیه چهار ملت» که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو، و فرانسه بر طبق مقررات بند پنجم اعلامیه مذکور در جهت اقدام مشترک به نام ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین المللی با یکدیگر و در صورت لزوم با سایر اعضای ملل متحد مشورت و توافق خواهد کرد.»

35. à user de tous les moyens nécessaires

۳۶. قطعنامه ۶۷۸-۲۹ نوامبر- 1990-2963/S/PV.

این ماده که همچنان در منشور معتبر می‌نماید، تاکنون فقط در چند مورد استثنایی بدان استناد شده است.<sup>۳۷</sup> این ماده، اعضای دائم شورای امنیت را به لحاظ موقع ممتاز و مضاعف آنان در مقام قدرتهای بزرگ و امضاکنندگان اعلامیه مسکو از مسوولیت‌هایی خاص بهره‌مند نموده است. از نظر حقوقی، این مسوولیت‌ها به دلیل عدم انعقاد موافقتنامه‌های خاص همچنان معتبر باقی مانده است. این اعتبار بیشتر

۳۷. ۱. قضیه تقسیم فلسطین:

در ۱۹۴۸، پس از انتشار گزارش کمیسیون ملل متحد که بنا به آن تقسیم فلسطین بر اساس طرح مجمع عمومی فقط با توسل به قوه قهریه ممکن می‌نمود، نماینده کلمبیا خواستار به اجراء درآمدن ماده ۱۰۶ گردید. اما از آن جا که دولتهای بزرگ غربی عضو شورای امنیت نمی‌خواستند که اتحاد شوروی پایش به این منطقه باز شود و گذشته از این در مورد چگونگی تقسیم این سرزمین نیز همداستان نبودند، این پیشنهاد را نپذیرفتند.

۲. جنگ کره:

حین پنجمین اجلاس عادی مجمع عمومی (۱۹۵۰)، اتحاد شوروی چندین بار خواستار اجراء ماده ۱۰۶ گردید. هدف اتحاد شوروی از این کار، اثبات عدم مشروعیت بعضی از اقدامات غرب بود که برای مقابله با بحران کره از دولتهای عضو خواسته بود که بیدرتنگ نیروهایی نظامی در اختیار سازمان ملل بگذارند.

۳. بحران کنگو:

ماده ۱۰۶ منشور به لحاظ این بحران بصورتی جالب مطرح شد؛ چنانکه بعضی کشورها از جمله پاکستان، حبشه و عراق مدعی بودند که دولتهای بزرگ عضو دائم شورای امنیت به همان اندازه که در استقرار صلح و امنیت جهانی مسوولیت دارند، در مورد تأمین هزینه‌های مربوط به عملیات انتظامی نیز موظفند که تمام آن هزینه‌ها را تقبل نمایند.

اما اتحاد شوروی معتقد بود که در این باره فقط شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد و مجمع عمومی حق هیچ‌گونه اظهارنظری ندارد.»

cf. A/C.5/SR.842-19 Avril 1967, P.76.

از روح منشور مستفاد می‌گردد تا منطوق صرف این ماده (۱۰۶). به همین دلیل می‌توان گفت که مجمع و شورا هر دو به لحاظ این ماده در قبال حفظ و استقرار صلح دارای مسؤولیتهایی مشترک هستند.<sup>۳۸</sup>

### ج: دیگر تدابیر شورای امنیت

گذشته از قطعنامه‌هایی که از آنها یاد کردیم، شورای امنیت شش قطعنامه دیگر در مورد جنبه‌های مختلف این بحران به تصویب رسانده که هر یک از اهمیت خاص برخوردار است.

در ۹ اوت، شورا با تصویب یک قطعنامه (۶۶۲)<sup>۳۹</sup> اعلام کرد که انضمام خاک کویت به عراق به هر شکل و تحت هر عنوان مبنای حقوقی ندارد و به این سبب از لحاظ اعضای جامعه بین‌الملل، کان‌لم‌یکن و باطل می‌نماید، از این روی، شورا از تمام دولتها، سازمانهای بین‌المللی و نهادهای تخصصی درخواست نمود که این وضعیّت را شناسایی نکنند و از ایجاد هر گونه رابطه‌ای که به ظاهر متضمّن شناسایی چنین وضعیتی باشد، امتناع بورزند.

اما در مورد سرنوشت اتباع دولتهای ثالث در خاک عراق و کویت و همچنین نمایندگیهای دیپلماتیک و کنسولی مستقر در این دو سرزمین، شورای امنیت در ۱۸ اوت قطعنامه‌ای دیگر (۶۶۴)<sup>۴۰</sup> به تصویب رساند و مصمم‌تر از گذشته (۱۶ سپتامبر)، ضمن استناد به فصل هفتم، صراحتاً به ماده ۲۵ منشور اشاره کرد و قاطعانه از دولت عراق درخواست کرد که بیدرنگ به مفاد قطعنامه‌های

38. Gheballi Victor Yves, L'art .106, in Cot-Pellet, "La charte des Nations Unies".  
Economica, 1985, pp.1399-1407.

39. S/PV. 2934.

40. S/PV. 2937.

۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۴ شورای امنیت و مقررات معاهدات وین در مورد حقوق دیپلماتیک و کنسولی و سایر موازین حقوق بین الملل عمل نماید. قطعنامه ۲۹ اکتبر (۶۷۴) " به قطعنامه پیشین تفصیل بیشتری داده و از مقامات عراقی و نیروهای اشغال کننده خاک کویت رسماً درخواست کرده که از به گروگان گرفتن اتباع دولتهای ثالث خودداری نموده، از آزار و شکنجه اتباع کویت حذر کرده، دقت نمایند که از مفاد قطعنامه های شورای امنیت، چهارمین معاهده ژنو و معاهدات وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی تخلفی ننمایند. شورای امنیت، در این قطعنامه به عراق هشدار داده بود که آن دولت به لحاظ اشغال ناحق کویت مسؤول هر نوع خسارت به کویت یا دولتهای ثالث و هم چنین اتباع و شرکتهای و مؤسسات آنان است. شورای امنیت هم چنین از دبیرکل درخواست نموده بود که مساعی جملیه خود را برای خاتمه دادن به این بحران بکار برد.

در ۲۸ نوامبر، شورای امنیت با تصویب یک قطعنامه (۶۷۷) اقدامات عراق را برای تغییر بافت جمعیتی مردم کویت و امحاء اوراق هویت آنان محکوم کرد" و به دبیرکل سازمان ملل مأموریت داد که نسخه هایی از اوراق هویت مردم کویت را که صحت آنها به تصدیق دولت قانونی کویت رسیده است، تهیه نماید.

مجمع عمومی در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۰، به درخواست کویت مسأله «تجاوز عراق به کویت و اشغال خاک آن و نقض آشکار موازین منشور ملل متحد به دست عراق» را در دستور جلسه خود قرار داد، اما تصمیمی در مورد آن اتخاذ ننمود. با این حال در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰ با تصویب

41. S/PV. 2951.

42. S/PV. 2962.

قطعنامه ای از وضعیت حقوق بشر در کویت و وخامت آن سخن به میان آورد.<sup>۳</sup>

### ● نیکاراگوئه: ایالات متّحد آمریکا

در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۰، شورای امنیت به درخواست نیکاراگوئه برای رسیدگی به حادثه ۲۹ دسامبر در اقامتگاه سفیر نیکاراگوئه در پاناما، تشکیل جلسه داد. ایالات متّحد آمریکا ضمن اظهار تأسف از توجّه شورای امنیت به این مسأله، یادآور این نکته گردید که این قبیل معمولاً و به لحاظ عرف دیپلماتیک با گفتگو و مذاکره طرفین اختلاف و یا با وساطت مقدم السفراء محلی فیصله می یابد.

بریتانیای کبیر نیز با یادآوری ماده ۵۳ منشور (بند دوم) معتقد بود که در چنین مواردی شورای امنیت حق تصمیم گیری ندارد، زیرا دخالت‌های منطقه ای بر این تصمیمات برتر می نمایند؛ بنابراین همان گونه که سازمان کشورهای آمریکایی در قطعنامه ۸ ژانویه ۱۹۹۰ خود متذکر شده است؛ نیکاراگوئه باید از این طریق در صدد حلّ مشکل خود برآید.

به همین سبب، طرح قطعنامه ای که کلمبیا، ساحل عاج، کوبا، حبشه، مالزی، یمن دموکراتیک و زئیر تهیه کرده بودند، در اثر وتوی ایالات متّحد به تصویب نرسید.<sup>۴</sup> بریتانیای کبیر از دادن رأی به این طرح امتناع ورزید. فنلاند نیز با این که به این طرح رأی موافق داده

۴۳. قطعنامه ۱۸،۴۵/۱۷۰ دسامبر ۱۹۹۰ با ۱۴۴ رأی موافق در مقابل یک رأی مخالف (عراق) به تصویب رسید.

کشورهای افغانستان، الجزایر، کامبوج، اردن، لیبی، موریتانی، سودان، تونس، ویتنام و یمن مجموعاً (۱۰ کشور) در رأی گیری شرکت نکردند. A/45/PV.62

بود، اعلام کرد که همچنان به صلاحیت شورای امنیت در مورد رسیدگی به این مسأله تردید دارد.

#### ● کوبا: ایالات متّحد آمریکا

پس از آن که کشتی تجاری هرمان Hermann که کوبا از پاناما اجازه کرده بود، در چارچوب برنامه مبارزه با حمل و نقل مواد مخدر مورد بازرسی مأموران آمریکایی قرار گرفت، کوبا به شورای امنیت شکایت بر دو خواستار رسیدگی به این واقعه گردید. شورای امنیت برای پاسخ به این درخواست جلسه‌ای تشکیل داد، اما هیچ گونه تصمیمی در این باره اتخاذ ننمود.<sup>۴۵</sup>

رئیس کوبایی شورای امنیت با استناد به ماده ۲۰ نظامنامه داخلی، برای رسیدگی شورا به این واقعه جای خود را موقتاً به نماینده دولت یمن دمکراتیک داد.

در این جلسه، نمایندگان دولتهای ایالات متّحد آمریکا و کوبا بر سر اختیارات دولتها در دریای آزاد به بحث پرداختند.

مقامات هاوانا معتقد بودند که ایالات متّحد با توقیف و بازرسی کشتی یاد شده مقرّرات حقوق بین الملل را نقض کرده است، اما دولت ایالات متّحد بر این نکته اصرار می ورزید که اقدامات مأموران آمریکایی با اجازه دولت صاحب پرچم (پاناما) صورت گرفته است و از این روی به استناد ماده ۶ معاهده ۱۹۵۸ ژنو در مورد حقوق دریاها و ماده ۹۲ معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاها و ماده ۱۷ معاهده ۱۹۸۸ ملل متّحد درباره حمل و نقل غیر قانونی مواد مخدر و موادّ بی حس کننده، دولت آمریکا عملی برخلاف مقرّرات حقوق بین الملل انجام نداده است.

45. S/PV. 2907- 9 février 1990.

## ● سازمانهای بین المللی در ۱۹۹۱

### ۱. انحلال کمیته مشورتی پیمان ورشو: اوّل

#### ژوئیه ۱۹۹۱

سه روز پس از انحلال کومکون (COMECON)، شش دولت عضو پیمان ورشو (پیمان دوستی، همکاری و کمک متقابل: ۱۴ مه ۱۹۵۵) برای آخرین بار در اوّل ژوئیه ۱۹۹۱ گرد هم آمدند تا به عمر اتحاد اردوگاه سوسیالیست پایان دهند. ساختار نظامی این اتحادیه از ۲۱ مه ۱۹۹۱ به دنبال اعلامیه رسمی ۲۵ فوریه در هم فرو ریخته بود.

در گردهمایی اوّل ژوئیه ۱۹۹۱، روسای دولتها و وزرای خارجه اتحاد جماهیر شوروی، بلغارستان، چکسلواکی، رومانی، لهستان و مجارستان حضور داشتند. آلبانی در ۱۹۶۸ و جمهوری دموکراتیک آلمان بعد از ادغام در جمهوری آلمان و در پی امضای پروتکل ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۰ این سازمان را ترک گفته بودند.

### ۲. کناره گیری دولت آرژانتین از جنبش کشورهای

#### غیرمتعهد: ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱

در ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱ رئیس جمهور و وزیر امور خارجه آرژانتین رسماً اعلام کردند که دولت آرژانتین از جنبش کشورهای غیرمتعهد کناره گیری می نماید. علت اصلی خروج آرژانتین از این جنبش، فروپاشی نظام سوسیالیستی در جهان و در نتیجه بی محتوا شدن جنبش کشورهای غیرمتعهدی بود که میان دو نظام سرمایه داری و کمونیستی

حایل گشته بود.

### ۳. اجلاس سالانه اتحادیه کشورهای جنوب شرقی

#### آسیا: ژوئیه ۱۹۹۱

اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن: ANASE یا ASEAN) در ژوئیه ۱۹۹۱ اجلاس خود را در سنگاپور تشکیل داد. این اتحادیه که از کشورهای اندونزی، برونئی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین و مالزی ترکیب یافته است، در اجلاس ژوئیه ۱۹۹۱ با توجه به نظم جدید اقتصاد بین الملل، برای مقابله با بازار انحصاری اروپا (بازار مشترک) و موافقتنامه های اتحاد اقتصادی ایالات متحد آمریکا، کانادا و مکزیک، طرحهای مختلفی ارائه نمود که از آن میان، طرح نخست وزیر مالی (اتحادیه اقتصادی آسیای شرقی EAEG) از همه جالبتر می نمود. البته این طرح در مارس ۱۹۹۰ در اجلاس مالی نیز ارائه شده بود، منتها با استقبال دولتهای عضو اتحادیه روبرو نگردید، زیرا متضمن گسترش قلمرو اتحادیه و راه یافتن کشورهایی همچون چین، ژاپن، هنگ کنگ و تایوان به این اتحادیه بود.

### ۴. بیانیه کنفرانس امنیت و همکاری اروپا

#### در مورد اقلیتها: ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱

کنفرانس امنیت و همکاری اروپا که با حضور ۳۸ دولت از اول تا ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱ در ژنو برپا گردید، به پیشنهاد دولت ایالات متحد آمریکا بیانیه ای در مورد حفظ حقوق اقلیتها صادر کرد.



متن این اعلامیه، که سیزده کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) آن را تهیه کرده بودند، اصلاً تازگی ندارد زیرا مضمون آن دقیقاً تکرار همان مطالبی است که سران کشورهای عضو این کنفرانس در ژوئن ۱۹۹۰ در کپنهاگ بیان کرده بودند. وانگهی متن یاد شده متضمن تعهداتی مشروط یا کاملاً اختیاری است که امضاکنندگان را ملزم نمی‌سازد. این بیانیه همچنین به سازمانهای بین‌المللی غیردولتی مأموریت داده است که مسأله حقوق اقلیتها را در قلمرو حقوق داخلی دولتها و روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار دهند. با این حال، به موجب همین بیانیه، مسأله اقلیتها همچنان در دستور جلسات کنفرانس باقی خواهد ماند؛ هر چند که دولتهای محافظه‌کار (دولتهای بزرگ غربی، ترکیه، رومانی، بلغارستان) و دولتهای پیشرو (سوئیس و کشورهای اسکاندیناوی) بر سر محتوای حقوق اقلیتها اختلاف نظر بسیار دارند.

## ۵. گزارش کمیسیون مرکزی کشتیرانی بر روی

### رودخانه‌راین: ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۱

بر اساس گزارش سالانه کمیسیون مرکزی کشتیرانی بر روی رودخانه‌راین (سند ۴-۹۰، ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰) کشتیرانی بر روی رودخانه نسبت به سال قبل به علت بحران خلیج فارس تا میزان ۰/۴٪ تقلیل یافته است: ۲۰۱/۸ میلیون تن در ۱۹۹۰؛ ۲۰۲/۶ میلیون تن در ۱۹۸۹.

## ۶. الحاق لیشتن اشتاین به اتحادیه اروپایی

### مبادله آزاد: اول سپتامبر ۱۹۹۱

امیرنشین لیشتن اشتاین در اول سپتامبر ۱۹۹۱ رسماً به عضویت اتحادیه اروپایی مبادله آزاد در آمد.

این کشور، هفتمین کشوری است که به این اتحادیه می پیوندد. اتحادیه که از ۱۹۶۰ تأسیس شده است، حیات لرزانی دارد. شورای اتحادیه که از دولتهای اتریش، ایسلند، سوئد سوئیس، فنلاند و نروژ ترکیب یافته بود، در اجلاس ۲۲ مه ۱۹۹۰ در وین و رود لیشتن اشتاین را به این اتحادیه مورد تصویب قرار داد. بریتانیا و پرتغال و دانمارک که اعضای مؤسس سازمان بودند برای این که بتوانند در جامعه اقتصادی اروپا عضو شوند، از این اتحادیه کناره گرفته اند که البته جای خالی آنها با ورود ایسلند در ۱۹۷۰ و فنلاند در ۱۹۸۶ پر شده است.

## ۷. کنفرانس توکیو برای کمک به مغولستان: ۵ تا

### ۶ سپتامبر ۱۹۹۱

در ۵ و ۶ سپتامبر ۱۹۹۱ کنفرانسی متشکل از آلمان، استرالیا، ایالات متحد آمریکا، فرانسه، کره جنوبی، ژاپن، جامعه اقتصادی اروپا، صندوق بین المللی پول، بانک آسیایی توسعه، برای کمک به مغولستان در توکیو برگزار شد. ژاپن در این کنفرانس متعهد شد که ۱۵۵ میلیون دلار به مغولستان اعتبار مالی دهد.

## ۸. عراق و سازمان ملل متحد

الف: بحران در روابط میان عراق و نیروهای چند ملیتی تابستان ۱۹۹۱.

در اوایل تابستان ۱۹۹۱، به علت سستی عراق در اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، میان این کشور و نیروهای چند ملیتی بحرانی سخت پدید آمد.

البته پیش از این تاریخ مشکلاتی جدی در مورد حل مسأله آزادی اسرای جنگی که باید در محدوده قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت آزاد می شدند، به وجود آمده بود.

شش ماه پس از ترک مخاصمه، یعنی در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۱، بر اساس گزارش سخنگوی کمیته بین المللی صلیب سرخ جهانی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۱، عربستان سعودی ۷۰۳۱۱ اسیر جنگی عراقی را آزاد نمود تا به کشور خویش باز گردند، با این حال، ۱۴۰۰۰ نظامی عراقی که در عربستان اسیر بودند از بازگشت به وطن امتناع ورزیدند. اما ۲۴۴۲ اسیر کویتی همچنان در عراق محبوس ماندند و ۲۶۰۰۰ کرد در اردوگاههای جنوب شرقی ترکیه آواره شدند.

گذشته از این، آژانس بین المللی انرژی اتمی (A.I.E.A) درسی و پنجمین کنفرانس عمومی، از رفتار عراق که مانع تجسس نمایندگان آژانس در قرارگاههای نظامی شده بود، شکوه نمود و در قطعنامه ای که در ۲۰ سپتامبر با ۷۱ رأی موافق در مقابل یک رأی مخالف (عراق) و ۷ رأی ممتنع به تصویب رساند، از مانع تراشیهای مداوم عراق در جهت اجرای قطعنامه های ۶۸۷ و ۷۰۷ شورای امنیت جداً ابراز تأسف کرد و

یادآور شد که عراق باید بی‌درنگ به تعهدات بین‌المللی خود عمل نماید. به همین جهت چند روز پس از تصویب این قطعنامه چهل و چهار کارشناس کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که چهار روز در یک اتوبوس در بغداد محبوس مانده بودند، در ۲۳ سپتامبر بر اساس موافقتنامه‌ای که میان سازمان ملل متحد و عراق منعقد گشت آزاد شدند و کار خود را شروع نمودند. نتیجه بازرسی این هیأت نشان داد که عراق در کار ساخت بمبهای اتمی بسیار پیشرفت کرده است.

در همین اوقات، برنارد بروئر، تبعه سویس و رئیس بخش تحقیقات آزمایشگاهی اشیپیتز، در مقام رئیس هیأت نمایندگی سازمان ملل متحد مأموریت یافت که تا اول نوامبر ۱۹۹۱ تحقیقات گسترده‌ای درباره سلاحهای شیمیایی عراق انجام دهد. این هیأت، ششمین هیأتی بود که سازمان ملل متحد برای انجام پنجمین مأموریت به عراق اعزام می‌داشت. هیأت بازرسی از ۲۶ کارشناس برجسته از ۱۰ ملیت مختلف تشکیل شده بود.

#### ب: حادثه در جزیره بوبیان: ۲۸ اوت ۱۹۹۱

شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۰ اوت ۱۹۹۱ به عملیات ۸۰ نظامی عراقی که در ۲۸ اوت با لباس غیرنظامی در جزیره بومیان کویت به عملیات سلطه‌جویانه دست زده بودند، شدیداً اعتراض نمود. این عملیات که پس از جنگ میان نیروهای چند ملیتی و عراق مهمترین حادثه به شمار می‌رفت، با پشتیبانی دو ناوگان جنگی انجام گرفت. بر اساس گزارش ۱۰ سپتامبر دبیرکل سازمان ملل، ۴۵ نفر از

این افراد به اسارت درآمدند.

پس از وقوع این حادثه، موافقتنامه‌ای برای مدت ۱۰ سال میان ایالات متحده آمریکا و کویت در واشینگتن به امضا رسید که به موجب آن امنیت این جزیره تضمین گردید.

### ج: پرداخت غرامت به کویت

عراق که هنگام تهاجم به کویت، هشت هواپیمای مسافربری کویتی را منهدم کرده بود، در ۵ اوت ۱۹۹۱، ۱۰۰ میلیون دلار به شرکت هواپیمایی کویت غرامت پرداخت نمود. عراق همچنین در قبال ضبط شمشهای طلای کویت که در ابتدای تهاجم به خاک این کشور از کویت ربوده بود، ۷۰۰ میلیون دلار به کویت پرداخت کرد.

### د: حذف بعضی از محدودیتهای بین المللی که برای فروش نفت عراق پیش بینی شده بود.

شورای امنیت در ۱۵ اوت ۱۹۹۱ با تصویب قطعنامه‌ای (قطعنامه ۷۱۶) به عراق اجازه داد که تا میزانی معین نفت خود را صادر نماید. این قطعنامه که با ۱۳ رأی موافق، یک رأی مخالف (کوبا) و یک رأی ممتنع (یمن) به تصویب شورای امنیت رسید و با اعتراض عراق مواجه گردید، این کشور را موظف می‌کرد که حداکثر تا میزان ۳۰٪ از مبلغ حاصل از فروش نفت را به صندوق غرامات جنگی پرداخت نماید.

## ه: خاموش کردن چاههای نفت کویت که در اثر تهاجم عراق مشتعل شده بود

در ۵ نوامبر ۱۹۹۱، با خاموش شدن هفتصدوسی و دومین چاه نفت که در پی تهاجم عراق به کویت و جنگ خلیج فارس مشتعل شده بود. کار خاموش کردن چاههای نفت کویت به پایان رسید. کویت در این تاریخ سرانجام موفق شد که فقط تا میزان ۳۰۰,۰۰۰ بشکه نفت در روز تولید نماید. پیش از بحران خلیج فارس، کویت تا میزان ۲ میلیون بشکه نفت در روز تولید می کرد. چاههای نفت مشتعل کویت، با کوشش ۲۷ گروه کارشناس فنی متعلق به ۱۰ کشور مختلف جهان خاموش گردید.

## ۹. شروع آتش بس در جنگ صحرای غربی:

### ۶ سپتامبر ۱۹۹۱

پس از پانزده سال جنگ میان مراکش و جبهه پولیساریو و در پی مذاکرات پیچیده و طولانی، سازمان ملل متحد سرانجام موفق شد که آتش بسی میان طرفین متخاصم برقرار نماید. آتش بس از ۸ صبح (به وقت پاریس) ۶ سپتامبر ۱۹۹۱ رسماً به موقع اجراء درآمد. این آتش بس، نخستین مرحله برای انجام یک همه پرسی است که باید از ابتدای سال ۱۹۹۲ برگزار گردد. نخستین واحد کلاه آبیهای سازمان ملل متحد به فرماندهی ژنرال آرمان روی (Armand Roy) در ۵ سپتامبر به لایون (Laayonne) پایتخت اداری صحرای غربی وارد شد تا مأموریت خود را که همانا ایجاد نظم برای برگزاری رفراندوم است به پایان رساند.

## ۱۰. عملیات عظیم نمایشی ناتو در غرب آلمان:

۱۰ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۱

سی هزار نظامی متعلق به نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از دهم تا بیستم سپتامبر ۱۹۹۱ در منطقه و ورتزبورگ (Würzburg) واقع در غرب آلمان به نخستین عملیات نمایشی پیمان آتلانتیک، پس از بحران خلیج فارس دست زدند. حدود چهل نفر از کشورهای عضو کنفرانس امنیت و همکاری اروپا بر این عملیات نظارت کردند.

## ۱۱. اقدامات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی

برای تقلیل سلاحهای هسته ای: ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱

وزرای دفاع دولتهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۱ در تائورمینا (سیسیل) تشکیل جلسه داده بودند، پس از مذاکره تصمیم گرفتند که سلاحهای هسته ای مستقر در اروپا را تا میزان ۸۰٪ کاهش دهند. این برنامه که تا به حال سابقه نداشته است، ظرف ۲ تا ۳ سال آینده به اجرا درخواهد آمد.

فرانسه که از ۱۹۶۸ خود را از ساختار نظامی اتحادیه آتلانتیک جدا ساخته است، در جلسات این گردهمایی حضور نداشت، به همین علت، مشمول این محدودیت نمی گردد.

## ۱۲. کنفرانس سران کامنولث در هراره

۱۲ تا ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱

بیست و هشتمین کنفرانس سران کشورهای عضو کامنولث (۴۳ دولت) از ۱۶ تا ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱ در هراره پایتخت زیمبابوه تشکیل گردید. در این کنفرانس، مقرر گردید که تحریمات اقتصادی این جامعه بر ضد افریقای جنوبی به تدریج از میان برداشته شود. ژاپن در ۲۲ اکتبر به تقلید از این سازمان، تصمیمی مشابه اتخاذ نمود.

## ۱۳. بیست و ششمین اجلاس سالانه کنفرانس عمومی

یونسکو: ۱۵ اکتبر تا ۷ نوامبر ۱۹۹۱

بیست و ششمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو از ۱۵ اکتبر تا ۷ نوامبر ۱۹۹۱ در پاریس برگزار گردید. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه، هنگام افتتاح کنفرانس از دولتهای ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر و سنگاپور که این سازمان را ترک کرده بودند، دعوت نمود که مجدداً به این سازمان بازگردند؛ اما این دعوت تاکنون پاسخی به دنبال نداشته است.

مجمع یونسکو (کنفرانس عمومی) در این اجلاس، دولتهای حوضه دریای بالتیک را مجدداً به عضویت پذیرفت و با عضویت توولو (مستعمره سابق بریتانیا یا همان جزیره ای که در اقیانوس آرام واقع شده و بیش از این الیس Ellice نامیده می شد) موافقت نمود.

کنفرانس عمومی یونسکو، همچنین، اوگوت (Ogot) مورخ کنیایی را که از ۱۹۸۶ رئیس راه آهن کنیا بوده است به ریاست یونسکو



برگزید. در این انتخابات دولتهای انگلیسی زبان از اوگوت بسیار حمایت کردند.

وضع مالی یونسکو و سیاستهای مربوط به آن چندان امیدوارکننده نیست: ۶۰٪ از بودجه این سازمان صرف دستمزد کارکنان آن (۲۷۰۰ نفر) می‌گردد. به همین جهت یونسکو همیشه برای اجراء برنامه‌هایش با مشکلاتی روبرو بوده است. ژاپن برای اصلاح این سازمان پیشنهادهایی ارائه داده و خواستار ایجاد تغییراتی در ترکیب شوراهای اجرایی این سازمان که دارای ۵۱ عضو است، گردیده و چنین اظهار عقیده کرده است که شورای اجرائی باید در مورد اداره سازمان از خود همت بیشتری خرج دهد. سویس نیز از ضعف برنامه‌های فرهنگی یونسکو گلایه کرده است.

#### ۱۴. پذیرش لهستان در شورای اروپا

۲۶ نوامبر ۱۹۹۱

لهستان در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۱ به عضویت شورای اروپا درآمد و بدین ترتیب سومین کشور عضو سابق اردوگاه شرق (بعد از مجارستان و چکسلواکی) در این شورا پذیرفته شد و بیست و ششمین عضو آن گردید.

#### ۱۵. به تعویق افتادن کنفرانس صلیب سرخ در

بوداپست برای مدت نامعین، ۲۹ نوامبر ۱۹۹۱

در چند سال اخیر بارها اتفاق افتاده بود که کنفرانس صلیب

سرخ به علت عدم پیش بینی بعضی از مسائل مربوط به حضور بعضی از دولتها مثل افریقای جنوبی (کنفرانس ۱۹۸۶) با شکست مواجه گردد. این بار نیز مسأله حضور فلسطین در بیست و ششمین کنفرانس صلیب سرخ که قرار بود از ۲۹ نوامبر تا ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ در بوداپست تشکیل گردد، کار برگذاری کنفرانس را مشکل روبرو ساخت. البته در کنفرانس ۱۹۳۸ صلیب سرخ در مادرید دو هیأت نمایندگی اسپانیایی در جلسات کنفرانس شرکت جستند. در کنفرانس تورنتو نیز مسأله حضور چین موجب بروز مشکلاتی گردید. همچنین در کنفرانس ۱۹۸۶ ژنو از حضور هیأت نمایندگی افریقای جنوبی ممانعت به عمل آمد و چنین اعلام شد که حضور این دولت در کنفرانس اصولاً با بی طرفی سیاسی جنبش بشر دوستانه هانری دونان و مونیه یعنی بنیانگذاران سازمان، تنافر دارد.

اما این بار حضور یک عضو- یعنی سازمان آزادی بخش فلسطین- موجب عدم برگذاری کنفرانس گردید. سازمان آزادی بخش، در مقام یک سازمان مورد حمایت سازمان هلال احمر مایل به شرکت در جلسات کنفرانس بود، اما ایالات متحد امریکا و اسرائیل با ادعای اینکه سازمان آزادی بخش در جنگ خلیج فارس یا اور نیروه‌های عراقی بوده و به این صورت قاعده بی طرفی را نقض کرده است، با حضور آن در کنفرانس مخالفت می کردند و به همین علت شرکت در جلسات این کنفرانس را منوط به عدم حضور سازمان آزادی بخش فلسطین نمودند. به همین سبب به تعویق افتادن این کنفرانس لازم می نمود. ایالات متحد امریکا حتی نپذیرفت که « ساف » در مقام ناظر ساده به جلسات راه یابد؛ گرچه خود ساف به همین اندک نیز بسنده نموده بود.

کمیسیون دائم صلیب سرخ و هلال احمر در یک بیانیه مشترک رسمی در ۲۶ نوامبر ۱۹۹۱ ضمن اظهار تأسف عمیق از پافشاری دو دولت امریکا و اسرائیل در مخالفت با « ساف » ، اعلام کردند که حضور ساف در کنفرانس باید به دور از هر مجادله سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. به همین جهت این دو سازمان ابراز امیدواری نمودند که در آینده نزدیک این بحران پایان پذیرد.

## ۱۶. اعلام میزان بدهیهای کشورهای بدهکار به

### سازمان ملل متحد: ۴ دسامبر ۱۹۹۱

دبیرکل سازمان ملل ، آقای پرزد کوئیاری ، پیش از آنکه مقام خود را به دیگری واگذار نماید، در ۴ دسامبر ۱۹۹۱ اعلام نمود که فقط ۶۴ دولت از ۱۵۹ عضو سازمان ملل متحد بدهیهای خود را به این سازمان پرداخت کرده اند. ایالات متحد امریکا، بدهکار عمده سازمان ۴۸۵ میلیون دلار به سازمان بدهی دارد. در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۱، جمع کل بدهیها بالغ بر ۵۲۴ میلیون دلار می شده است.

## ۱۷. پذیرش چکسلواکی در مرکز اروپایی تحقیقات

### هسته ای: ۲۰ دسامبر ۱۹۹۱

شورای مرکز اروپایی تحقیقات هسته ای (CERN) - آزمایشگاه اروپایی فیزیک اتمی - در ۳۰ دسامبر ۱۹۹۱ به عضویت چکسلواکی در مقام هفدهمین عضو سازمان رأی مثبت داد. بعد از پذیرش لهستان در این سازمان (۱۴ دسامبر ۱۹۹۰)، چکسلواکی دومین کشور اروپای

---

مرکزی است که برای تحقیق در قلمرو فیزیک اتمی، صالح شناخته شده  
است.

## ● رویه قضایی بین المللی

۱. قرار ۱۳ دسامبر ۱۹۸۹ دیوان بین المللی دادگستری  
در قضیه حادته هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸  
(ایران برضد ایالات متحد امریکا)

در سوم ژوئیه ۱۹۸۸ یک هواپیمای ارباس ایرانی که حامل  
۲۹۰ نفر سرنشین بود، در نزدیکی جزیره قشم توسط ناوگان جنگی  
ایالات متحد امریکا در خلیج فارس سرنگون گردید و مسافران و خدمه  
آن، جملگی به هلاکت رسیدند.

اندکی پس از وقوع این حادثه سهمگین، شورای سازمان  
بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) با همکاری دو کشور ایران و  
امریکا به تحقیق درباره این حادثه پرداخت و سرانجام در ۱۷ مارس

۱۹۸۹ گزارشی در این باره تهیه و منتشر کرد.

شورای ایکائو در این گزارش، ضمن تأکید بر اینکه دولتهای جهان نباید به هواپیماهای غیرنظامی یکدیگر حمله نمایند، از آنان دعوت نموده بود که در جهت جلوگیری از بروز این قبیل وقایع تأسف بار تدابیری جدی بیندیشند؛ آنگاه، بی آنکه ایالات متحد آمریکا را صراحتاً محکوم کند، چنین نتیجه گرفته بود که علت اصلی این حادثه هماهنگ نبودن برنامه کار سازمانهای مسؤول پروازهای کشوری در این بخش از ایران، با طرحهای عملیاتی نیروهای نظامی مستقر در خلیج فارس بوده است.

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این تصمیم، براساس مواد ۸۴ و ۸۵ معاهده شیکاگو، در ۱۷ مه ۱۹۸۹ با تنظیم دادخواستی، در دیوان بین المللی دادگستری اقامه دعوی کرد و از آن دیوان تقاضا نمود حکم نماید که:

الف: تصمیم شورای ایکائو بی اساس بوده و دولت ایالات متّحد آمریکا معاهده شیکاگو را نقض کرده است؛

ب: دولت ایالات متّحد آمریکا مواد ۱ و ۳ و بند ۱ از ماده ۱۰ معاهده مونترال را نقض نموده است؛

ج: دولت ایالات متّحد آمریکا مکلف به پرداخت خساراتی است که دیوان تعیین می نماید.

بعد از آنکه ایران دادخواست خود را به دیوان بین المللی تسلیم نمود، طرفین دعوا با تعیین نماینده در دیوان، قصد خود را مبنی بر

حضور در دیوان بین‌المللی آشکار ساختند.

در جلسه ای که رئیس دیوان در اول سپتامبر ۱۹۸۹ براساس ماده ۳۱ اساسنامه با حضور نمایندگان دو دولت ایران و امریکا تشکیل داد، نماینده دولت ایالات متحده امریکا اعلام کرد که دولت امریکا همچنانکه در نامه خود به دیوان متذکر گردیده است " قصد دارد که پیش از تسلیم لایحه ایران، به صلاحیت دیوان بین‌المللی و استماع دعوی در آن دیوان ایراد نماید.

اما در جلسه دیگری که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۹ مجدداً تشکیل گردید، نماینده جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر داشت که: « دولت ایران معتقد است که دولت امریکا نمی تواند پیش از تسلیم لایحه ایران، به صلاحیت دیوان و قابل استماع بودن دعوا در آن دیوان ایراد نماید (!!)؛ از این رواز دیوان درخواست می کند که زمان دقیق تبادل لوایح را معین بدارد.»

گذشته از این، نماینده ایران با تسلیم نامه ای در ۱۱ اکتبر ۱۹۸۹ به دیوان بین‌المللی دادگستری، اعلام نمود که: « دولت ایران بنا بر دلایلی که به طور مشروح در همین نامه به اطلاع دیوان رسیده است، معتقد است که ایالات متحده امریکا به علت رفتاری که در قبال این قضیه پیش گرفته [استاپل] دیگر نمی تواند به صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این دعوا ایراد کند.»<sup>۲۶</sup>

### ● تحلیل مسأله و نظر دیوان

اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و اساسنامه

۲۶. این نامه همان روز به دیوان ابلاغ شده بود.

47. C.I.J., Rec. 1989, p.133.

دیوان بین المللی دادگستری، هر دو در مورد نحوه و زمان ایراد طرفین  
دعوا به صلاحیت دیوان ساکت بوده اند.

البته دیوان دائمی در قضیه «منافع آلمان در سیلزی علیا»  
ایرادات خواننده را پیش از آنکه خواهان لایحه خود را در مورد ماهیت  
دعوا به دیوان تسلیم بدارد، پذیرفت؛ به همین علت تصمیم گرفت که  
تا زمان حل شدن مسأله صلاحیت، زمان مربوط به تسلیم لایحه خواهان  
را تمدید بنماید. اما از آنجا که این مسأله (زمان ایراد به صلاحیت)،  
دیوان دائمی را با مشکل مواجه ساخته بود، در ۱۹۲۶ دیوان دائمی حین  
تجدید نظر در آیین دادرسی، کوشید تا این مسأله را به نحوی مطلوب حل  
کند؛ با این وصف اعضای دیوان با یکدیگر اختلاف نظر داشتند:  
دسته ای معتقد بودند که دیوان به دلیل مجمل بودن دادخواست  
خواهان، اصولاً نمی تواند قبل از ورود به ماهیت دعوا به ایرادات  
خواننده رسیدگی کند؛ گروهی نیز بر این عقیده بودند که جلوگیری از  
رسیدگی اجمالی به دعوا، قبل از معلوم شدن مسأله صلاحیت دیوان  
اساساً به نفع خواهان تمام می شود و در نتیجه حقوق خواننده تضییع  
می گردد. بعضی دیگر نیز اعتقاد داشتند که در غالب موارد، مضمون  
ایرادات و محتوای دعوا آنچنان در هم آمیخته شده است که نمی توان  
فقط به ایرادات رسیدگی کرد و ماهیت دعوا را نادیده گرفت.

سرانجام، پس از بحث بسیار، دیوان دائمی تصمیم گرفت که با  
درج ماده ۳۸ در آیین دادرسی، مسأله را به این صورت حل کند:

«هرگاه شکایت با دادخواست مطرح شده باشد، هر ایراد مقدماتی  
باید بعد از تسلیم لایحه خواهان و در مدت زمانی که برای تنظیم لایحه  
متقابل خواننده پیش بینی شده، به دیوان اعلام گردد.»



اما باز از آنجا که این ماده در عمل، در آن دعاوی که با موافقت هر دو طرف دعوا (Compromis) در دیوان مطرح می‌شود، با مشکل روبرو می‌گردید، دیوان دائمی در ۱۹۳۶ این ماده را اصلاح کرد و آن را به این صورت درآورد:

«هر ایراد مقدماتی باید حداکثر قبل از انقضای مهلتی که برای تنظیم نخستین لایحه کتبی تعیین شده است از طرف آن دولتی که به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوا اعتراض دارد، مطرح گردد.»

در ۱۹۵۶ که آیین دادرسی دیوان بین المللی دادگستری مورد تجدید نظر قرار گرفت، این ماده به همین صورت باقی ماند. اما در ۱۹۷۲ و سپس در ۱۹۷۸ که آیین دادرسی مجدداً اصلاح گردید، ماده ۳۸ جای خود را به ماده ۷۹ داد و سرانجام به این صورت درآمد:

«کلیه ایرادات خوانده به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوا و یا هرگونه ایراد دیگری که خوانده قبل از رسیدگی به ماهیت قضیه خواستار رسیدگی به آن شده باشد باید کتباً، ظرف مهلتی که برای تسلیم لایحه متقابل تعیین گردیده، مطرح گردد. طرح هر ایراد، توسط طرفی غیر از خوانده باید ظرف مدتی که برای تسلیم نخستین لایحه آن طرف تعیین شده است، صورت بگیرد.»

بدین ترتیب دیوان بین المللی دادگستری، سرانجام دریافت که طرفین دعوا اصولاً باید بتوانند قبل از تسلیم لایحه خود، به صلاحیت دیوان یا قابلیت استماع دعوا در آن دیوان ایراد کنند. ابتکار دیوان در این قلمرو از لحاظ منطقی نیز موجه می‌نماید؛ زیرا به موجب ماده ۵۳ اساسنامه دیوان:

«چنانچه یکی از طرفین دعوا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا از ابراز دلایل خود امتناع بورزد، طرف دیگر می تواند از دیوان تقاضا نماید که براساس دلایلی که به دیوان ابراز نموده، وارد در رسیدگی شود. قبل از اینکه دیوان این تقاضا را بپذیرد باید مطمئن گردد که نه تنها به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ [اساسنامه] صلاحیت رسیدگی دارد، بلکه درخواست مذکور، هم از جهت حکمی و هم از لحاظ موضوعی وارد و با اساس است.»

در این قبیل موارد، طرفی که در دیوان حاضر نشده است، سکوت نمی کند، بلکه کتباً دلایل خود را مبنی بر عدم صلاحیت دیوان، به آن دیوان ابلاغ می نماید و این خود مثل آن است که خواننده به محض اطلاع از دعوی خواهان با طرح چند ایراد به صلاحیت دیوان ایراد کرده باشد. با این وصف، در این گونه موارد دادرسی بین المللی به حالت تعلیق در نمی آید؛ هرچند که دیوان براساس بند ۲ از ماده ۵۳ اساسنامه، قضیه را از لحاظ حکمی و موضوعی مورد رسیدگی قرار می دهد تا بتواند به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود حکم کند.

با این حال، دیوان بین المللی دادگستری از زمان تدوین ماده ۷۹ تا مطرح شدن قضیه حادثه هوایی ۳ ژوئیه ۱۹۸۸، به لحاظ فلسفه کلی ماده [حفظ حقوق خواننده] همواره اجازه داده است که خواننده حتی پیش از تسلیم لایحه خواهان به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوا ایراد نماید. اما در این قضیه، دیوان بین المللی دادگستری صراحتاً به این مسأله اشاره کرده و در قرار ۱۳ دسامبر ۱۹۸۹ خود اعلام داشته است که:

«با توجه به بند ۱ از ماده ۷۹ آیین دادرسی دیوان، در صورتی که

خواننده مایل باشد به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوا در دیوان ایراد کند، حق دارد که پیش از طرح ایراد، از ماهیت دعوا که از آن به تفصیل در لایحه خواهان سخن به میان آمده است، آگاه شود؛ با این وصف اگر خواننده مایل باشد، می تواند پیش از اطلاع از تفصیل دعوا یعنی قبل از تسلیم لایحه خواهان، به صلاحیت دیوان یا قابل استماع بودن دعوا در دیوان، ایراد نماید.<sup>۲۸</sup>

## ۲. نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در مورد

«قابل اجرا بودن قسمت ۲۲ از ماده ۶ معاهده مربوط به

### مصونیتها و امتیازات ملل متحد»

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، در ۱۳ مارس ۱۹۸۴، آقای دومیترو و مازیلو (Mazilu)، تبعه رومانی را در مقام عضو کمیسیون فرعی مأمور مبارزه برضد مقررات تبعیضی و حمایت از اقلیتها برگزید. اندکی بعد، کمیسیون حقوق بشر از کمیسیون فرعی درخواست نمود که توجه خود را به مسایل «جوانان» در قلمرو حقوق بشر معطوف بدارد. به همین سبب، کمیسیون فرعی در سی و هشتمین اجلاس خود در ۲۹ اوت ۱۹۸۵ با تصویب قطعنامه ای (۱۹۸۵/۱۲) به آقای مازیلو مأموریت داد که گزارشی جامع در مورد حقوق بشر و مسایل مربوط به جوانان (حق حیات، آموزش، کار) تهیه نماید و از دبیرکل سازمان ملل بخواهد که وی را در انجام وظایفش یاری دهد تا اینکه بتواند این گزارش را در اجلاس سی و نهم کمیسیون فرعی قرائت کند.

اما اجلاس سی و نهم کمیسیون فرعی به دلیل غیبت آقای مازیلو تشکیل نگردید و به همین جهت اجلاس کمیسیون فرعی به سال بعد

(۱۹۸۷) موکول گردید. با این وصف به هنگام گشایش اجلاس سی و نهم در ۱۰ اوت ۱۹۸۷ باز از آقای مازیلو خبری به دست نیامد؛ تا اینکه هیأت نمایندگی رومانی در سازمان ملل به دفتر اروپایی ملل متحد در ژنو اطلاع داد که آقای مازیلو به علت سکنه قلبی در بیمارستان بستری شده است. آقای مازیلو نیز با ارسال تلگرامی به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که به علت ابتلا به بیماری قادر به شرکت در جلسات کمیسیون فرعی نیست. به همین جهت قرار شد که مسأله حقوق بشر و جوانان در اجلاس چهارم، در ۱۹۸۸ مورد بررسی قرار گیرد.

با وجود آنکه مأموریت آقای مازیلو در کمیسیون فرعی در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ پایان می پذیرفت، کمیسیون فرعی، رسیدگی به گزارش نامبرده را در دستور موقت اجلاس چهارم قرار داد و رابطه خود را با ایشان همچنان حفظ نمود.

بعد از ختم اجلاس سی و نهم کمیسیون فرعی، مرکز حقوق بشر دبیرخانه سازمان ملل بسیار کوشید که با آقای مازیلو تماس بگیرد و وی را در انجام وظایفش یاری دهد؛ اما توفیق نیافت. در دسامبر ۱۹۸۷، آقای مازیلو مخفیانه به معاون دبیرکل در امور حقوق بشر اطلاع داد که دولت رومانی وی را در ۱۹۸۷ در بیمارستان بستری کرده و از او خواسته است که از کارهای دولتی استعفا دهد و به استراحت اجباری پردازد. مازیلو در نامه ای که برای دبیرکل فرستاد، همچنین خاطر نشان نمود که در صورت موافقت دولت رومانی، آماده مسافرت به ژنو و تسلیم گزارش خویش به کمیسیون فرعی حقوق بشر است.

در آوریل و مه ۱۹۸۸ مازیلو با ارسال چند نامه محرمانه، به اطلاع معاون دبیرکل رساند که وی همچنان در مقابل فشارهای دولت رومانی ایستادگی می نماید؛ گو اینکه از لحاظ جسمی و روانی سخت فرسوده شده و توان مقاومت در وی باقی نمانده است.

کمیسیون فرعی در اجلاس چهارم خود، از دبیرکل درخواست کرد که با دولت رومانی تماس بگیرد و به اطلاع آن برساند که کمیسیون باید بی درنگ با مخبر مخصوص خود آقای مازیلو رابطه برقرار نماید؛ از این روی دولت رومانی باید به دبیرکل و نماینده ای از کمیسیون اجازه دهد که با آقای مازیلو ملاقات نمایند و وی را در انجام وظیفه اش یعنی تهیه یک گزارش جامع کمک کنند.

در ۱۷ اوت ۱۹۸۸ معاون دبیرکل در امور حقوق بشر به کمیسیون فرعی اطلاع داد که هیأت نمایندگی رومانی در مقر سازمان ملل متحد به اطلاع دفتر دبیرکل رسانده که:

«دولت رومانی مداخله دبیرکل سازمان ملل یا مأموران تحقیق را در بخارست، مداخله در امور خویش تلقی می نماید؛ به همین علت نمی تواند با درخواست دبیرکل مبنی بر اعزام نمایندگان به بخارست، جهت تحقیق درباره وضع آقای مازیلو موافقت کند.»

به همین سبب کمیسیون فرعی با تصویب قطعنامه ای (۱۹۸۸/۳۷) از دبیرکل سازمان ملل درخواست نمود کوشش نماید که با استناد به معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد از دولت رومانی بخواهد که به وظایف و تعهدات خویش عمل نماید و در صورتی که رومانی معاهده یاد شده را قابل انطباق بر مورد آقای مازیلو نداند، اختلاف نظر سازمان ملل متحد با رومانی را بی درنگ در ۱۹۸۹ به

اطلاع کمیسیون حقوق بشر برساند و از کمیسیون درخواست کند که در چنین فرضی از شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل بخواهد که از دیوان بین المللی دادگستری تقاضا نماید براساس قطعنامه (۱) ۸۹ مجمع عمومی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶، در مورد حوزه عمل و اقتدار مقررات معاهده یاد شده اظهار نظر مشورتی کند.

دبیر کل سازمان ملل متحد، با استناد به قطعنامه ۱۹۸۸ کمیسیون فرعی، در ۲۶ اکتبر ۱۹۸۸ به نماینده دائم رومانی در مقررات سازمان ملل متحد اطلاع داد که دولت رومانی باید به موجب مقررات مربوط به امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد به آقای مازیلو اجازه دهد که با کمک مأموران سازمان ملل، گزارش خویش را تهیه و به کمیسیون تسلیم نماید. دولت رومانی به این درخواست پاسخ نداد. معاون دبیر کل در امور حقوق بشر مجدداً در ۱۹ دسامبر ۱۹۸۸ با ارسال یادداشتی به نماینده دائم رومانی خواستار ملاقات با آقای مازیلو و لغو ممنوعیت مسافرت وی به ژنو گردید.

در ۶ ژانویه ۱۹۸۹ دولت رومانی از طریق هیأت نمایندگی خود در نیویورک به اطلاع مشاور حقوقی سازمان ملل متحد رساند که آقای مازیلو به علت از دست دادن توانایی جسمی و روحی تا به حال هیچ اقدامی در زمینه مأموریت خویش انجام نداده و در دستگاه حکومتی رومانی نیز هیچگونه مسؤولیتی ندارد. در همین نامه، دولت رومانی به اطلاع سازمان ملل رسانده بود که معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد بر مورد آقای مازیلو انطباق ندارد؛ زیرا به موجب این معاهده مخبران کمیسیون که فعالیت‌هایشان به مدت زمانی معین محدود گردیده است از وضعیت حقوقی مشابه با آنچه کارشناسان

هیأت‌های نمایندگی ملل متحد دارند، برخوردار نیستند. رومانی، همچنین بر این نکته اصرار ورزیده بود که اگر این قبیل افراد (مخبران کمیسیون) را از همان وضعیتهای برخوردار سازند، باز به هیچ روی نمی‌توان مدعی شد که اینان از مصونیتها و مزایای کارشناسان بهره‌مند هستند: مصونیت این مخبران مصونیتی شغلی است و این مصونیت تا آن زمان اعتبار دارد که اینان انجام وظیفه می‌نمایند. دولت رومانی همچنین در این نامه اعلام کرده بود که با طرح قضیه در دیوان بین‌المللی دادگستری جداً مخالف است.

در ۶ مارس ۱۹۸۹ کمیسیون با تصویب قطعنامه ۱۹۸۹/۲۷ به شورای اقتصادی-اجتماعی توصیه نمود که در مورد این قضیه از دیوان تقاضای نظر مشورتی کند. شورا در ۲۲ مه ۱۹۸۹ این توصیه را پذیرفت و با تصویب قطعنامه ۱۹۸۹/۷۵ از دیوان بین‌المللی تقاضای نظر مشورتی کرد.

دیوان بین‌المللی پس از رد ادعای دولت رومانی که دیوان را برای ابراز نظر صالح نمی‌دانست، اعلام کرد که اساساً نظر مشورتی دیوان در مورد معاهده مربوط به امتیازات و مصونیت‌های ملل متحد، حکمی توافقی نیست که نیاز به رضایت دولت رومانی داشته باشد؛ زیرا شورای اقتصادی-اجتماعی در این قضیه فقط از دیوان درخواست نموده است که با اظهار نظر در مورد تفسیر و اجرای معاهده به شورا اعلام کند که آیا معاهده یاد شده اصولاً در قضیه مازیلو قابل استناد هست یا نه؟ وانگهی، درخواست شورا، اصولاً مبتنی بر بند ۲ از ماده ۹۶ منشور ملل متحد است که به طور کلی به ارکان ملل متحد و نهادهای تخصصی اجازه داده که با کسب موافقت مجمع عمومی از دیوان

تقاضای نظر مشورتی بنمایند و از آنجا که شورا براساس قطعنامه (۱) ۸۹-۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ چنین اجازه ای را از مجمع کسب نموده، کاملاً حق داشته است که به تقاضای ارکان فرعی خود - کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی حقوق بشر - توجه کند و از دیوان درخواست نظر مشورتی نماید.

با این حال، رومانی مدعی بود که دیوان صلاحیت اظهار نظر در این مورد را ندارد؛ زیرا رومانی قسمت ۳۰<sup>۳</sup> از معاهده مربوط به مصونیتها و امتیازات ملل متحد را که طرفین معاهده را برای حل اختلاف به دیوان ارجاع داده و حکم مشورتی دیوان را لازم الاجرا به شمار آورده است، با قید شرط نپذیرفته است.<sup>۵۰</sup>

اما دیوان با استناد به ماده ۹۶ و ماده ۶۵ اساسنامه خود این ادعا را نپذیرفت و اعلام کرد که رسیدگی دیوان به این قضیه ربطی به قسمت ۳۰ معاهده ندارد و رضایت رومانی برای رسیدگی دیوان و اظهار نظر مشورتی، اصلاً مطرح نیست.

۴۹. قسمت ۳۰ از معاهده مربوط به امتیازات و مصونیتهای ملل متحد:

«اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای معاهده حاضر به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع می گردد؛ مگر آنکه طرفین اختلاف راه دیگری برای حل اختلاف خود انتخاب کنند.

اگر اختلافی میان سازمان ملل متحد از یک طرف و یک عضو ملل متحد از طرف دیگر پدید آید، با توجه به ماده ۹۶ منشور ملل متحد و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، از دیوان تقاضای نظر مشورتی خواهد شد.»

این نظر همچون یک حکم قاطع و الزام آور تلقی خواهد شد.

۵۰. شرط رومانی: «... جمهوری رومانی به قسمت ۳۰ از معاهده در مورد اجباری بودن صلاحیت دیوان نمی پیوندد... اما به هر حال اگر اختلافی در مورد تفسیر و اجرای معاهده مربوط به امتیازات و مصونیتهای ملل متحد به وجود آید، ارجاع امر به دیوان باید منوط به رضایت صریح رومانی باشد... رومانی همچنین الزام آور بودن نظر مشورتی دیوان را نمی پذیرد.»



اما در مورد مفهوم قسمت ۲۲ از ماده ششم معاهده مربوط به امتیازات و مصونیتها که از مصونیت «کارشناسان مأمور از طرف ملل متحد» سخن به میان آورده و به دو قسمت تقسیم شده. قسمت ۲۲ چنین مقرر داشته است که:

«کارشناسان هنگام انجام مأموریت برای سازمان ملل متحد، در زمان انجام مأموریت و همچنین به وقت مسافرت، از مصونیتها و امتیازات لازم برای انجام وظایف برخوردار می شوند.»

این مصونیتها عبارتند از:

الف: مصونیت از بازداشت شخصی، حبس و توقیف اسباب و لوازم شخصی؛

ب: مصونیت قضایی یعنی مصونیت از بازرسی اوراق کتبی و مکالمات.

این مصونیت، حتی پس از آنکه مأموران سازمان، کار خود را انجام دادند و از سازمان خارج شدند، همچنان برقرار است؛

ج: مصونیت از تعرض به اوراق و اسناد؛

د: حق استفاده از علائم رمزی و دریافت نامه از طریق کیسه های مهور، از سازمان ملل متحد؛

ه: استفاده از تسهیلات بانکی خاص کارکنان دیپلماتیک که به طور موقت در یک کشور خارجی انجام وظیفه می کنند؛

و: استفاده از هرگونه تسهیلات نمایندگان دیپلماتیک در جهت حفظ اسباب و لوازم شخصی.

دیوان در این مورد اعلام کرد که مازیلو مشمول مقررات این

قسمت از معاهده است و ادّعی دولت رومانی مبنی بر اینکه ایشان به علّت داشتن تابعیت دولت رومانی نمی تواند در خاک خود یعنی رومانی ( مسقط الرأس مازیلو) از این امتیازات و مصونیتها بهره مند باشد، وارد نیست؛ زیرا ماده ۵ معاهده در مورد کارکنان سازمان و ماده ۶ در مورد کارشناسان مأمور از طرف ملل متحد، متضمّن چنین محدودیتی نیست. بنابراین با توجّه به مسایل موضوعی قضیه، دیوان چنین اظهار نظر نمود که چون آقای مازیلو از ۱۳ مارس ۱۹۸۴ تا ۲۲ اوت ۱۹۸۵ در مقام عضو کمیسیون فرعی و از ۲۹ اوت ۱۹۸۵ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷، هم عضو کمیسیون و هم مخبر مخصوص آن بوده است و اینکه با وجود پایان یافتن مدّت عضویت وی در کمیسیون فرعی از دسامبر ۱۹۸۷ همچنان مخبر مخصوص کمیسیون فرعی به شمار می آید؛ [ زیرا کمیسیون فرعی اصولاً می تواند از بیرون، از اشخاص صاحب نظر درخواست نماید گزارش تهیه کنند ] از مصونیتهای مندرج در معاهده یاد شده برخوردار است.

### ۳. نظام ماهیگیری در قلمرو مقرّرات جامعه اقتصادی

#### اروپا حکم دیوان دادگستری جوامع اروپایی،

#### ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۱

دیوان دادگستری جوامع اروپایی در ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۱ قوانین دولت بریتانیا را در مورد ملیّت کشتیهایی که مایل به ماهیگیری در آبهای سرزمینی آن دولت هستند، رد کرد. دولت بریتانیا در ۱۹۸۸ مقرّراتی در مورد این مسأله وضع کرده و مقررّ نموده بود که صاحبان یا

فرماندهان کشتیهای ماهیگیری در قلمرو آبهای سرزمینی آن کشور باید الزاماً تبعهٔ بریتانیا یا مقیم آن کشور باشند. وضع این مقررات موجب شده بود که حدود پنجاه قایق ماهیگیری اسپانیایی کار خود را از دست بدهند و نتوانند تورهای ماهیگیری خود را در سواحل بریتانیا بگسترانند. البته دولتهای بریتانیا و اسپانیا در این فاصلهٔ زمانی (۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱) کوشیده بودند که راه‌حلهایی دوستانه برای حل مسأله تدبیر کنند. با این حال دیوان دادگستری، بی آنکه به این مذاکرات اعتنایی داشته باشد اعلام نمود که دولت بریتانیا با وضع چنین مقرراتی از حقوق جامعه تخطی کرده است.

#### ۴. تشکیل دادگاه داوری برای تعیین مرزهای

دریایی میان کانادا و فرانسه: ۲۹ ژوئیه تا

۲۳ اوت ۱۹۹۱

از ۲۹ ژوئیه تا ۲۳ اوت ۱۹۹۱، دادگاهی داوری برای تعیین مرزهای دریایی فرانسه و کانادا در نیویورک تشکیل جلسه داد. مبنای حقوقی کار این دادگاه موافقتنامه ای بود که کانادا و فرانسه در ۳۰ مارس ۱۹۸۹ به امضا رسانده بودند. بر این دادگاه که از پنج عضو (آرشاگا، پراسپر وایل، گت لایب، آرانگیو-رونیز و شاختر) ترکیب یافته بود، آرشاگا، از اهالی اوروگوئه و رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، ریاست می‌کرد.

این دادگاه مأموریت دارد که کار تعیین مرزهای دریایی میان دو

کشور را در حد ۲۰۰ میل منطقه انحصاری- اقتصادی به اتمام رساند. در ۱۹۷۲ این دو کشور فقط توانسته بودند که مرزهای خود را در شمال و شرق مجمع الجزایر فرانسوی، در آن بخش از دریا که سواحل فرانسه و کانادا به یکدیگر نزدیک می نمایند، تعیین کنند.

## ۵. حکم دیوان بین المللی دادگستری درباره رأی داوری ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹ در مورد تعیین مرز دریایی میان گینه بیسائو و سنگال: ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱

در ۲۶ آوریل ۱۹۶۰، فرانسه و پرتغال با امضای موافقتنامه‌ای، حدود مرز دریایی میان سنگال، عضو خودمختار جامعه فرانسه و ایالت پرتغالی گینه را معین نمودند. اما در پی رهایی این کشورها از بند استعمار، اختلاف شدیدی در مورد اعتبار این حدود مرزی بروز نمود؛ تا اینکه سرانجام در ۱۹۸۵ هر دو کشور پیمان بستند که اختلاف مرزی خود را به یک دادگاه داوری ارجاع دهند.<sup>۵۱</sup>

به موجب ماده ۲ این موافقتنامه، طرفین اختلاف از دادگاه داوری خواسته بودند، اعلام نماید که:

« ۱. آیا موافقتنامه ۲۶ آوریل ۱۹۶۰ فرانسه و پرتغال، همچنان گینه

بیسائو و سنگال را متعهد می سازد؟

۲. در صورتی که چنین نباشد، خطوطی که قلمرو دریایی این دو

سرزمین را مشخص می نماید، کدام است؟ »

به موجب ماده ۹ همین موافقتنامه، طرفین اختلاف از دادگاه

۵۱. برای اطلاع از متن کامل این موافقتنامه رک:

R.G.D.I.P., 1988, PP.449-455.

خواسته بودند که خطوط مرزی را بر روی صفحه ای ترسیم کند.

در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹، دادگاه داور، پس از رسیدگی به دلایلی که طرفین دعوی اقامه کرده بودند، با دو رأی موافق (که یکی از آن دو رأی از آن رئیس دادگاه بود) و یک رأی مخالف اعلام نمود که موافقتنامه ۲۶ آوریل ۱۹۶۰ فرانسه و پرتغال در مورد حدود مرزی دریایی دو کشور سنگال و گینه بیسائو تا آنجا که مربوط به مناطق مورد نظر این موافقتنامه یعنی دریای سرزمینی، منطقه مجاور و فلات قاره می شود، همچنان معتبر است و خط مبدأ مستقیم آن خطی است که نصف النهارات را در زاویه ۲۴۰ درجه قطع می نماید.

اما در مورد سؤال دوم، دادگاه داور با اعلام اینکه پاسخ به این سؤال در صلاحیت دادگاه قرار ندارد، از انضمام نقشه خطوط مرزی به حکم خودداری ورزید. ضمناً رئیس دادگاه نظر منفرد خود را به حکم ضمیمه نمود.<sup>۵۲</sup>

در ۲۳ اوت ۱۹۸۹، گینه بیسائو که از این حکم به خشم آمده بود، به دیوان بین المللی دادگستری شکایت برد و ادعا نمود که حکم دادگاه داور به دلیل فقدان ارکان ضروری صحت حکم، غیرواقع و ناموجود است.

گینه بیسائو در دادخواست خود از دیوان خواسته بود که با توجه به اختلاف جدیدی که میان دو کشور در مورد اجرای حکم داور به وجود آمده است، با صدور حکمی اعلام نماید که:

۵۲. برای اطلاع از متن کامل حکم داور، رک:

R.G.D.I.P., 1990, PP.204-275.

همچنین این حکم مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار گرفته است، نک:

A.F.D.I., 1989, PP.325-339.

الف: حکم دادگاه داوری کان لم یکن است، زیرا:

۱. دونفر از داوران هرچند به ظاهر با حکم داوری موافق بوده اند؛ اما یکی از آنها (رئیس دادگاه) با اعلامیه ای که ضمیمه حکم کرده است، عقیده ای را بیان داشته که با مفاد همان حکم در تناقض است:

۲. حکم داوری به سؤال دومی که طرفین از دادگاه کرده اند، پاسخ نداده است؛ به این معنی که خطوط اصلی مرز دریایی میان دو کشور را ترسیم نکرده است؛ چندان که می توان گفت داوران، خودسرانه و بدون توجه به مفاد موافقتنامه داوری، صلاحیت خود را در جهت رسیدگی و صدور حکم، محدود کرده اند؛

ب - دولت سنگال نمی تواند، گینه بیسائو را وادار به اجرای حکم ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹ نماید.

دیوان، پس از دریافت دادخواست گینه بیسائو، برای ورود در مسأله صلاحیت خود با قراری که در اول نوامبر ۱۹۸۹ صادر کرد، تاریخ تبادل لوایح را به طرفین اعلام نمود: ۲ مه ۱۹۹۰ برای گینه بیسائو؛ ۳۱ اکتبر ۱۹۹۰ برای سنگال.

در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۰، گینه بیسائو با استناد به اینکه نیروی دریایی سنگال در منطقه دریایی مورد اختلاف به عملیاتی نظامی دست زده است، از دیوان تقاضا نمود که با صدور قراری موقت، سنگال را تا صدور حکم نهایی دیوان از انجام هرگونه عملیات باز دارد.

گینه بیسائو در دادخواست ۱۸ ژانویه ۱۹۹۰ از دیوان

خواسته بود که با استناد به ماده ۴۱ اساسنامه<sup>۳۲</sup> و در ماده ۷۴<sup>۳۳</sup> آیین دادرسی دیوان، به منظور حفظ حقوق طرفین، با صدور قرار موقت، طرفین را از انجام هرگونه اقدام در منطقه مورد اختلاف برحذر بدارد. گزینه بیسائو با اقرار به اینکه صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در رسیدگی به دعوی اصلی محدود به بررسی حکم داوری ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹ است و در مورد تعیین حدود قلمرو دریایی دو سرزمین صلاحیتی ندارد، براین نکته اصرار ورزیده بود که درخواست آن از دیوان برای صدور قرار موقت محملی حقوقی دارد و آن رابطه میان این درخواست و اختلاف منافع دو کشور در تعیین حدود قلمرو دریایی یکدیگر است که در واقع رابطه ای میان دعوی اصلی و آن اختلافی است که فرع بر دعوا است؛ به این صورت که موضوع اختلاف اصلی، اختلاف نظر طرفین در مورد نحوه نظارت نیروهای انتظامی بر کشتیرانی در منطقه و استفاده از منابع دریایی آن خطه است و موضوع دادخواست، حفظ تمامت قلمرو دریایی منطقه. به همین دلیل، گزینه بیسائو از دیوان خواسته بود که با صدور قرار، حقوق طرفین را در دعوی اصلی تا صدور حکم حفظ و حمایت نماید.

۵۳. ماده ۴۱ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری :

۱. دیوان بین المللی دادگستری در صورتی که تشخیص دهد که اوضاع و احوال ایجاب می کند، می تواند تعیین کند، چه اقداماتی باید برای حفظ حقوق طرفین، به طور موقت به عمل آید.

۲. تا زمان صدور حکم قطعی، این اقدامات باید به طرفین اختلاف و همچنین به شورای امنیت ابلاغ گردد.

۵۴. ماده ۷۴ آیین دادرسی دیوان بین المللی : ۱- رسیدگی به درخواست قرار ( اقدامات) موقت بر هر قضیه دیگر اولویت دارد؛

۲- در صورتیکه دیوان در زمان این عرضحال جلسه نداشته باشد، باید بی درنگ برای رسیدگی فوری به این درخواست تشکیل جلسه دهد.

برای صدور قرار موقت، دیوان با توجه به ظواهر امر، ابتدا باید مطمئن می‌شد که برای رسیدگی ماهوی به دعوا، اجمالاً [Prima facie] دارای صلاحیت است، گرچه قرار موقت اصولاً به معنی قطعی شدن صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعوا نیست. بنابراین دیوان با تکیه بر اعلامیه‌هایی که طرفین دعوا برابر بند ۲ از ماده ۳۶ اساسنامه صادر کرده بودند و این خود به ظاهر صلاحیت دیوان را محرز می‌داشت، وارد در رسیدگی به این دادخواست شد و سرانجام در ۱۸ ژانویه ۱۹۹۰ با رأی موافق و یک رأی مخالف، درخواست گینه بیسائو را رد کرد و اعلام نمود که اوضاع و احوال مربوط به قضیه آن طور نیست که دیوان بتواند بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه قراری موقت صادر نماید.

آنگاه، دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس اعلامیه‌های هر یک از طرفین در مورد قبول صلاحیت اجباری دیوان: سنگال: ۲۰ اکتبر ۱۹۸۵؛ گینه بیسائو: ۷ اوت ۱۹۸۹ و عدم اعتراض صریح سنگال به صلاحیت دیوان، وارد در رسیدگی ماهوی گردید و سرانجام در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۱ چنین حکم کرد که:

«حکم داورى ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۹ معتبر است و برای طرفین الزام آور؛»  
از این رو، طرفین ملزم هستند که از حکم دیوان بین‌المللی دادگستری تمکین نمایند و در نتیجه، همانگونه که به موجب ماده ۱۱ موافقتنامه ارجاع امر به داورى (۱۹۸۵) متعهد شده‌اند، حکم داورى را همچون حکمی قطعی به اجرا درآورند.»



## ● دکترین

۱. حقوق بین الملل در نظر و در عمل

اثر پروفیسور اسکار شاکتر، چاپ ۱۹۹۱

[International law in theory and practice  
by Oscar Schachter, Dordrecht, Martinus, Nijhoff  
Publishers, 1991, xi+431 p.]

کتاب حقوق بین الملل در نظر و در عمل، در واقع متن کامل  
درسی است که پروفیسور شاکتر در ۱۹۸۲ در آکادمی لاهه ارائه نموده؛  
با این تفاوت که مطالب این کتاب با واقعیات روز تطبیق داده شده  
است.

زمانی که افاضات پروفیسور شاکتر در آکادمی انتشار یافت،

دسته ای از صاحب‌نظران بر وی تاختند و مضامین مورد بحث وی را در واقع تکرار همان مطالب قدما دانستند. اما دسته ای دیگر برخلاف دسته نخست به دفاع از آن برخاستند و اثر وی را در نوع خود بدیع و ابتکاری معرفی کردند و حتی مدعی شدند که پروفیسور شاختر مطالب روز را زیرکانه با زبانی آکادمیک بیان کرده و به هیچ روی بر آن نبوده است که مقوله های کلاسیک حقوق بین الملل را مجدداً مطرح سازد.<sup>55</sup>

این کتاب که مورد تقدیر انجمن امریکایی حقوق بین الملل قرار گرفته، مشتمل بر هفده فصل است. در این فصول از مبانی و اهداف مقررات حقوق بین الملل در جهان نامتحد؛ منابع، دکترین و رویه قضایی؛ اصول کلی و انصاف، متون بین المللی؛ قطعنامه ها و متون سیاسی، عدم توسل به زور؛ دفاع مشروع، اقدامات متقابل؛ مسوولیت بین المللی؛ صلاحیت دولتها؛ حقوق جدید دریاها؛ روابط اقتصادی بین المللی؛ حقوق بشر و حفظ محیط زیست و امنیت جمعی سخن به میان آمده است.

پروفیسور شاختر بی آنکه در پی ابتکار سیستمی جدید در حقوق بین الملل باشد، از واقعیات موجود در حیات بین المللی تحلیلی عمیق به عمل آورده و بر آن اساس به تبیین حقوق بین الملل پرداخته است. این واقعیات در بسیاری از موارد ناامیدکننده بوده است. با این حال از آنجا که مؤلف در قلمرو حقوق داخلی و حقوق بین الملل از صلاحیت علمی درخوری بهره مند بوده و سوابقی در مدیریت نظام داخلی و همچنین سازمان ملل متحد داشته است، توانسته فارغ از ذهنیات خویش، نحوه پیدایش مقررات حقوق بین الملل را واقع بینانه بررسی

55. Cf. A.J.I.L., 1987, pp. 763, 772.

کند. با این وصف، واقعگرایی شاختر مانع از این نبوده است که وی از مسایل اخلاقی غافل بماند. از این رو آنجا که از حقوق بشر سخن گفته، به کرات از ظلمی که بر بشر رفته و در اثر غفلت جامعه بین المللی باز همچنان در ناامنی بسر می برد، اظهار تأسف نموده است.

این کتاب در واقع مشابه کتابی است که شارل دوویشر در دهه شصت به نگارش درآورد<sup>56</sup> و حقوق بین الملل را به لحاظ عمل و نظر، در ترازوی خرد و منطق مورد مذاقه قرار داد. کتاب شاختر نیز حقوق بین الملل را با توجه به واقعیاتی که از آن زمان تا به حال در جامعه بین الملل پدید آمده مورد بررسی قرار داده است. هریک از این دو اثر آئینه دورانی است که این دو مؤلف از آن سخن گفته اند.

## ۲. نعدوستی در اندیشه ملل، اثر رنه ژان دوپویی

چاپ ۱۹۹۱

["L'Humanité dans l'imaginaire des Nations," Par René-Jean Dupuy Juillard (Coll. Conférences, Essais et leçons du Collège de France), 1991, 283p.]

کتاب جدید پروفیسور دوپویی، برخلاف آثار گذشته اش،<sup>57</sup> گفتاری در مورد وضعیت جهان حاضر نیست؛ بلکه استخراج تصوّرات ملل و بینش کلی آنان درباره مفهوم «بشردوستی = نوع دوستی» است. ابتدا چنین به نظر می آید که نوشتن این قبیل آثار بعد از آن فجایعی که در قرن معاصر به وقوع پیوسته<sup>58</sup> و همچنان شاهد انواع گوناگون آن

56. Cf. Charles de Visscher, "Théories et réalités en droit international public", Paris, Pédone, 4ème.éd., 1970.

57. La Cité terrestre, PUF, 1989.

58. فضایای آشوتیس، هیروئیمما.

بوده و هستیم،<sup>۵۹</sup> بیهوده می نماید. با این حال، نویسنده کتاب معتقد است که دیدگاه افراد جهان از مفهوم نועدوستی به طور کلی مبین همان اسطوره قدیمی است که حاکی از احساس تعلق اجباری همه افراد به یک جامعه و داشتن سرنوشت مشترک است؛ به این معنی که از لحاظ هر فرد تعلق به جامعه ای واحد و احساس مسؤوَلیت در قبال سایر هموعان، می تواند محرک وی در ساختن یک جامعه و استحکام بخشیدن به اصولی غیرحقوقی (جامعه شناختی) باشد. بدیهی است که ثمره چنین تلاشی، همبستگی تمام اقوام و ملل و در نتیجه از میان رفتن علل و امباب جنگهای خونین است.

مؤلف نامدار این کتاب در نخستین بخش کتاب خود، ابتدا از پیدایش فکر نועدوستی و تأثیر افکار فلسفی و اخلاقی در رشد و تحول آن سخن گفته و سپس یادآور این نکته شده است که علت تکامل نیافتن این فکر، همانا عدم توجه دولتها به نوع بشر در روابط بین المللی بوده است. به همین علت امروزه، به سبب کوچک شدن جهان و توسعه شگرف روابط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی افراد بشر این فکر رشد یافته است که اگر نועدوستی در بوته اجمال و فراموشی بماند، روابط بین الملل از حرکت فرو می ماند و چرخهای آن در منجلاب جنگهای خونین و وحشیانه می شکند. از این رو، مفهوم نועدوستی در پایان این چند دهه از عالم فرض و تخیل بیرون آمده و پای به جهان واقعیات گذاشته است.

دوپویی در قسمت دوم کتاب خود، نشان داده است که چگونه دولتهای عضو جامعه بین المللی به تدریج مفهوم «بشر دوستی» را در

قاموس مفاهیم مربوط به روابط بین الملل وارد کرده، آشکارا از بشر و حمایت از وی سخن به میان آورده اند؛ هرچند که این اشارات در نظر دویویی منظره ای حقوقی بیش نبوده است؛ زیرا به نظر وی افسانه صلح جهان بر مبنای مقررات حقوقی یا ایجاد قدرتی فراملی و یا رویارویی با متجاوزان و عهدشکنان و از میان بردن اقتدار زور و سلاحهای نظامی، همه لفاظی‌هایی بوده که به رغم دیپلماسی فعال دولتها و تدابیر سازمانهای بین المللی هنوز راه به جایی نبرده است؛ همچنانکه افسانه خلع سلاح در دورانی که سلاحهای مطلق خود وسیله ای بازدارنده برای جلوگیری از ریختن خون افراد بشر به شمار می آمده، توهمی بیش نبوده است.

اما دگرذیسی روابط شرق و غرب از ۱۹۸۹ به بعد، افکار دولتها را به این نکته معطوف نموده است که آیا وقت آن نرسیده که روابط میان خود را بر پایه خرد بنیاد نهند؟ با این حال تجزیه امپراتوری شوروی و آزاد شدن تعداد کثیری از دولتهای اروپای شرقی از بند کمونیسم، هرچند فضایی تازه برای آنها پدید آورده، اما مانع از آن نشده که افکار شیطنانی باز آنها را در بند جزمی دیگر یعنی اصل «ملیتها» قرار دهد و فجایعی همچون فجایع سارایوو پدید آورد.

به همین جهت دویویی از خود سؤال می کند که آیا از «یالتا» بدر آمدیم تا به سارایوو رجعت نماییم؟. وانگهی افریقا باز همچون گذشته در فقر و تباهی روزگار می گذارند و خاورمیانه سازی دیگر آغاز کرده است: رویارویی فرهنگهای مختلف در این عصر که مکاتب جزمی دم آخر را می گذرانند، از وقوع فاجعه ای دیگر خبر می دهد. با همه این احوال، دویویی معتقد است که در عصر رستاخیز

(نمایان شدن مفهوم بشر دوستی)، انساندوستی نه تنها افسانه به شمار نمی آید، که جزیی از زبان حقوقی و عامیانه مردم جهان شده است. به اعتقاد پروفیسور دوپویی، حقوق بین الملل نخستین قلمروی بوده که این مفهوم در آن تجلی یافته است.

دوپویی همانند رنه کاسن<sup>60</sup> با اهمیت دادن به حقوق بشر و یادآوری غفلت دولتها در جهت پاسداری از این حقوق، حراست از شأن و منزلت انسان را در رعایت حقوق اساسی وی یافته است.

این طرز تفکر که مورد تأیید دیوان بین المللی دادگستری و کمیسیون حقوق بین الملل بوده، موضوع اصلی مباحث انجمن حقوق بین الملل در اجلاس سن ژاک در ۱۹۸۹ قرار گرفته است. در قطعنامه ای که این انجمن در این مورد صادر کرده، آمده است که مبنای اصلی وظیفه دولتها در رعایت حقوق بشر، تکلیفی است که آنان در قبال کل جامعه بشری (erga omnes) دارند. به همین دلیل اگر تجاوزی به حقوق بشر صورت گیرد، صرفنظر از مکان وقوع جرم، هر دولت حق خواهد داشت که در قبال آن قد علم کند و خواستار رسیدگی به آن جرم گردد (دفاع اجتماعی)؛ حتی اگر این جرم به منافع خاص آن دولت لطمه ای وارد نکرده باشد. وانگهی سازمانهای بین المللی غیردولتی نیز در جهت حفظ و حمایت از حقوق بشر از حقوقی بهره مند شده اند که در نوع خود اهمیت بسیار دارد. مجمع عمومی در ۲ نوامبر ۱۹۸۸ نیز اعلام کرد که:

«فریاد هر بشر ستمدیده مظلوم، فریاد کل بشریت است.»

60.Cf. René Cassin, *Actualité de la pensée de René Cassin*, Acte du colloque International du 15 novembre 1980, C.N.R.S., Paris, 1981.

از این رو، امروزه در قلمرو حقوق بین الملل، مفاهیم حقوق بشر و مفاهیم حقوق بشردوستانه آنچنان در هم آمیخته شده اند که تفکیک یکی از دیگری غیرممکن می نماید.

گذشته از این، در این چند دهه، جامعه بین المللی به تدریج از میراث مشترک بشریت و حق وی در حراست از فضای ماورای جو، اعماق دریاها و اقیانوسها، محیط زیست و فضای فرهنگی سخن به میان آورده و نسل امروز را امین و حافظ میراث گرانبهایی دانسته است که باید به نسل دیگر سپرده شود.

اثر جاودانی دوپویی آنچنان از مفاهیم فلسفی، انسانی و تحلیلهای حقوقی ظریف آکنده است که خلاصه کردن آن بسیار دشوار به نظر می آید؛ به همین جهت باید آن را خواند و بر خالق آن آفرین گفت.

۳. حقوق بین الملل، کارنامه و چشم اندازها، ویراسته

محمد بجاوی، چاپ ۱۹۹۱، دو مجلد، ۱۳۶۱ صفحه

[Droit international, Bilan et perspectives,  
Paris, Pedone, UNESCO, 1991, 2 tomes,  
1361 p.]

این اثر که به ابتکار یونسکو (برای مشارکت در فعالیتهای مربوط به دهه حقوق بین الملل) و سرپرستی محمد بجاوی حقوقدان مشهور الجزایری، در ۱۹۹۱ انتشار یافته، کتابی درسی است که می تواند مورد استفاده هر پژوهنده حقوق بین الملل قرار گیرد.

کتاب حقوق بین الملل، کارنامه و چشم اندازها که براساس یک روش منظم علمی نگاشته شده، به ابواب و فصولی تقسیم گردیده که

هریک از آنها معرف فرهنگ و دریافت حقوقی مؤلف یا نویسنده ای است که کار تحقیقی مربوط به آن باب یا فصل را در عهده داشته است. این نویسندگان که هر یک از آنها ملیتی متفاوت با دیگری دارد، با اینکه تحت تأثیر بینشهای خاص فرهنگی خویش بوده، سعی کرده اند که از نظم شکلی کتاب خارج نگردند؛ هر چند که حد این نظم همیشه رعایت نشده است. کتاب یاد شده، در بسیاری از موارد فاقد کتابنامه ای است که باید در هر کتاب درسی وجود داشته باشد. به طور کلی، این کتاب نه تنها حقوق بین الملل را از جمیع جهات مورد نظر قرار داده، از تنوع زیاد نیز برخوردار است؛ به همین سبب توانسته سیمایی زنده از واقعیات حقوقی معاصر عرضه بدارد.

#### ۴. حقوق بین الملل، مالکم.ن.شاو. چاپ ۱۹۹۱

۷۹۰ صفحه

[International Law, third edition, Cambridge,  
Grotius,  
Publications Ltd, 1991, 790p.]

این کتاب با اینکه حقوق بین الملل را به تفصیل مورد مطالعه قرار نداده، به حق مفصلی از حقوق بین الملل عمومی است؛ زیرا مؤلف سعی کرده که مطالب و مباحث حقوقی را به طور موجز اما مستدل بیان کند تا از این طریق، خواننده را به تفکر منطقی وا دارد.

این کتاب که به نوزده فصل مختلف تقسیم شده، با روشی منظم و محققانه مباحث اصلی حقوق بین الملل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. البته رهیافت مؤلف در این کتاب سیاق کلاسیک دارد و از



این رو با روشهای تحقیق حقوقدانان جامعه شناس متفاوت می نماید. با این حال پروفسور شاوهر کجا که مقتضی بوده، به طور مفصل به کاستیهای حقوق بین الملل و مسایل حل ناشده بین المللی در عصر حاضر اشاره کرده است. در این کتاب فصل خاصی نیز به حقوق محیط زیست اختصاص داده شده است؛ اما متأسفانه از حقوق اقتصادی بین المللی سخن به میان نیامده است.

آنچه به طور کلی می توان گفت، این است که کتاب پروفسور شاو، اثری ارزنده، جامع و محققانه است که از هر نظر می تواند برای محققان جالب نظر و مفید باشد.

#### ۵. از همزیستی مسالمت آمیز تا همکاری، حقوق

بین الملل و سازمان (روابط بین الملل) در دوران بعد

از جنگ سرد، اثر ادوارد مک وینی،

( دوگلاس راس، گریگوری تونکین و ولادن ورشتین، )

انتشارات مارتینوس، ۱۹۹۱، ۲۹۷، ص ۱۹+

[From coexistence to cooperation. International Law and Organization in the Post-Cold war era, by Edward McWhinney, Douglas Ross, Grigory Tunkin & Vladen Vereshchetin, Dordrecht, Martinus Nijhoff Publishers, 1991, XIX+297p.]

این کتاب که حاصل مباحثات صاحب نظران حقوق بین الملل کشورهای اتحاد شوروی و کانادا در سال ۱۹۹۰ است، مشتمل بر بیست و دو مقاله در مورد مسایل متنوع و مختلفی از قبیل، نظارت بر

سلاحهای هسته‌ای، محیط زیست، کشتیرانی در شمالگان، استفاده از فضا، روابط اقتصادی با اتحاد شوروی، حقوق بشر یا مبارزه بر ضد تروریسم است که این بار به صورتی کاملاً جدید مطرح شده است تا با واقعیات تحوّل یافته جهان هماهنگ بنماید.

## ۶. کاستیهای حقوق بین الملل [خلاء حقوق

بین الملل] اثر اورلیخ فاستنرات، چاپ

۱۹۹۱، ۳۳۹ ص.

[ *Lücken im Völkerrecht, von Ulrich Fastenrath, Berlin, Duncker & Humblot, 1991, 339 p.* ]

مؤلف این کتاب، پس از پرداختن به مسأله کلی کاستیهای نظام بین المللی، به ساختار حقوق بین الملل پرداخته و خلاء آن را با توجه این ساختار معین نموده است. آنگاه با نشان دادن ماهیت و نوع این خلاء به بحث درباره این مسأله پرداخته است که قاضی بین المللی چگونه و تا چه حد به وقت نبود قاعده موضوعه می تواند، قضیه ای را مورد رسیدگی قرار دهد. اما آنچه مؤلف این کتاب به دنبال آن بوده و سرانجام در نتیجه گیری، آشکارا از آن سخن به میان آورده، این بوده است که «نبود قاعده» (Non Lique) در حقوق بین الملل با نبود قاعده در حقوق داخلی تفاوت دارد، به این معنی که در نظام حقوق بین الملل قاضی نمی تواند به وقت نبود قاعده، همانند قاضی داخلی آزادانه و با توجه به منابعی که در اختیار دارد، استنباط حکم نماید. بنابراین اگر قاضی بین المللی حین رسیدگی به قضیه ای متوجه شود که

---

قاعده ای برای حل و فصل دعوی در دست ندارد، می تواند به عدم صلاحیت خود حکم کند، بی آنکه مستنکف از حق به شمار آید.

۷. تأثیر و نفوذ دین در توسعه حقوق بین الملل،

ویراسته مارک.و. جانیس، انتشارات مارتینوس

چاپ ۱۹۱۱، ۲۶۸+۲۱ص

[The influence of religion on the developpment of  
International Law, Mark.W.Janis,Dordrecht,  
Martinus Nijhoff Publishers, 1991,  
XXI+268p]

این کتاب مشتمل بر یازده مقاله است که از لحاظ کار تحقیق به دو قسمت تقسیم شده است. در قسمت نخست این کتاب از اصولی گفتگو شده که مورد قبول جمیع ادیان و مذاهب مختلف بوده است. اما در قسمت دوم به اصولی پرداخته شده که می توانند در قلمرو حقوق بین الملل مفید فایده باشند. مقاله آقای رایزمن Reisman از جمله مقالاتی است که به لحاظ پرداختن به مسأله بنیادگرایی اسلامی از اهمیت زیاد برخوردار است و می تواند مورد نقد و بررسی جداگانه قرار گیرد.